فراخوان‌های امروز

موسسه جهانی ارتباط فردا
صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان روستائیان و عشایر
گروه صنایع سیمان کرمان
شرکت پالایش نفت بندرعباس سهامی عام
ایرانسل MTN
شرکت عاملیات ایران منطقه سیستان و بلوچستان
شرکت فاضلاب تهران
واحد شیراز
جمهوری اسلامی ایران وزارت آموزش و پرورش شهر تهران اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران
شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

روزنامه مناقصه مزایده

فراخوان‌های امروز

موسسه عمران ساحل
موسسه هندسی رباب
قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء عملیات تخصصی نیرو موسسه قاطر
شرکت مهندسی توسعه آب تابان
مجتمع صنعتی اسفراین
موسسه مکین
شرکت پتروشیمی اروند
سازمان جهاد کشاورزی استان تهران
بانک ملت

سه‌شنبه ۶ آبان ۱۴۰۴ ■ ۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ ■ سال بیست‌ویکم ■ شماره ۴۴۸۰ ■ قیمت ۱۲۰۰۰۰ ریال ■ ۸ صفحه

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی

Tuesday ■ 28.Oct. 2025 ■ Vol.21 ■ No.4480 ■ 120000RIs ■ ISSN:2008-2886

وزیر کشور: برخی اختیارات دولت به استانداران واگذار شد

صفحه ۱

حقوق عمومی و خصوصی؛ بررسی ویژگی‌ها، ارکان و وجوه اشتراک و افتراق

صفحه ۳

طلب بیش از ۱۰۰ همتی قطعه‌سازان از خودروسازان

صفحه ۵

عدم رشد زیرساخت‌ها به موازات سرمایه‌گذاری‌ها علت آشفتگی صنعت فولاد است

صفحه ۶

از بانک آینده تا آینده بانکداری در ایران

صفحه ۷

بنگاه‌داری بانک‌ها عامل گرانی مسکن

صفحه ۴

معاون پرستاری وزارت بهداشت

بحران کمبود پرستار در ۵ استان جدی است

صفحه ۱

بررسی و تبیین پیشینه حقوق نفت و گاز شامل کلیه قوانین و مقررات به ترتیب زمان و بررسی روند تکامل و تحولات آن‌ها و ارائه دسته‌بندی نظامند از آن‌ها

صفحه ۳

وقوع زلزله در تهران محتمل نیست بلکه قطعی است

صفحه ۴

سؤال روز

چند درصد از شبکه انتقال و فوق توزیع برق کشور بالای ۳۰ سال عمر دارند؟

صفحه ۸

معاون پرستاری وزارت بهداشت

بحران کمبود پرستار در ۵ استان جدی است

به اذعان مسئولان، نظام سلامت کشور با کمبود بیش از ۱۰۰ هزار پرستار روبه‌رو است؛ به‌طوری که استاندارد جهانی پوشش پرستاری در کشور رعایت نشده و نسبت پرستار به تخت فعال در کشور کمتر از نصف میانگین جهانی است. به گزارش ایسنا، همچنین به گفته دست‌اندرکاران سلامت کشور، افزایش سن پرستاران از یک‌سو و مهاجرت نیروهای باتجربه و همچنین جوان‌ترها از سوی دیگر، زنگ خطری برای آینده نظام پرستاری کشور است. این در شرایطی است که فشار کاری بالا و شیفت‌های فشرده در سایه کمبود نیرو و همچنین میزان پرداخت‌ها موجب فرسودگی شغلی و کاهش انگیزه در میان پرستاران شده است. بر همین اساس، دکتر عبادی؛ معاون پرستاری وزارت بهداشت نیز، بر لزوم بازنگری در نظام پرداخت و عدالت مزدی تأکید دارد و می‌گوید که در برخی موارد کارانه و مزایای پرداختی به پرستاران با حجم و سختی کار آنان تناسب ندارد و این مسئله باید به‌طور جدی اصلاح شود. عبادی؛ همچنین افزایش بودجه پرستاری، استخدام سالانه نیروهای جدید، بهبود شرایط کاری و ارتقای منزلت اجتماعی پرستاران و همچنین مباحثی نظیر معافیت مالیاتی، نگهداشت، بورسیه پرستاران و اسکان آن‌ها در سال پیش‌رو را خواستار شده و تأکید می‌کند که بدون تقویت جایگاه پرستاران، دستیابی به نظام سلامت کارآمد و پایدار ممکن نخواهد بود. عباس عبادی؛ به مناسبت هفته پرستار در گفتگویی، درباره پرستاران شاغل در نظام سلامت کشور، اظهار کرد: جامعه‌آماری تمام پرستاران شاغل در مراکز درمانی کشور را در یک سامانه و داشبورد مدیریتی با جزئیات در اختیار داریم. آمار و ارقام شاغلان گروه پرستاری که شامل اتاق عمل، هوشبری، کمک‌پرستار و پرستاران می‌شود، بیانگر این است که بیش ۲۱۵هزار نفر در مراکز دولتی و خصوصی خدمت ارائه می‌دهند. همچنین گروهی از پرستاران نیز در حوزه خدمات پرستاری در منزل فعالیت می‌کنند و تعداد مراکز پرستاری در منزل نیز بیش از ۱۶۰۰ مورد است. او با بیان اینکه سازمان نظام پرستاری ۲۹۰هزار عضو دارد، افزود: به‌طور قطع، تعدادی از اعضای سازمان نظام پرستاری بازنشسته شده‌اند و به همین دلیل مشمول آمار معاونت پرستاری وزارت بهداشت نمی‌شوند. پرستاران، حدود ۱۴۵هزار نفر از جامعه ۲۱۵هزار نفری گروه پرستاری شاغل در مراکز درمانی کشور را تشکیل می‌دهند. سهم گروه اتاق عمل و هوشبری از گروه پرستاری کشور به ترتیب ۲۲هزار و ۱۶ تا ۱۷هزار نفر است. کمک‌پرستاران و بهیاران نیز سایر این گروه شغلی را تشکیل می‌دهند. وی با بیان اینکه پرستار تربیت‌شده به میزان کافی در اختیار داریم، تصریح کرد: اگرچه تعداد پرستار دانش‌آموخته در کشور مطلوب است اما از نظر پراکندگی جغرافیایی شرایط مطلوبی نداریم. به‌عنوان مثال سیستم بهداشتی و درمانی کشور با انباشت نیرو در غرب کشور مواجه است؛ در حالی که استان‌های بوشهر، هرمزگان، تهران و خوزستان و سیستان و بلوچستان به شدت کمبود نیرو دارند. نسبت پرستار به تخت در برخی استان‌های کشور از میانگین کشوری پایین‌تر است؛ به‌طور مثال، نسبت پرستار به تخت‌های بیمارستانی استان خوزستان ۰٫۶، برخی مناطق استان سیستان‌وبلوچستان ۰٫۵ و استان بوشهر نیز ۰٫۷ است.

وزیر کشور: برخی اختیارات دولت به استانداران واگذار شد

وزیر کشور، از تصویب و واگذاری برخی اختیارات دولت به استانداران خبر داد و بر پیگیری واگذاری سایر اختیارات تعیین‌شده با اصلاح قانون تأکید کرد. اسکندر مؤمنی؛ در گفتگو با ایسنا، در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت واگذاری اختیارات به استانداران، اظهار کرد: اختیارات استانداران به سه دسته تقسیم شده است. در این مسیر برخی اختیارات که در اختیار هیئت دولت بود، واگذار و تصویب شد و برخی که نیاز به اصلاح قانون دارد هم در حال پیگیری است. وزیر کشور، در نیمه شهریورماه در سخنانی با بیان اینکه هنوز اختیاراتی که مدنظر رئیس‌جمهوری بود به‌طور کامل واگذار نشده، یادآور شده بود: بخشی از این اختیارات براساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی در دوران جنگ ۱۲ روزه واگذار شد که اختیارات خوبی هم بود و در مدتی که اجرا شد آثار خوبی به‌جا گذاشت. او همچنین با اشاره به اینکه بخشی از اختیارات در دست خود دولت است، گفته بود: کارها برای واگذاری اختیارات در این بخش شروع شده اما هنوز به مرحله نهایی و آنچه مدنظر ما و رئیس‌جمهوری بود، نرسیده است. بخش دیگری هم قرار است تبدیل به قانون یا در جلسه سران تصویب شود یا مجلس بررسی کند تا اختیارات کامل‌تر واگذار شود. مؤمنی؛ بر وجود نظارت در زمینه واگذاری اختیارات، تأکید و تصریح کرده بود: واگذاری اختیار بدون نظارت، مضر است و اصلاً چنین چیزی مدنظر دولت و رئیس‌جمهوری نیست. نظارت لازم هم صورت می‌گیرد. اگر نظارت نباشد که آن اختیار ممکن است با استفاده درستی همراه نشود. واگذاری اختیار توام با نظارت، ایجاد رقابت می‌کند و کیفیت را بالاتر می‌برد. نظارت لازم صورت می‌گیرد و سازوکارش فراهم و ابلاغ شده است. مردم مطمئن باشند که نظارت وجود خواهد داشت و با برنامه‌ریزی مناسب و در مسیر درست پیش می‌رویم.

هر شهروند یک ناظر

هرگونه مانع تراشی، تخلفات اداری و ترک فعل مسئولین دستگاه‌های اجرایی در مسیر سرمایه گذاری مشروع و تولید را به سازمان بازرسی کل کشور اعلام نمایید.

www.136.ir

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۴/۱۳۳

بانک ملت bank mellat

الف: مناقصه‌گزار: بانک ملت

ب: موضوع مناقصه: خرید، گارانتی و پشتیبانی تعداد ۵۰ دستگاه خودرو تویوتا هایلوکس دنده دستی با سال ساخت حداقل ۲۰۲۳ به صورت تجهیز شده جهت امور پولرسانی

ج: تضامین لازم برای شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی بدون قید و شرط شرکت در مناقصه (غیر از بانک ملت) و یا ارائه چک بانکی/بین بانکی غیر از چک عادی مشتریان به مبلغ ۳۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا فیش واریز نقدی مبلغ فوق به حساب جاری جام به شماره ۲۰۲۴۰۱۳۵۹۵ به شناسه واریز ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۳۳۱۸۴ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت)

د: مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه:
ارائه معرفینامه و فیش واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری جام شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ با شناسه ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۳۳۲۷۳ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت.

ه: محل دریافت اسناد مناقصه:
تهران، خیابان طالقانی، مقابل ساختمان وزارت نفت، ساختمان شماره ۳۸۰، طبقه ششم، واحد معاملات و قراردادها.

شماره تماس: ۶۴۸۲۱۲۳۸-۰۲۱ و ۶۴۸۲۱۰۵۰-۰۲۱

جدول زمانی انجام مناقصه	
آغاز توزیع اسناد مناقصه	ساعت ۰۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸
تاریخ گشایش پاکت‌ها	رأس ساعت ۰۸:۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

اداره کل تدارکات واحد معاملات و قراردادها

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی مناقصه

یک شرکت بزرگ تولید کننده مواد شوینده در نظر دارد نسبت به تأمین پمپ‌های غلیظ پاش با مشخصات زیر اقدام نماید:

مشخصات پمپ غلیظ پاش: 33/410-L
عملگر: L
طول لوله غوطه ور (LPS): 279mm
رنگ: قرمز
قطر دهانه: ۳۲ میلی‌متر
تعداد: ۲میلیون قطعه

از کلیه تولیدکنندگان و تامین کنندگان معتبر دعوت می‌شود تا پیشنهادات خود را تا تاریخ ۲۰ آبان ۱۴۰۴ به آدرس زیر ارسال نمایند:

تهران، انتهای بزرگراه ستاری شمال، میدان دانشگاه، ابتدای سیمون بولیوار، خیابان گلها، پلاک ۵
کد پستی: ۱۴۷۵۹۸۹۹۴۵

لطفاً در پیشنهادات خود به موارد زیر توجه و پیشنهاد خود را تهیه فرمایید:

۱ قیمت نهایی کالا
۲ زمان تحویل
۳ شرایط پرداخت
۴ مشخصات کامل شرکت کننده در مناقصه

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

فصلنامه قانون

خرید اشتراک ویژه در سایت Qanoonnameh.ir

می‌توانید با خرید نسخه کاغذی نسخه الکترونیکی را رایگان دریافت کنید

ویژه قوانین و مقررات خدمات حجمی

ویژه قوانین و مقررات کار معین

رقابت ۳۵۰۰ شرکت‌کننده ایرانی و خارجی در مسابقات برنامه‌نویسی و هوش‌مصنوعی

مدیر مسابقات برنامه‌نویسی و هوش‌مصنوعی دومین دوره المپیک فناوری، گفت: در این دوره از مسابقات، بیش از ۳۵۰۰ نفر از داخل کشور و ۲۰۰ شرکت‌کننده از خارج از ایران حضور داشتند و رقابت‌ها در چند مسیر تخصصی برگزار شد. علی لطفی؛ در گفتگو با ایسنا، اظهار کرد: مسابقات امسال به‌صورت آنلاین از سراسر کشور و با حضور شرکت‌کنندگانی از دیگر کشورها برگزار می‌شود. وی افزود: در بخش برنامه‌نویسی حدود ۳۵۰۰ نفر ثبت‌نام کرده‌اند که از این میان، ۲۰۰ نفر از خارج از کشور هستند. لطفی؛ با بیان اینکه مسابقات برنامه‌نویسی در چهار مسیر برگزار می‌شود، گفت: «پایتون، جنگو، گولَنگ، فرانت‌اند و الگوریتم» مسیرهای اصلی این رقابت‌ها هستند. همچنین مسابقات هوش‌مصنوعی در سه حوزه «پردازش متن»، «ارزش داده» و «پردازش تصویر» برگزار خواهد شد. مدیر مسابقات برنامه‌نویسی و هوش‌مصنوعی دومین دوره المپیک فناوری، افزود: مرحله انتخابی این رقابت‌ها به‌صورت آنلاین از طریق سامانه ملی «کوئرا» برگزار می‌شود. در بخش برنامه‌نویسی حدود ۵۵۰۰ نفر ثبت‌نام کردند که نزدیک به هزار نفر از آن‌ها از خارج از کشور بودند. به گفته وی، در بخش هوش‌مصنوعی نیز حدود ۳۵۰۰ نفر ثبت‌نام کردند که ۲۰۰ نفر از خارج از ایران در میان آن‌ها حضور داشتند. وی تأکید کرد: شرکت‌کنندگان نهایی که در مرحله حضوری به مدت حدود سه تا چهار ساعت به رقابت می‌پردازند، از سراسر ایران و چند کشور خارجی گردهم آمده‌اند. لطفی؛ ادامه داد: این شرکت‌کنندگان قابلیت معرفی به شرکت‌های فناور مستقر در بانک فناوری و سایر شرکت‌های حامی مسابقات را دارند و می‌توانند بعد از این رقابت‌ها جذب صنعت شوند. مدیر مسابقات برنامه‌نویسی و هوش‌مصنوعی دومین دوره المپیک فناوری، خاطرنشان کرد: سه تیم برتر این دوره به‌صورت ویژه مورد تقدیر قرار می‌گیرند و امتیاز نخبگان نیز به آن‌ها تعلق خواهد گرفت. وی با اشاره به حضور بین‌المللی این دوره، گفت: شرکت‌کنندگانی از کشورهای عمان، بنگلادش، هند، هلند و روسیه در این دوره حضور دارند و رقابت‌های پایانی طی دو روز برگزار می‌شود. لطفی؛ با اشاره به ماهیت فنی چالش‌ها، اظهار کرد: در مرحله انتخابی، توانمندی‌های پایه شرکت‌کنندگان سنجیده شد، اما در مرحله نهایی چالش‌ها به مسائل واقعی صنعت نزدیکتر است. برای مثال در مسیر پردازش تصویر، از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا تصاویر را شناسایی و دسته‌بندی کنند یا مدل‌هایی را توسعه دهند که بتوانند در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شوند. وی تأکید کرد: مسابقات هوش‌مصنوعی هر سال گسترده‌تر می‌شود و در آینده، مهندسان نرم‌افزاری که درک دقیقی از نحوه پیاده‌سازی کد و استفاده از ابزارهای هوش‌مصنوعی داشته باشند، نقشی کلیدی در توسعه نرم‌افزارهای نوین خواهند داشت.

فیبرکشی منازل، شماره تلفن مشترکان را تغییر نمی‌دهد!

معاون شبکه شرکت مخابرات ایران، اعلام کرد: شماره‌های تلفن مشترکین بعد از فیبرکشی تغییری نمی‌کند اما ممکن است حداکثر تا ۲۴ ساعت تلفن آن‌ها قطع شود. به گزارش پیوست، حسن کریمی؛ معاون شبکه شرکت مخابرات ایران در پاسخ به سؤالی درباره اینکه آیا در تغییر و تحولی که توسط مخابرات ایجاد می‌شود و خطوط فیبر نوری جایگزین سیم مسی می‌شود شماره‌های تلفن‌های مشترکان تغییر می‌کند؟ گفت: ما در این تغییر تکنولوژی تلاش می‌کنیم که شماره‌های تلفن ثابت مردم تغییری نکند. تاکنون نیز تغییری نکرده است. شاید در برخی شهرها نتوانسته‌ایم به صورت کامل به این موضوع عمل کنیم ولی در حال تأمین تجهیزاتی هستیم که به صورت ابری تمام ایران را پوشش می‌دهیم و شماره‌ای تغییر نخواهد کرد. او درباره قطع سرویس تلفن مشترکان پس از فیبرکشی، گفت: برنامه ما این است که ابتدا تمام مسیر فیبرنوری را تا درب واحد مسکونی مشترک انجام دهیم؛ بنابراین اگر مشترک در منزل حضور داشته باشد تا داخل منزل نیز فیبرنوری کشیده و دایر می‌شود. ممکن است تلفن آن مشترک در یک لحظه جا به جا شود و بعد از این جابه‌جایی کابل‌های مسی را جمع‌آوری می‌کنند. البته بعضی اوقات مشترکان در منزل حضور ندارند و ممکن است تلفن آن‌ها حداکثر تا ۲۴ ساعت قطع شود که تلاش ما این است که این اتفاق نیز نیفتد. کریمی؛ گفت: در مدل (ADSL) اینطور است که تلفن مشترک از مخابرات است و ممکن است اینترنت او از شرکت دیگری باشد، اکنون نیز به همین شکل است و بستر اینترنت مشترک می‌تواند از مخابرات باشد و تلفن و فیبرخانگی او از یک اپراتور دیگر باشد. قاعدتاً در خیلی جاها بسترسازی توسط مخابرات انجام می‌شود اما خدمات تلفن و اینترنت می‌تواند توسط مخابرات یا اپراتور دیگری باشد.

هشدار درباره ترکیدن حباب هوش‌مصنوعی در وال‌استریت!

با وجود سرمایه‌گذاری‌های چندتریلیون دلاری غول‌های فناوری در حوزه هوش‌مصنوعی، بسیاری از تحلیلگران و سرمایه‌گذاران نسبت به شکل‌گیری «حباب هوش‌مصنوعی» هشدار می‌دهند و معتقدند که بازده واقعی این سرمایه‌گذاری‌ها هرگز با سطح هیجان موجود در بازار هم‌خوانی نخواهد داشت. با افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ فناوری در پروژه‌های هوش‌مصنوعی، نگرانی‌ها درباره شکل‌گیری یک حباب مالی جدید شدت گرفته است. به گزارش ایتنا و به نقل از تک‌اسپات، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که هیجان بازار در این حوزه به‌مراتب از واقعیت‌های اقتصادی پیشی گرفته و ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور، این حباب منفجر شود. لورِن تیلور وُلف، یکی از بنیان‌گذاران شرکت سرمایه‌گذاری Impactive Capital، در گفتگو با شبکه CNBC اعلام کرد که با وجود بازار صعودی فعلی، قصد ندارد وارد سرمایه‌گذاری در حوزه هوش‌مصنوعی شود. او تأکید کرد که تمرکز بیش‌ازحد وال‌استریت بر این فناوری، یادآور دوره‌هایی است که هیجانات غیرمنطقی موجب سقوط بازارها شد. وُلف مانند بسیاری از کارشناسان دیگر معتقد است که ما «قطعاً» در مرحله‌ای از حباب هوش‌مصنوعی قرار داریم که دیر یا زود خواهد ترکید. هرچند او زمان یا میزان این سقوط را پیش‌بینی نکرد، اما هشدار داد که بسیاری از سرمایه‌گذاران متضرر خواهند شد. این دیدگاه هم‌راستا با گفته‌های سم آلتمن، مدیرعامل OpenAI، است که در مردادماه گفته بود: «سرمایه‌گذاران بیش‌ازحد هیجان‌زده‌اند، و این رفتار عقلانی نیست. برخی قرار است مقدار قابل‌توجهی پول از دست بدهند.»

قرارداد واگذاری تیک‌تاک به آمریکا پنجشنبه منعقد می‌شود

به گفته اسکات بسنت؛ وزیر خزانه‌داری آمریکا، این کشور و چین آماده هستند تا قرارداد واگذاری تیک‌تاک را پیش ببرند. به گزارش مهر به نقل از تک کرانچ، بسنت؛ ماه گذشته گفته بود طی مذاکرات در مادرید، دو کشور به چارچوبی درباره قرارداد دست یافته‌اند. پس از آن دونالد ترامپ؛ رئیس‌جمهور آمریکا نیز، دستور اجرایی برای تسهیل این قرارداد امضاء کرد. بسنت؛ در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد: آمریکا و چین به توافق نهایی درباره تیک‌تاک دست یافته‌اند. وی در این باره، گفت: ما در مادرید به یک توافق دست یافتیم و تصور می‌کنیم امروز (یک شنبه به وقت آمریکا) به توافقی دیگر دست یافتیم. همه جزئیات مرتب شده‌اند و اکنون دو رهبر این قرارداد را روز پنجشنبه هفته جاری در کره‌جنوبی تکمیل می‌کنند. او از صحبت درباره جزئیات توافق سرباز زد اما افزود: وظیفه من این بود که طرف چینی را برای تأیید این معامله متقاعد کنم و معتقدم ما طی دو روز گذشته با موفقیت این کار را انجام دادیم. اظهار بسنت از کوالالامپور در مالزیا اعلام شد و مذاکره‌کنندگان تجاری چین و آمریکا نیز در آنجا اعلام کرده‌اند به چارچوبی برای توافق درباره تعرفه‌ها و دیگر موضوعات تجاری دست یافته‌اند. ترامپ؛ به‌طور مرتب مهلت قانونی که بایت دنس، مالک تیک‌تاک را ملزم به واگذاری شاخه آن در آمریکا یا مسدود شدن در این کشور می‌کرد، به تعویق انداخت. طبق مفاد فرمان اجرایی ترامپ، عملیات تیک‌تاک در آمریکا از جمله الگوریتم پیشنهاد محتوا، کد منبع و مدیریت محتوا تحت کنترل هیئت مدیره جدیدی قرار خواهد گرفت و اوراکل مسئول عملیات امنیتی خواهد شد.

شکاف میان اهداف برنامه هفتم توسعه و وضع موجود اقتصاد دانش‌بنیان!

ارزیابی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد بخشی از اهداف ماده (۹۳) و احکام مرتبط با اقتصاد دانش‌بنیان هنوز تحقق نیافته و ضعف در انسجام نهادی، کاستی داده‌های اجرایی و نبود نظام پایش هوشمند، اصلاح اصولی شاخص‌ها و سازوکارها را ضروری کرده است. به گزارش تسنیم، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های قابل‌توجه در برخی حوزه‌ها، همچنان فاصله‌ای میان وضع موجود و اهداف تعیین‌شده در ماده (۹۳) و سایر احکام مرتبط با اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه هفتم توسعه وجود دارد. این فاصله عمدتاً ناشی از چالش‌های اجرایی، ضعف در انسجام نهادی، محدودیت در زیرساخت‌های داده‌ای و نیاز به بازنگری در شاخص‌های سنجش است.

اصلاح و بازنگری شاخص‌های کمی ماده ۹۳ برنامه هفتم توسعه

تمرکز این محور بر بازتعریف اهداف کمی اقتصاد دانش‌بنیان با رویکرد واقع‌گرایانه و مبتنی بر ظرفیت‌های موجود کشور است. هدف از اصلاح این شاخص‌ها، تطبیق برنامه با روندهای واقعی توسعه فناوری، سطح بلوغ زیست‌بوم نوآوری، و توان اجرایی دستگاه‌های متولی است. در این محور، تأکید بر تقویت بنیان‌های اجرایی زیست‌بوم نوآوری، رفع چالش‌های نهادی در تجاری‌سازی فناوری، و افزایش سهم اقتصاد دانش‌بنیان در تولید ناخالص داخلی ملی است.

توصیه‌های سیاستی در راستای ارزیابی شاخص‌های کمی ماده ۹۳

براساس بررسی‌های صورت گرفته از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پیشنهادهای این بخش بر فلسفه‌ی تحول از رشد کمی به توسعه کیفی و پایدار فعالیت‌های دانش‌بنیان مبتنی است و با محورهای زیر تدوین شده‌اند:

■ **شفاف‌سازی داده‌ها و شاخص‌ها:** ارتقای دقت و جامعیت سامانه‌های آماری، اتصال داده‌های وزارت علوم، معاونت علمی و وزارت اقتصاد برای پایش لحظه‌ای عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان.

■ **هم‌افزایی نهادی:** ایجاد هماهنگی ساختاری میان دستگاه‌های متولی از جمله وزارت صمت، وزارت ارتباطات و صندوق نوآوری و شکوفایی، به منظور تجمیع برنامه‌های موازی و کاهش تداخل وظایف.

■ **نظام پایش هوشمند و مستمر:** طراحی سامانه ملی ارزیابی پیشرفت فناوری برای تحلیل تأثیر شاخص‌های اقتصادی دانش‌بنیان در سطح استانی و ملی.

■ **حرکت از رشد کمی به کیفیت پایدار:** تمرکز بر کیفیت محصولات فناورانه، سطح اثرگذاری آن‌ها بر زنجیره ارزش داخلی، و میزان جذب بازار به جای تعداد صرف شرکت‌ها یا پروژه‌ها.

راهکارهای افزایش سهم اقتصاد دانش‌بنیان در تولید ملی

در چارچوب ارزیابی عملکرد احکام ماده (۹۹)، سه بسته سیاستی برای رفع چالش‌ها و افزایش سهم اقتصاد دانش‌بنیان پیشنهاد می‌شود:

(الف) اجرای مؤثر قانون جهش تولید دانش‌بنیان:

■ تشکیل شبکه‌های استانی نوآوری بر پایه ظرفیت‌های بومی و نیازهای منطقه‌ای.

■ نقش‌آفرینی فعال دستگاه‌های اجرایی متولی در تحقق اهداف قانون و تمرکز بر تولید اقلام راهبردی کشور در حوزه‌های فناوری پیشرفته.

■ ایجاد سازوکار رفع موانع مالکیت فکری، ثبت اختراع و تجاری‌سازی پژوهش‌ها از طریق اصلاح فرآیندهای ثبت و حمایت حقوقی.

(ب) توسعه دیپلماسی فناوری و حضور جهانی

■ گسترش تعامل با کشورهای اسلامی منطقه، بلوک‌های اقتصادی شانگهای و بریکس و مشارکت هدفمند در زنجیره ارزش جهانی فناوری.

■ تمرکز بر صادرات محصولات دانش‌بنیان با صدور گواهی‌های انطباق و استانداردهای بین‌المللی برای ورود به بازارهای خارجی.

(ج) نظام رصد و ارزیابی مستمر

■ طراحی و راه‌اندازی سامانه‌های پایش هوشمند همکاری صنایع و شرکت‌های فناوری در مقیاس ملی و بین‌المللی.

■ انجام ارزیابی دوره‌ای اثربخشی سیاست‌ها و اصلاح مسیر اجرایی در صورت مشاهده انحراف از اهداف کلان برنامه.

دانش‌بنیان بدون داده، توسعه‌ای بی‌نقشه است

تحلیل داده‌ها و روند اجرای برنامه هفتم توسعه در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان نشان می‌دهد که برای تحقق کامل اقتصاد دانش‌بنیان در افق برنامه هفتم، صرف تصویب احکام قانونی کافی نیست؛ بلکه کشور نیازمند نظام حکمرانی داده‌محور، چارچوب هماهنگی نهادی و دیپلماسی فعال فناوری است. در سطح اجرایی، شفاف‌سازی شاخص‌های عملکرد، ایجاد زیرساخت‌های ارزیابی هوشمند، و تسهیل مالکیت فکری سه پیش‌شرط اساسی در مسیر بهبود وضعیت موجود محسوب می‌شوند. اجرای همزمان این اصلاحات، می‌تواند ضمن افزایش سهم بخش دانش‌بنیان در تولید ملی، پیوند مؤثر میان دانشگاه، صنعت و بازار را تقویت کند؛ پیوندی که در نهایت، شالوده‌ی تحول اقتصادی پایدار در دهه آینده خواهد بود.

رشد قاچاق آیفون صدای اصناف را هم درآورد؛ چرا نرخ «سنا» به‌روز نمی‌شود؟

تثبیت نرخ سنایی و عدم تجه به سازوکارهای وصول عوارض کالای مسافری، باعث ورود موج جدیدی از کالای قاچاق به کشور به‌خصوص در حوزه تلفن همراه، شده است. به گزارش تسنیم، افزایش اختلاف میان نرخ ارز مسافرتی (بازار آزاد) و نرخ محاسباتی «سنا» در ترخیص گوشی‌های مسافری، بازار تلفن همراه را با موج تازه‌ای از قاچاق در پوشش رجیستری مسافری روبه‌رو کرده است. در حالی که نرخ ارز مسافرتی طی روزهای اخیر به حدود ۱۰۰ هزار تومان رسیده، هنوز عوارض واردات گوشی‌های مسافری جهت رجیستری با نرخ سنا حدود ۷۰ هزار تومان محاسبه می‌شود؛ موضوعی که برخی فعالان صنفی آن را عامل اصلی ایجاد رانت و انحراف تجارت در این بازار می‌دانند. برآوردها نشان می‌دهد گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار (خصوصاً برند آیفون) در رویه مسافری نه‌تنها از مالیات بر ارزش‌افزوده ۱۰ درصدی معاف می‌شوند، بلکه با نرخ ارزان‌تر سنایی عوارض آن محاسبه و ترخیص شده و پس از رجیستری، بدون مشکل آنتن‌دهی وارد شبکه می‌شوند. نتیجه این اختلاف، شکل‌گیری فاصله قیمتی تا ۲۰ میلیون تومان با کالای رسمی دارای گارانتی است؛ فاصله‌ای که به گفته کارشناسان، پول‌های سرگردان را به سمت قاچاق سوق داده و بازار را برای واردکنندگان رسمی به‌شدت ناامن کرده است.

گمرک به‌دنبال اصلاح یک رویه مفسده‌آمیز

فعالان صنفی، می‌گویند: ورود انبوه گوشی‌های مسافری، هیچ تناسبی با تعداد واقعی سفرهای خارجی ندارد. یکی از نمایندگان این صنف اعلام کرده برای مدیریت این وضعیت، نشست مشترک میان سامانه همتا و گمرک در دستور کار قرار گرفته است تا راهکاری برای مهار «رونق قاچاق با پوشش مسافری» اجرا شود. بر این اساس جلسه کمیسیون ماده(۱) قانون مقررات صادرات واردات در هفته پیش‌رو برگزار خواهد شد. با این حال، کارشناسان تأکید دارند که اصلاح سیاست ارزی در حوزه مسافری، ضرورتی فوری است. اگر مبنای محاسبه عوارض گوشی مسافر از نرخ سنا به مرکز مبادله (تالار دوم) منتقل شود، بخش عمده‌ای از رانت فعلی از بین خواهد رفت.

به‌روزرسانی نرخ سنایی تأثیری بر حقوق ورودی کالای تجاری ندارد

نکته مهم اینکه حتی در صورت به‌روزرسانی نرخ سنا، تغییر قابل‌توجهی در حقوق ورودی کالاهای تجاری ایجاد نمی‌شود؛ زیرا طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، نرخ محاسباتی ارز در گمرک برای کالاهای تجاری همان نرخ ETS منتهی به اسفند ۱۴۰۳ است و افزایش سنا، اثری بر هزینه گمرکی واردکنندگان رسمی نخواهد گذاشت. به گفته فعالان بازار، تا زمانی که اختلاف نرخ مبنا برای واردات رسمی و مسافری باقی بماند، قاچاق سازمان‌یافته در قالب رویه مسافری ادامه خواهد داشت و این روند هم درآمدهای دولت را کاهش می‌دهد و هم آینده فعالیت قانونی اصناف را با تهدید جدی مواجه می‌کند.

توسعه علوم کوانتومی در ایران؛ نخستین آزمایشگاه ساعت اتمی در آستانه بهره برداری است!

معاون علمی رئیس‌جمهور، با اشاره به اینکه نخستین آزمایشگاه ساعت اتمی در آستانه بهره‌برداری است، گفت: در نظر داریم با همکاری پژوهشگاه ارتباطات، «آزمایشگاه ارتباطات کوانتومی» راه‌اندازی کنیم. به گزارش مهر، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست‌جمهوری با تدوین برنامه‌های هدفمند، در نظر دارد مسیر توسعه فناوری‌های کوانتومی را در کشور هموار کند. این برنامه‌ها شامل ایجاد آزمایشگاه‌های مرجع و آموزشی، تربیت نیروی انسانی متخصص و حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی و نوآورانه در حوزه‌های محاسبات کوانتومی، ارتباطات کوانتومی و حسگرهای کوانتومی است. فناوری کوانتوم شاخه‌ای نوین از علم و فناوری است که بر پایه اصول فیزیک کوانتومی شکل گرفته و می‌تواند تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های علمی و صنعتی ایجاد کند. در حال حاضر، فناوری کوانتوم در سه حوزه اصلی محاسبات کوانتومی، ارتباطات کوانتومی و حسگرهای کوانتومی در حال توسعه است. کاربرد این فناوری‌ها دامنه‌ای وسیع از صنایع پیشرفته، از جمله پزشکی، انرژی، ارتباطات و امنیت سایبری را در بر می‌گیرد و می‌تواند پایه‌ای برای توسعه زیرساخت‌های علمی و صنعتی آینده کشور باشد. هدف اصلی معاونت علمی، راه‌اندازی یک زیرساخت ملی منسجم برای توسعه فناوری کوانتومی، تسهیل کاربردهای صنعتی و پژوهشی و جلوگیری از موازی‌کاری میان نهادهای مرتبط اعلام شده است. براساس این برنامه‌ها، راه‌اندازی آزمایشگاه‌های کوانتومی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور، سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی و تدوین استانداردهای ملی در دستور کار قرار دارد تا ایران بتواند حضوری فعال و اثرگذار در عرصه جهانی علوم کوانتوم داشته باشد. اهمیت این اقدامات از آنجا ناشی می‌شود که بدون وجود زیرساخت و بازار داخلی، حتی شرکت‌های دانش‌بنیان موفق نیز قادر به توسعه و عرضه فناوری‌های پیشرفته نیستند؛ مسئله‌ای که کشورهای پیشرفته با ایجاد آزمایشگاه‌های مرجع و خرید مستقیم فناوری‌ها از تولیدکنندگان داخلی حل کرده‌اند. در همین راستا، بنیاد ملی علم با هدف تقویت حوزه‌های استراتژیک، حمایت مضاعف از پروژه‌های مرتبط با کوانتوم، زیست‌فناوری، هوش‌مصنوعی و ژن‌درمانی را برعهده گرفته و اعتبار طرح‌های مربوط به این حوزه‌ها نسبت به سایر حوزه‌ها دو تا سه برابر افزایش داده است. حمایت از تربیت نیروی انسانی متخصص نیز یکی دیگر از محورهای کلیدی این برنامه‌هاست. از مهرماه سال جاری، ۱۶ درس تخصصی کوانتومی در ۱۲ دانشگاه کشور ارائه شده و هر طرح درس مورد تأیید، ۱۵۰ میلیون تومان حمایت مالی دریافت می‌کنند. محتوای دروس نیز به‌صورت آنلاین و رایگان در دسترس دانشجویان و علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. معاونت علمی همچنین از تقویت زیرساخت‌های کوانتومی در هشت دانشگاه کشور خبر داده است. هدف این است که تعداد دروس تخصصی در حوزه‌های مختلف کوانتوم به حداقل ۶۰ درس افزایش یابد و بدین‌ترتیب نیروی انسانی توانمند و آماده برای توسعه علمی و صنعتی این فناوری تربیت شود. معاونت علمی از آغاز سال جاری با شناسایی مراکز مهم فعال در حوزه کوانتوم، حمایت ویژه‌ای از زیرساخت‌های آزمایشگاهی این فناوری انجام داده است. به‌طوری که از ابتدای سال، حدود سه میلیون دلار در تقویت زیرساخت‌های آزمایشگاهی کوانتوم در دانشگاه‌های مطرح و دارای پتانسیل سرمایه‌گذاری شده است تا زمینه توسعه و پژوهش در این حوزه نوظهور بیش از پیش فراهم شود. در همین حال معاونت علمی در همکاری با وزارت ارتباطات برای نخستین بار در تلاش هستند تا با راه‌اندازی آزمایشگاه مرجع در حوزه ارتباطات کوانتومی بستری برای توسعه فناوری‌های واقعی و مقابله با شبه‌علم ایجاد کنند. حسین افشین؛ معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور، ضمن قدردانی از همراهی وزارت ارتباطات در زمینه توسعه زیرساخت‌های فناورانه، گفت: در حال هماهنگی با وزیر ارتباطات برای انجام اقدامات مشترک در حوزه‌های نوظهور به‌ویژه فناوری کوانتوم هستیم. حوزه کوانتوم شامل سه بخش اصلی محاسبات کوانتومی، ارتباطات کوانتومی و حسگرهای کوانتومی است و تمرکز معاونت علمی بر بخش ارتباطات کوانتومی برای ایجاد یک آزمایشگاه مرجع و استاندارد قرار دارد.

توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی، گام نخست در فناوری‌های نو

افشین؛ با تأکید بر اهمیت زیرساخت‌های آزمایشگاهی در پیشرفت علوم نوظهور، گفت: هر زمان حوزه‌ای جدید از علم شکل می‌گیرد، نخستین گام اساسی، توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی است. این زیرساخت‌ها کمک می‌کند تا میان علم و شبه‌علم تمایز ایجاد شده و زمینه توسعه فناوری‌های واقعی فراهم شود.

آزمایشگاه ارتباطات کوانتومی راه‌اندازی می‌شود

معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور، با اشاره به همکاری با پژوهشگاه‌های وابسته به وزارت ارتباطات اظهار کرد: قرار است با همکاری پژوهشگاه زیرمجموعه این وزارتخانه، «آزمایشگاه ارتباطات کوانتومی» راه‌اندازی شود. در صورت طی شدن مراحل اجرایی و امضای تفاهم‌نامه‌ها، پیش‌بینی می‌شود این آزمایشگاه ظرف یک سال آینده به بهره‌برداری برسد. افشین؛ ابراز امیدواری کرد که با راه‌اندازی این مرکز، شاهد رشد نمایی در حوزه ارتباطات کوانتومی کشور باشیم.

راه‌اندازی آزمایشگاه‌های تخصصی کوانتومی در حوزه حسگرها

وی گفت: هدف معاونت علمی ایجاد آزمایشگاه‌های مرجع در هر سه بخش حوزه کوانتوم، به‌ویژه در حوزه حسگرها و ارتباطات کوانتومی است. در حوزه ارتباطات مسیر روشن‌تر بوده و با همکاری وزارت ارتباطات، آزمایشگاه مرجع ارتباطات کوانتومی تأسیس خواهد شد و در حوزه حسگرها نیز به دلیل تنوع بالای فناوری، مجموعه‌ای از آزمایشگاه‌های تخصصی در دستور کار قرار دارد.

نخستین آزمایشگاه ساعت اتمی در آستانه بهره‌برداری

معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور افزود: در حوزه حسگرهای کوانتومی، نخستین آزمایشگاه ساعت اتمی که زیرمجموعه بخش حسگرها محسوب می‌شود، در حال آماده‌سازی است و به‌زودی افتتاح خواهد شد. همچنین همکاری با دانشگاه‌های کشور برای ایجاد مراکز مرجع دیگر در این حوزه در حال انجام است.

شتاب در توسعه علوم کوانتومی ایران

افشین؛ با تأکید بر سرعت گرفتن فعالیت‌ها در این بخش گفت: تلاش‌ها برای توسعه سریع آزمایشگاه‌های کوانتومی کشور ادامه دارد تا ایران از روند جهانی رشد علوم کوانتوم عقب نماند. معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور، ضمن بیان این مطلب که با سرمایه‌گذاری و حمایت بخش‌های مختلف، می‌توان سهم قابل‌توجهی در این حوزه داشت، گفت: در کشورهای پیشرفته معمولاً حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها به بخش‌های مرتبط با ارتباطات و حسگرهای کوانتومی اختصاص دارد و ایران نیز با همکاری مراکز مرجع داخلی در همین مسیر حرکت می‌کند.

نوبت اول
فراخوان برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

موسسه مهندسی رهاب در نظر دارد «خرید داکت هواجهت حفاری تونل در پروژه خط ۱۰ متروتهران» خودرابه فروشندگان/تامین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
بدین منظور از پیمانکاران/تامین‌کنندگان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس:
دفتر مرکزی، تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، کوچه ۱۴ غربی، پلاک ۳، مؤسسه مهندسی رهاب، معاونت فنی و مهندسی
شماره تماس: ۸۸۱۷۴۷۲۹ - ۰۲۱ داخلی ۱۸۱ و ۱۸۵
شماره تماس: مهندس کاظمی ۸۲۱۹۱۲۸ - ۰۹۱۹
سایر شرایط:
۱ مدت اجرای کار: ۳ ماه شمسی
۲ مدارک لازم برای دریافت اسناد مناقصه: ارائه درخواست کتبی به همراه رزومه کاری به ستاد موسسه یا پروژه خط ۱۰ مترو تهران به صورت حضوری و یا ارسال رایانامه.
۳ تضمین شرکت در مناقصه فوق ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
الف- ضمانتنامه بانکی با مدت اعتبار حداقل سه ماه، صادره از سوی بانک‌ها یا از سوی مؤسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز بانک مرکزی در وجه «قرارگاه سازندگی خاتم‌الأنبیا (ص)- مؤسسه مهندسی رهاب»
ب- واریز نقدی به حساب شماره ۵۱۵۴۸۷۸۰۷۰۰۰۷ بانک سپه شعبه خیابان احمد قصیر تهران به نام «قرارگاه سازندگی خاتم الأنبیاء» به شماره شبای: IR ۴۲ - ۰۱۵۰ - ۰۰۰۰ - ۰۵۱۵ - ۴۸۷۸ - ۰۷۰۰ - ۰۷
۴ محل تسلیم پاکات: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، کوچه ۱۴ غربی، پلاک ۳ - مؤسسه مهندسی رهاب، معاونت فنی و مهندسی، واحد امورقراردادها (مهندس کاظمی)
۵ مناقصه‌گزار در رد یا قبول کلیه پیشنهادها مختار است.
۶ نحوه پرداخت به صورت ۱۰۰ درصد تهاتر
۷ آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه: پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
۸ آخرین مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴
آدرس محل اجرای موضوع مناقصه: ایستگاه میدان دریاچه: تهران، اتوبان شهید خرازی، میدان دریاچه چیتگر، بلوار جوزانی غربی، پروژه خط ۱۰ مترو تهران
مؤسسه مهندسی رهاب
روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی مناقصه عمومی
T.W.D.E.Co
شرکت مهندسی توسعه آب تابان
TABAN Water Development Engineering CO.
۱- موضوع شرکت مهندسی توسعه آب تابان در نظر دارد «عملیات اجرایی تست کیفیت آب طرح تأمین آب زاهدان و شهرهای استان سیستان و بلوچستان از دشت تهلاب» واقع در استان سیستان و بلوچستان، حدفاصل شهر میرجاوه تا شهر زاهدان را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
۲- متقاضیان می‌توانند از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ الی روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ و با هماهنگی قبلی از طریق شماره همراه ۰۹۱۸۶۷۴۰۴۵۰ (آقای محمدی)، اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
۳- هزینه خرید اسناد مناقصه معادل ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال است که می‌بایست به حساب جاری شماره ۱-۷۹۶۸۸۹۲-۴۳-۱۸۸۶ و شماره شبا ۳۰۰۱۵۰۰۰۰۰۱۸۸۶۴۳۷۹۶۸۸۹۲۱ نزد بانک سپه انصار سابق شعبه بازار ونک به نام شرکت مهندسی توسعه آب تابان واریز و رسید بانکی واریز وجه را جهت دریافت اسناد مناقصه تحویل دستگاه مناقصه گزار نمایند.
۴- تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (دوازده میلیارد ریال) بوده که یا به صورت تضمین بانکی و یا واریز وجه به حساب معرفی شده در ردیف شماره ۳ و یا از طریق درخواست بلوکه کردن مبلغ معادل مطالبات در پروژه‌های فی‌مابین می‌باشد.
۵- هزینه آگهی مناقصه بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

یادداشت

حقوق عمومی و خصوصی؛ بررسی ویژگی‌ها، ارکان و وجوه اشتراک و افتراق

حمید سادات | مناقصه مزایده
وکیل پایه یک دادگستری

مقدمه

شناخت و مطالعه حقوق عمومی و حقوق خصوصی به عنوان دو شاخه بنیادین علم حقوق، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این دو حوزه نه‌تنها چارچوب نظم اجتماعی را تعریف می‌کنند، بلکه تداوم و ثبات روابط میان شهروندان و نهادهای حکومتی را نیز تضمین می‌نمایند. از دیرباز، حقوق به دو شاخه عمومی و خصوصی تقسیم شده که هر یک دارای اهداف، مبانی و چارچوب‌های خاص خود هستند. حقوق عمومی به تنظیم روابط بین دولت و شهروندان می‌پردازد، در حالی که حقوق خصوصی ناظر بر روابط میان افراد جامعه است. در این مقاله، به بررسی دقیق ویژگی‌ها، ارکان اصلی و همچنین نقاط اشتراک و افتراق این دو شاخه مهم حقوقی پرداخته می‌شود. واکاوی این دو حوزه به درک عمیق‌تر از نقش و کارکرد هر یک در نظام حقوقی و جامعه کمک خواهد کرد.

حقوق عمومی

حقوق عمومی شاخه‌ای اساسی از علم حقوق است که به تنظیم روابط میان دولت با شهروندان و همچنین ساختار سازمان‌های حکومتی می‌پردازد. این حوزه شامل رشته‌هایی چون حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالیه عمومی، حقوق جزا و حقوق بین‌الملل عمومی است. هدف اصلی حقوق عمومی، حفظ نظم، امنیت و منافع عمومی از طریق وضع و اجرای قواعد الزام‌آور است. ویژگی بارز این شاخه، نابرابری موجود در روابط آن است؛ چرا که دولت از جایگاه برتر و اقتدار آمرانه برخوردار است. از این‌رو، قواعد حقوق عمومی عام‌الشمول بوده و برای تمامی افراد جامعه لازم‌الاجرا است.

مشخصات حقوق عمومی

■ **عمومیت قواعد:** قواعد حقوق عمومی برای تمامی اعضای جامعه الزامی بوده و با هدف حفظ منافع عمومی طراحی شده‌اند.

■ **نابرابری در روابط:** روابط میان دولت و افراد دارای ماهیتی اقتداری و نابرابر است که در آن دولت تنظیم‌گر اصلی محسوب می‌شود.

■ **هدفمندی:** هدف اصلی از وضع قواعد حقوق عمومی، حفظ نظم، امنیت، تحقق عدالت اجتماعی و پاسداری از منافع کل جامعه است.

■ **گستردگی حوزه:** حقوق عمومی علاوه بر حیطه داخلی، شامل روابط بین‌المللی دولت‌ها نیز می‌شود.

ارکان اساسی حقوق عمومی

■ **قانون اساسی:** به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق عمومی، چارچوب کلی حاکمیت و روابط دولت با مردم را تنظیم می‌کند.

■ **سیاست‌های کلی نظام:** اصولی که جهت‌دهنده قوانین و مقررات در حوزه حقوق عمومی هستند.

■ **قوانین و مقررات سازمانی:** شامل قوانین اداری، مالی، جزایی و سایر مقررات اجرایی می‌شود.

■ **نظام قضایی:** رویه قضایی و دادگاه‌ها نقش مهمی در تفسیر و اجرای قواعد حقوق عمومی ایفا می‌کنند.

حقوق عمومی هم در عرصه داخلی و هم در صحنه بین‌المللی عمل می‌کند و قواعد آن پشتیبان اجرای حاکمیت و اقتدار دولتی است.

حقوق خصوصی

حقوق خصوصی شاخه‌ای از حقوق است که به روابط میان افراد جامعه یا اشخاص حقوقی خصوصی می‌پردازد. این حوزه شامل مواردی چون حقوق قراردادها، مالکیت، حقوق خانواده، تعهدات و مسئولیت مدنی است. هدف اصلی آن، حفظ منافع و حقوق فردی و حل اختلافات میان اشخاص بر پایه توافق و قرارداد است. در حقوق خصوصی، روابط مبتنی بر برابری و رضایت طرفین است و قواعد آن معمولاً تابع اراده افراد می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که طرفین می‌توانند با توافق دوجانبه، روابط حقوقی خود را سامان دهند.

مشخصات حقوق خصوصی

■ **تمرکز بر روابط فردی:** موضوع آن روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی در جامعه است.

■ **حاکمیت اراده:** قواعد این شاخه بر پایه احترام به اراده و توافق طرفین استوار است.

■ **حمایت از منافع فردی:** هدف آن تأمین منافع شخصی و حل اختلافات فردی است.

■ **تنظیم قراردادها و مالکیت:** حقوق خصوصی مبانی قانونی حاکم بر قراردادها و حقوق مالکیت را فراهم می‌آورد.

ارکان اساسی حقوق خصوصی

■ **قواعد قراردادی:** اصلی‌ترین منبع تنظیم‌کننده روابط حقوق خصوصی که بر اساس توافق طرفین شکل می‌گیرد.

■ **حقوق مالکیت:** شامل حمایت از حق مالکیت و تنظیم نقل و انتقال اموال است.

■ **حقوق خانواده:** مقررات مربوط به نهاد خانواده، ازدواج، طلاق و امور وصیت.

■ **نظام دادرسی و داوری:** رسیدگی و حل اختلافات در حوزه حقوق خصوصی عمدتاً در دادگاه‌های حقوقی یا از طریق داوری صورت می‌گیرد.

حقوق خصوصی با هدف حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و برقراری تعادل در روابط اشخاص، نقشی کلیدی در تضمین عدالت در عرصه تعاملات خصوصی ایفا می‌کند.

اشتراک و افتراق حقوق عمومی و خصوصی

نقاط اشتراک:

■ هر دو شاخه‌ای از علم حقوق هستند و قواعدی را برای تنظیم روابط اجتماعی ارائه می‌دهند.

■ هر دو از منابع قانونی، قضایی و فقهی بهره می‌برند که مبانی آن دو را تشکیل می‌دهد.

■ در هر دو، تحقق عدالت و رعایت نظم قانونی از اهداف اصلی محسوب می‌شود.

نقاط افتراق:

حقوق عمومی عمدتاً به روابط بین دولت یا نهادهای عمومی با شهروندان می‌پردازد، در حالی که حقوق خصوصی ناظر بر روابط میان افراد عادی یا اشخاص حقوقی خصوصی است. در این حوزه، معمولاً یکی از طرفین رابطه، دارای جایگاه حکمرانی است. از نظر ماهیت روابط، در حقوق عمومی نوعی عدم تعادل قدرت وجود دارد؛ چرا که دولت به عنوان مرجع صاحب اقتدار عمل می‌کند. در مقابل، حقوق خصوصی بر اصل برابری طرفین و حاکمیت اراده مبتنی است و روابط در چارچوب توافق‌های داوطلبانه شکل می‌گیرد. از جنبه هدف نیز تفاوت چشمگیری بین این دو وجود دارد. حقوق عمومی در پی تحقق اهدافی مانند نظم عمومی، امنیت، عدالت اجتماعی و منافع جمعی است، اما حقوق خصوصی بیشتر بر منافع فردی و حل‌وفصل اختلافات بین اشخاص متمرکز است. قوانین در حوزه حقوق عمومی غالباً از نوع قواعد آمره هستند؛ یعنی اجباری بوده و نمی‌توان بر خلاف آن‌ها توافق کرد. تخلف از این قواعد نیز معمولاً با مجازات همراه است. در مقابل، در حقوق خصوصی قواعد بیشتر جنبه تکمیلی دارند و طرفین می‌توانند با توافق، ترتیبات متفاوتی را ایجاد کنند. شیوه اجرا نیز از دیگر وجوه تمایز این دو شاخه است. در حقوق عمومی، دولت می‌تواند از طریق ابزارهای حاکمیتی مانند صدور تصمیمات اداری، بدون نیاز به مراجعه به دادگاه اقدام کند، حال آنکه در حقوق خصوصی، اجرای تعهدات معمولاً از طریق دادگاه و تقدیم دادخواست صورت می‌پذیرد.

سخن آخر

حقوق عمومی و حقوق خصوصی از نظر موضوع رابطه، ماهیت طرفین، اهداف، نوع قواعد و شیوه اجرا تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. این تمایزات باعث شده تا هر یک از این شاخه‌ها نقش منحصربه‌فردی در نظام حقوقی ایفا کنند.

در عین حال، هر دو شاخه به عنوان بخش‌های مکمل و زیربنایی حقوق، در کنار یکدیگر به تنظیم و ساماندهی روابط اجتماعی کمک می‌کنند. حقوق عمومی با تأکید بر نقش دولت و نهادهای عمومی، چارچوبی برای برقراری نظم و امنیت فراهم می‌آورد، و حقوق خصوصی با محوریت افراد، به حفظ حقوق و آزادی‌های شخصی می‌پردازد.

شناخت دقیق این دو حوزه نه‌تنها برای حقوقدانان و سیاست‌گذاران، بلکه برای جامعه‌شناسان و علاقه‌مندان به تحقق عدالت اجتماعی ضروری است. اگرچه این دو شاخه از نظر نظری و عملی متمایزند، اما در عمل به صورت هم‌پوشان و هماهنگ عمل کرده و توازن لازم در جامعه را ایجاد می‌کنند.

بررسی و تبیین پیشینه حقوق نفت و گاز شامل کلیه قوانین و مقررات به ترتیب زمان و بررسی روند تکامل و تحولات آن‌ها و ارائه دسته‌بندی نظام‌مند از آن‌ها

قسمت اول

دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام
۳۰ خرداد ۱۳۹۸

مهدی انیسه
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز دانشگاه تهران

چکیده

تحلیل قوانین و تطبیق تاریخی و حقوقی آن‌ها که از ابتدا صنعت نفت و گاز به خود دیده است این فایده را خواهد داشت تا معین شود که اولاً آیا قوانین بر قراردادها تأثیر گذارده‌اند یا بالعکس. به عبارت ساده‌تر تأثیر قوانین مقدم بوده یا قراردادها. فایده عملی این بحث جدا از مباحث نظری موضوع، مبین این مطلب خواهد بود که آیا صنعت نفت و گاز پیشگام از مجالس قانون‌گذاری است یا خیر. آیا صنعت نفت و گاز خود نیازهای خود را پاسخ می‌تواند داد یا قوانین می‌بایست نیازهای صنعت را پاسخگو باشند. ثانیاً؛ بررسی این موضوع اجازات قانونی هر نوع قرارداد را نیز مشخص می‌کند؛ فی‌المثل اینکه مبنای قانونی قرارداد بیع متقابل در کدام قانون یافت می‌شود. در این مقاله سعی بر توضیح قوانین می‌باشد که از این رهگذر استدلالات فوق میسر شود.

واژگان کلیدی: قانون نفت، قراردادهای نفتی، صنعت نفت، آیین‌نامه‌های وزارت نفت

مقدمه

بررسی منابع حقوق نفت و گاز که مهم‌ترین آن به وضوح قوانین نفت و قوانین مرتبط با آن است، در ایران ابتدائاً در فقه ظاهر می‌شود. معادن ظاهری و باطنی، بحثی است که می‌توان ریشه‌هایی از بحث موضوعات نفتی را در آن بررسی کرد. گذشته از آن مبنای عرفی نیز در کنار فقه، سالیان سال به‌عنوان منبعی برای این ماده مهم لحاظ می‌شد. این دو منبع غیررسمی و بالنسبه تکامل نیافته، نتوانست پایداری خود را حفظ و نیازهای صنعت را پاسخگو باشد اما به مرور با انعقاد قراردادهای امتیازی القای این شد که بهتر است در نبود قوانین مدون نفتی و خاص این صنعت، به این قراردادها در حد معقولی به‌عنوان منبع حقوق این صنعت نگاه کرد. لکن قوانین و مقررات نفت و گاز چون پایه و اساس صنعت نفت و گاز است و وجود و حضور برای ترسیم چارچوب‌های این صنعت امری لازم می‌آید. چه بدون وجود قوانین فعالیت‌های آن بخش و صنعت دچار عدم انسجام می‌شود. هرچند صحیح است این نظر که قراردادها و خود صنعت همواره پیشگام از قانون‌گذار است و این قانون است که خود را با صنعت هماهنگ می‌کند و نه بالعکس اما وجود قوانین برای اجرای هرچه بهتر قراردادها و انعقاد آن‌ها ضروری است. به بیان دیگر درست است که صنعت خود راه خود را پیدا می‌کند و هرگز معطل بر تنظیم قانونی نمی‌ماند ولی با همین تجربه صنعت، قوانینی که موضوع آن مصوب است تنظیم اصولی می‌نماید برای موضوعات و قراردادهای آتی و این دور لازم در صنعت امری ملموس است. توضیحات مفصل در مورد قوانین صنعت اما امری است مهم که در سرمایه‌گذاری‌ها به‌خصوص برای طرفین لازم می‌نماید چه بدون آگاهی از اصول حاکم بر منابع و ممنوعیت‌های قانونی- چون قانون اساسی- و سایر مجوزها و بحث‌ها در قوانین موضوعه راه بر یک سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در کشور ناهموار می‌شود به همین دلیل لزوم سیر تاریخی این تحول قانونی که بر قراردادها هم مؤثر است، امری است واضح. متن حاضر با شروع موضوع این قوانین نفت و گاز، در خلال آن از قراردادها نیز که در زمان خود منبعی از حقوق نفت و گاز به شمار می‌رفتند بحث شده است و این موضوع نبایستی حمل بر اختلاط مبحث شود چه سعی بر آن بوده است که روند ترتیبات تاریخی رعایت شود و این میسر نمی‌شد مگر اشاره‌ای جزئی ولی لازم در مورد قراردادها- مثل قرارداد کنسرسیوم- در خلال بحث قوانین. در بخش قوانین نیز سعی بیشتر به طرح همه قوانین موجود و عدم غفلت از قوانینی بود که حتی اشاره و حکمی ناچیز در مورد صنعت داشت لکن تکیه اصلی بر مبنای تفصیل قوانین نفت است و نه قوانین دیگر.

مبانی

ابتدائاً آنچه که می‌بایست در این بخش در مورد قوانین و مقررات نفت و گاز مورد توجه واقع شود تعریفی دقیق از آن چیزی است که مفهوم قانون در این صنعت را به دوش می‌کشد، اصولاً قانون در این صنعت به مانند سایر بخش‌های اجتماع که به منظور تنظیم و ترتیب روابط، تعریف می‌شود می‌باشد. پس به بیانی دقیق‌تر قوانین و مقررات صنعت نفت و گاز نیز چون سایر قوانین و مقررات بخش‌های مختلف نهادهای اجتماع، آن قسم از اصول و موازینی را مشمول است که به تنظیم روابط نفتی و گازی، مرتبط است. لکن سؤالی که شاید در مورد روابط نفتی و گازی ایجاد می‌شود این باشد که اصولاً روابط نفتی به چه مفهومی است و آیا اصلاً این چنین روابطی مجود در این صنعت است یا خیر؟ بر فرض وجود، این روابط فیمابین کدام اشخاص (اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی حقوق عمومی یا اشخاص حقوقی حقوق خصوصی) است؟ در پاسخ بایستی گفت که روابط در سطح حقوقی و اجتماعی در این صنعت همچون سایر بخش‌ها موجود است چرا که فرض عدم وجود روابط و اعمال قوانینی جهت تنظیم این روابط، در یکی از پرهزینه‌ترین و پرسودترین صنایع جهان فعلی که همین نیز این صنعت را در معرض مخاطراتی جدی قرار می‌دهد که حتی گاه وجود چنین سرمایه عظیمی در کشورها، منجر به جنگ‌های طویل‌المدتی شده است نه تنها لازم که ضروری است و به جرأت می‌توان گفت که با تصدیق این روابط، تنظیم آن امری موجه و ضروری است. روابط را در صنعت نفت و گاز در سه بخش مورد مطالعه قرار می‌دهند: Upstream، Midstream، Downstream، به مفهومی این سه بخش، سه بخش اصلی در فعالیت‌های نفت و گاز است و روابط در این سه قسمت تعریف می‌شود و تنظیم اینان است که به وسیله قوانین انجام می‌شود.

لکن بایستی متذکر این مهم شد که بیشتر روابط در سطح بالادستی است و کم‌تر در میان و پایین‌دستی، چرا که فعالیت در بخش بالادستی شامل امری چون exploration (اکتشاف)، appraisal (توصیف)، development (توسعه)، production (تولید) می‌باشد و روابط بیشتر در این سطح مورد بحث است. لکن این تمام سخن نیست و روابط حتی در مالکیت مخازن نفتیف انحاء تملک آنان (که آیا مالکیت خصوصی پذیرفته شده است یا نه؟) توزیع، صادرات و بخش‌های پایین‌دستی چون فرآورده‌های نفت و گازی را مشمول است.

عموماً پیشینه قوانین نفتی ایران باز می‌گردد به مباحث فقهی، این فقه انور اسلامی بود که معادن را در دو نوع ظاهری و باطنی تقسیم نمود و بعدها نیز معادن باطنی را به دو قسم سیال و جامد تقسیم کرد. به تبع همین احکام بود که هر کسی در ملک خود به نوعی از این معدن- که به کلیت در فقه به معدن تعبیر می‌شود و نفت و گاز نیز داخل در آن است- نصیب می‌شد به تبع مالکیتی مالک آن- معدن- نیز بود. این رویه ادامه داشت تا اینکه دولت ایران با درک اهمیت مالی- و نه حیاتی و معدنی آن- همواره خود را مالک بلامنازع این ذخایر دانست و بدون توجه به اهمیت این مواد معدنی برای کشور، آن را تنها منبعی می‌دانست که می‌توان از آن نیز ممر درآمدی کسب کرد بی‌آنکه سعی در استفاده و تولید داخلی نماید. این بود که دولت ایران به مرور با اعمال مالکیت خود بر منابع نفتی، روند واگذاری این منابع در قالب امتیازنامه‌های اکتشاف و استخراج را آغاز نمود و این خود سرآغازی بود تا حقوق نفت و گاز ایران و به تبع آن شروع تنظیم روابط این صنعت پی‌ریزی شود. پس دانستیم در ابتدا که صنعت نفت و گاز امری شناخته شده در ایران و برای دولت ایران نبود و آن- نفت و گاز- تنها ممر درآمدی محسوب می‌شد و نه چیز دیگر، این قراردادهای واگذاری امتیاز اکتشاف و استخراج تنها منبعی بود که می‌توانستیم احکامی برای تنظیم روابط صنعت را در آن بجوییم و به این ترتیب شبه‌قوانینی بودند اینها- قراردادهای امتیازی - که در نبود قوانین و مقررات مستقل، بدون استناد می‌شد. در بخش اول این فصل به بررسی این برهه از حقوق نفت و گاز می‌پردازیم.

بررسی و تبیین قوانین نفتی از ابتدا تا ملی شدن صنعت نفت

اولین امتیازنامه واگذاری بهره‌برداری از منابع و معادن نفتی در ایران باز می‌گردد به سال ۱۸۶۴ که این طرح متضمن بهره‌برداری نفت و قیر به توازی احداث و ایجاد خط راه‌آهن در کشور بود که این امتیاز انحصاری از از معادن مزبور به دلیل اینکه احداث خط راه‌آهن منتفی شد به تبع همین امر، ملغی گردید و هرگز این امتیازنامه اجرایی نگردید (مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز، پتروشیمی ۱۳۸۲).

هشت سال بعد از انعقاد امتیازنامه مارالذکر که به جهت پیش گفته عملی نشد در سال ۱۹۷۲، امتیازنامه‌ای امضاء شد به اسم- اعطای امتیاز حقوق از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به بارون جولی‌یوس دو رویتر، کمپانی همایونی ایران و انگلیسی به جهت راه‌آهن و اعمال مفیده عامه در ایران ۱۲۸۹ هـ‌ق- ۱۲۵۱ هـ ش- ۱۹۷۲ م- که به امتیازنامه رویتر شهیر است. نکته قابل توجه دیگر اینکه این امتیازنامه نیز به مانند امتیازنامه منتفی شده سال ۱۸۶۴ متضمن احداث خط راه‌آهن می‌باشد که به توازی آن امتیاز اکتشاف از کلیه معادن کشور را نیز شامل می‌شد. فقره یازدهم امتیازنامه رویتر چنین مقرر می‌دارد:

دولت علیه ایران به حکم امتیازنامه و قرارنامه حاضره به اصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی می‌دهد که در مدت طول این امتیاز در تمام ممالک ایران معادن زغال‌سنگ و آهن و مس و سرب و پطرول و غیره را هر معدن دیگر که ایشان مناسب بدانند کار بکنند و از آن‌ها تمتع بردارند به غیر از آن معادنی که ملک مردم است و صاحبان آن‌ها در آنجا کار می‌کنند- در خصوص این نوع معادن هرگاه کمپانی بخواهد که آن‌ها را بخرد باید با صاحبان آن‌ها به رضای طرفین معامله نماید به‌طور وضوح مقرر است که هیچ یک از کارگزاران و مأموران دولتی و مذهبی و هیچ یک از رعایا و تبعه و اشخاص نمی‌توانند در خصوص یک معدن ادعای حق تصرف نمایند مگر در صورتی که مدت پنج سال قبل علناً و با معرفت و تصدیق عامه در آن معدن کار کرده باشد خارج از این شرط است. هر معدنی که کمپانی پیدا بکند مثل زمین ساده و عادی محسوب خواهد شد و از جانب کمپانی به قیمت متداوله آن ولایت خرید شد و اگر لازم شود دولت صاحب یا اصحاب آن زمین را مجبور خواهد کرد که آن را به قیمت متداوله آن ملک به کمپانی بفروشد دولت معادن طلا، نقره و جوهر را برای خود نگه می‌دارد. از برای کار کردن این معادن دولت می‌تواند با کمپانی قراردادهای مخصوص بگذارد. (شیروی ۱۳۹۳)

این بند از امتیازنامه حاوی نکاتی درخور جهت تطویل و بحث درخصوص مبانی ابتدایی قانونی و حقوقی صنعت نفت و گاز در عصر خود می‌باشد که به موقع در مورد آن بحث خواهد شد.

بعد از امتیازنامه رویتر که به تلخیص در مورد آن سخن رفت، نوبت رسید به قراردادی که فیمابین مظفرالدین شاه و ویلیام دادرسی بسته شد. این قرارداد در نوع خود از پیشگامان قراردادهای امتیاز در صنعت نفت و گاز جهان محسوب می‌شود. این قرارداد در سال ۱۹۰۱ منعقد شد که به - امتیازنامه نفت و موم طبیعی (مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز، پتروشیمی ۱۳۸۲) - عنوان گرفت.

از جمله موارد بارز در این امتیازنامه که در سنتی‌ترین شکل این نوع قراردادها بسته شده است می‌توان به گستردگی قلمرو جغرافیایی و طولانی مدت بودن آن (۶۰ سال) اشاره کرد.

بعد از کش و قوس‌های فراوان در جهت این قرارداد و دخالت‌های گسترده دولت انگلستان به تبع این قرارداد در امورات داخلی ایران و اعتراضات مردم نسبت به آن، نهایتاً بعد از قریب به ۳۰ سال این امتیازنامه استعماری از سوی دولت ایران به‌طور یک‌جانبه لغو شد. پس از لغو امتیازنامه مارالذکر، امتیازنامه‌ای با تفصیل به مراتب بیشتری بین دولت ایران و انگلستان منعقد شد که معروف به امتیازنامه ۱۹۳۳ است. این امتیازنامه با رعایت تمام مقررات داخلی بسته شد که مجوز مجلسین را نیز دارا بود.

این امتیازنامه نیز به نوع خود با تمام تبلیغات گسترده‌ای که در زمان خود انجام گرفت دارای ایرادات فراوانی بود که در جای خود بحث خواهد شد. در زیر به چند قانون دیگر به این فصل از دوره صنعت نفت ایران- از ابتدا تأملی شدن- را بررسی می‌کنیم تا با تدقیق بر امتیازنامه‌ها به‌عنوان منبعی در حقوق نفت و گاز آن زمان که قانونی مستقل وجود نداشت، از قوانین هرچند پراکنده و بعضاً به‌چندان اجرایی مغفول نماییم.

شاخص‌ترین قانون در مورد قوانینی که قبل از ملی شدن صنعت نفت، محل بحث خواهد بود، قانون اساسی مشروطه می‌باشد:

اصل ۲۴ در مورد عهدنامه‌ها چنین مقرر می‌دارد:

بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها (اعطای امتیازات انحصاری) تجاری و صنعتی و فلاحتی و غیه اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد به استثنای عهدنامه‌هایی که استتار آن‌ها اصلاح دولت و ملت باشد (قانون اساسی مشروطه و متمم‌های آن مصوب مجلس شورای ملی در ۱۳ آبان مرداد ماه ۱۲۸۵ برابر با ۱۹۰۶ میلادی)

این اصل از قانون اساسی مشروطه اگرچه در معنای اخص آن جزء قوانین نفتی محسوب نمی‌شود و نخواهد شد لکن تأثیر این اصل بر قراردادها و حتی تصویب قوانین نفتی مؤخر تأثیری بسزا داشته، در مورد امتیازنامه ۱۹۳۳ با لحاظ همین اصل، مصوب مجلس شورای ملی امری ضروری بود.

فراخوان مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای | نوبت اول

موضوع مناقصه: **اجرای عملیات مکانیکال (جوشکاری و لوله گذاری)**

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که یک شرکت / موسسه وابسته به هلدینگ معتبر در زمینه خطوط انتقال نفت، گاز و پتروشیمی درنظر دارد اجرای عملیات مکانیکال (جوشکاری و لوله گذاری) کیلومتر ۴۴۵+۷۶ الی ۴۶۵+۸۱ در پروژه احداث خط لوله انتقال گاز ۵۶ اینچ نهم سراسری محدوده پلدختر (قطعه سوم) واقع در استان خوزستان را از طریق برگزاری مناقصه عمومی مطابق شرایط و ضوابط مندرج در اسناد مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

کلیه شرکت‌ها / سازمان‌ها با سوابق کاری مرتبط و توان مالی مناسب که قادر به ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی/ وجه نقد به مبلغ ۱۰/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ده میلیارد و پانصد میلیون ریال) می‌باشند در صورت تمایل می‌توانند جهت دریافت فرم ارزشیابی و اسناد مناقصه حداکثر ظرف مدت سه روز کاری پس از انتشار نوبت دوم این آگهی با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال (دو میلیون و پانصد هزار ریال) نزد یکی از شعب بانک سپه به حساب شماره ۰۵۱۵۴۸۷۸۰۸۲۰۱۰ (شماره شبا IR۳۸۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰۵۱۵۴۸۷۸۰۸۲۰۱۰) به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

آدرس: تهران، میدان آرژانتین، خیابان وزراء، کوچه یازدهم، پلاک ۱۳، طبقه ششم، مدیریت حقوقی و امورقراردادها، واحد امورپیمان‌ها و مناقصات
شماره تماس: ۱۴-۸۸۷۰۶۰۱۱ داخلی ۷۶۱۴ و ۷۶۱۵ و ۷۶۱۶ ایمیل: Tenders@nirougostar.com

لازم به ذکر است:
۱- آخرین مهلت تسلیم پیشنهاد های مناقصه مذکور، هفت روز کاری پس از انتشار نوبت دوم این آگهی می‌باشد.
۲- هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰/۰۶/۰۸/۰۴

وقوع زلزله در تهران محتمل نیست بلکه قطعی است

رئیس پژوهشکده سوانح طبیعی، اظهار کرد: براساس نظر کارشناسان وقوع زلزله در تهـران دیگر یک احتمال نیسـت، بلکه دیر یا زود قطعـاً اتفاق خواهد افتاد که در حالت خوشـبینانه ۸۰ هـزار و در حالت بدبینانه ۸۰۰ هزار کشـته خواهد داشـت. به گزارش مناقصه‌مزایده، سـید امیرحسـین گرکانی؛ با اشاره به وضعیت سـوانح طبیعی در کشور، گفت: اگر از گذشـته‌های دور مرور کنیم، همواره کشـور ما میان دو حادثه زندگی کرده است و سـوانح طبیعی در تجربه زیسـت مردم ایران همواره حضور داشـته اسـت. وی افـزود: در گزارش‌های جهانی نیز مشاهده می‌شود که کشور ما از نظر وقوع سوانح، در زمره کشورهای حادثه‌خیز قـرار دارد و به‌ویژه در دهه‌هـای اخیر این موضوع بسـیار پرهزینه شده اسـت. برآوردها در سال ۲۰۲۴ نشـان می‌دهد خسارات ناشـی از سوانح طبیعی در جهان نزدیک به ۲۴۲ میلیارد دلار بوده اسـت. البته بسـیاری از این خسارات ثبت نمی‌شـود و رقم یادشده فقط شـامل اثرات مستقیم است که در سازمان‌های جهانی ثبت شـده و از میانگین ۲۰ سال گذشـته نیز بیشتر است. گرکانـی؛ تصریح کرد: این سـوانح صرفاً پیامدهای مسـتقیم ندارنـد، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی، معیشـت، محیط‌زیست و حتی نسل‌های بعدی قرار دارند. چنین رویدادهایی همـه ابعاد زندگی روزمره جامعـه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یکی از جنبه‌های مهـم آن، آثار روانی و اجتماعی اسـت که می‌تواند تا سـال‌ها پس از وقوع حادثه بر خانواده‌ها اثر بگذارد. رئیس پژوهشکده سوانح طبیعی، با اشـاره به خطر وقوع زلزله در تهران، افزود: یکی از مهم‌ترین سـوانح پیش‌رو، زلزله تهران اسـت که نبایـد آن را محتمل، بلکه قطعی دانسـت. وی ادامه داد: شـهر تهران جزء معدود شهرهای جهان اسـت که در قالب شهرهای در انتظار یک فاجعه انسـانی از منظر زلزله دسـته‌بندی می‌شـود. این موضوع تاکنون دو بار در شـورای عالی امنیت ملی مطرح شـده و پرسـش اساسی این است که پاسـخ ما به چنین تهدیدی چیسـت و چه اقداماتی باید انجام دهیم. گرکانی؛ گفت: با این حجم از بافت‌های فرسـوده و تراکم بالا در کلان‌شهرها، و با آسـیب‌پذیری گسـترده‌ای که وجود دارد، ۱۱ میلیون نفر در ۸۲ هزار هکتار بافت فرسـوده و ۲۰۰ هزار نفر در ۶۰ هزار هکتار سکونتگاه غیررسمی زندگی می‌کنند که از نظر ایمنی بسیار حائز اهمیت است. این اعداد قابل توجه همواره در برنامه‌های توسعه کشور مطرح می‌شـوند، اما سوال اینجاست که واقعاً پاسخ ما به ایـن واقعیت چیسـت؟ گرکانی؛ با اشـاره به ضرورت ارتقـای آمادگی در برابر سـوانح طبیعی، گفت: مدیریت بحران در کشـور باید پیش از وقوع حادثه آغاز شـود، هم‌اکنون برخـی اقدامات در قالـب برنامه توسـعه درحال انجام اسـت، مرحله آمادگی یکـی از ارکان اصلی مدیریت بحران اسـت که شـامل مجموعـه‌ای از فعالیت‌ها و آموزش‌ها می‌شـود. وی تصریح کـرد: پس از وقوع حادثه، مرحله پاسخ به شرایط اضطراری آغاز می‌شـود که دستگاه‌های متولی موظف به اجرای اقدامات فوری هسـتند. در ادامه نیز دو مرحلـه بازیابی اولیه و بازیابـی بلندمـدت دنبال می‌شـود تـا زندگی مردم بـه وضعیـت پیش از حادثه بازگردد.

بنگاه‌داری بانک‌ها عامل گرانی مسکن

دبیـر شـورای‌عالی انقـلاب فرهنگـی، بـا اشـاره اینکه بـا افزایش روزافزون قیمت مسـکن نه‌تنها دهک‌هـای یک تا چهـار، حتـی کارمندان هـم بـا وجـود تـلاش، امیـدی بـه خانـه‌دار شـدن ندارنـد، گفـت: یکی از عوامل گرانی مسـکن در کشـور بنگاه‌داری بانک‌ها در احتکار مسـکن اسـت. به گزارش مناقصه‌مزایده، حجت‌الاسـلام عبدالحسـین خسـروپناه؛ در نشسـت خبری، با بیان اینکه مسـکن یکی از نیازهای مهم انسـانی است، افزود: با اشـاره به اینکه اگر ساخت‌وسـازها دارای پیوسـت فرهنگـی بودند، بسـیاری از مشـکلات امروز در حوزه زیست شهری وجود نداشـت. وی افزود: اکنون در برخی طرح‌ها شـاهدیم که مسـجد، مدرسـه یا حتـی محلی برای تفریح پیش‌بینی نشـده است و تازه پس از سـاخت، گفته می‌شود باید پیوست فرهنگی داشته باشـد. این موضوع نیازمند تبدیل شـدن به یک استاندارد ملی در حوزه مسکن اسـت. دبیر شـورای‌عالی انقلاب فرهنگی، با اشاره به وضعیت فعلی بازار مسکن، ادامه داد: امروز در حوزه مسـکن با آسیب‌های جدی مواجه هسـتیم؛ قیمت مسـکن روزبه‌روز افزایش می‌یابد و نه‌تنهـا دهک‌های یک تا چهار، بلکـه حتی کارمندان نیز با وجود اضافه‌کاری و اشـتغال در چند شـغل، امید چندانی برای خانه‌دار شـدن ندارند. این مقام مسـئول، تأکید کرد: عوامل متعـددی در وضعیت کنونی بازار مسـکن نقـش دارند که یکـی از مهم‌ترین آن‌ها احتکار مسـکن اسـت. این موضوع گاه به عملکرد بانک‌هـا یا بانک‌هایی مربوط می‌شـود که به بنگاه‌داری روی آورده‌اند؛ در حالی که پس از مدتی خود نیز با بحران، ورشکستگی یا ادغام مواجه می‌شـوند. وی با اشاره به دیگر عوامل مؤثر بر گرانی مسـکن، افزود: یکی از عوامـل مهم در افزایش قیمت مسـکن، وضعیت مصالح سـاختمانی اسـت که به‌رغم تولید کامل آن در داخل کشـور، با نرخ‌هـای دلاری در بازار عرضه می‌شـود. خسـروپناه؛ تصریح کـرد: مصالح ساختمانی در کشور بدون نیاز به واردات مواد اولیه یا تجهیزات تولید، به‌صورت کاملاً داخلی تولید می‌شـود، اما از آنجا که بخشی از این محصولات در بازارهای خارجی با دلار فروخته می‌شـود، تولیدکنندگان همان نـرخ دلاری را در بازار داخلی نیز ملاک قرار می‌دهنـد. وی در ادامه، با بیان اینکه این روند نادرسـت یکی از دلایل اصلی افزایش هزینه‌های ساخت‌وسـاز و گرانی مسـکن اسـت، اظهار داشـت: این سیاسـت در هیچ کشـوری سـابقه ندارد، وقتی محصولی به‌طور کامل در داخل تولید می‌شـود، چرا باید قیمت آن براسـاس دلار تعیین گردد؟ این مسئله به‌روشـنی به بخش مسکن آسـیب وارد می‌کند و باید مورد بررسی دقیق پژوهشی قرار گیرد. وی در پایان، گفت: لازم است این موضوعات شفاف‌سـازی و برای آن‌ها راهکار علمـی و اجرایی تدوین شـود. پژوهش‌های کاربـردی می‌توانند کمک کنند تا آسـیب‌های ناشـی از سیاسـت‌های غلط اقتصادی بر حوزه مسکن به حداقل برسد.

رئیس بنیاد مسکن عنوان کرد

مقاوم‌سازی ۵۵ درصد واحدهای مسکن روستایی کشور با ۱۲۲ همت اعتبار

محمد قره‌داغلی | مناقصه مزایده

رئیس بنیـاد مسـکن، گفت: تاکنـون حدود ۵۵ درصـد از واحدهـای مسـکونی روسـتایی کشـور با اعتبار ۱۲۲ همت مقاوم‌سازی شده‌اند، طی چند سـال آینده تمام روسـتاهای کشـور از واحدهای مقـاوم و ایمن برخوردار می‌شـوند. به گـزارش مناقصه‌مزایده، منوچهـر خواجه‌دلویی؛ در نشست خبری، افزود: تقریباً تمام فعالیت‌های بنیاد مسـکن با محوریت حمایت از اقشار محروم و کم‌درآمد انجام می‌شـود و بخش قابل‌توجهی از این فعالیت‌ها در مناطق روستایی کشور متمرکز اسـت؛ چراکه روسـتاییان بخش مهمی از جامعه را تشـکیل می‌دهند. رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسـلامی، گفت: یکی از برنامه‌های مهم و ماندگار این نهاد، طرح نوسـازی و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی روسـتایی در برابر حوادث طبیعی است که از سال ۱۳۸۴ آغاز شـده و تاکنون ادامه دارد. وی اظهار داشت: براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، سـالانه حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی در دستور کار نوسـازی و مقاوم‌سـازی قرار دارد. این روند بـه صـورت مسـتمر ادامه یافتـه و در برخی سـال‌ها بسـته به شـرایط و عملکرد نظام بانکی، تعـداد واحدهـای نوسازی‌شـده کمتر یا بیشـتر بوده اسـت. خواجه‌دلویی؛ افـزود: مدل اجرای این طرح به‌گونه‌ای است که بنیاد مسکن، بررسـی‌های لازم را در روسـتاها انجام داده و در هماهنگی بـا بانک‌هـای عامل که طـرف توافق بنیاد هستند، افراد واجد شـرایط را برای دریافت تسهیلات معرفی می‌کند. این تسـهیلات عمدتاً قرض‌الحسـنه بوده و بنیاد مسـکن نیـز خدمات فنی و مهندسـی و نظارت فنی بر ساخت‌وسـازها را ارائه می‌دهـد. این مقام مسـئول، تصریح کرد: در ایـن فرآینـد، روسـتاییان خـود به سـاخت واحدهای مسـکونی اقدام می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که واحدهای غیرمقـاوم موجود تخریب و نوسـازی شـده یا در صورت وجود زمین مناسـب، ساخت واحـد جدید در همـان زمیـن انجـام می‌گیرد. رئیـس بنیاد مسـکن انقلاب اسـلامی، یـادآور شـد: تاکنون حدود سـه میلیون واحد مسکونی روستایی در سراسـر کشور نوسـازی شده است. در سال‌جاری نیز سـاخت و نوسـازی ۲۲۰ هزار واحـد مسـکونی در برنامـه بنیـاد مسـکن قرار دارد که از این تعداد، ۲۰۰ هـزار واحد در مناطق روسـتایی و ۲۰ هزار واحد در شـهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت نوسازی می‌شود. خواجه‌دلویی؛ گفت: اضافه شدن شهرهای کوچک به این طرح از اقدامات جدید بنیاد مسکن به شـمار می‌رود. در سال‌های گذشـته، وقوع زلزله حتی با شدت‌های کم، خسـارات جانی و مالی قابل‌توجهی در کشور به‌ویـژه در مناطق روسـتایی به‌جا می‌گذاشـت، اما امروز با اجرای طرح نوسـازی و مقاوم‌سـازی، میزان تلفات به شـکل چشـمگیری کاهش یافته اسـت. رئیـس بنیاد مسـکن، افـزود: براسـاس برنامه‌ریزی انجام‌شـده، تاکنون حدود ۵۵ درصد از واحدهای مسـکونی روستایی کشـور با اعتبار ۱۲۲ همـت مقاوم‌سـازی شـده‌اند و ایـن روند با جدیت ادامـه دارد تا در چند سـال آینده همه روسـتاهای کشـور از واحدهـای ایمـن و مقاوم برخوردار شوند. وی گفت: یکی از بخش‌های مهم فعالیت بنیاد، مشـارکت در اجـرای طرح نهضت ملی مسکن است. این طرح از سوی دولت و وزارت راه‌وشهرسـازی برای خانه‌دار کـردن دهک‌های کم‌درآمد و حمایتی مطرح شده اسـت. این مقام مسـئول، با تأکید بر اهمیت نقـش نظام بانکی در پیشـبرد طرح نهضت ملی مسـکن، گفت: حضور مؤثر بانک‌هـا در تأمین مالی این پروژه‌ها بسـیار حیاتی است و بدون همکاری نظام بانکی، سرعت اجرای برنامـه کاهـش می‌یابـد. خواجه‌دلویی؛ افزود: بخـش قابل‌توجهـی از ایـن طرح‌ها برای دهک‌های یک تا چهار جامعه و اقشـار کم‌درآمد برنامه‌ریزی شـده اسـت و بنیاد مسـکن در کنار سایر دسـتگاه‌های حمایتی، به اجرای دقیق این بخش از برنامه توجـه ویـژه دارد. وی اظهار کرد: در قالب طرح امداد حضرت امام(ره) نیز سـاخت ۵۰ هزار واحد مسـکونی ویژه مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) در حال اجراسـت. در این طرح، زمین مورد نیاز از سـوی سازمان ملی زمین و مسکن تأمین می‌شود و بنیاد مسکن مسئولیت مدیریت سـاخت را برعهـده دارد. رئیـس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ادامه داد: بخشی از منابع مالی این طرح از محل حسـاب حضـرت امام(ره) تأمین شـده و به صورت بلاعوض بـه متقاضیان پرداخت می‌شـود. همچنین بنیاد مستضعفان و سازمان بهزیستی کشـور نیز در اجرای این طرح مشارکت دارند.

معاون وزیر راه‌وشهرسازی

افزایش ظرفیت سکونتگاهی کشور در برنامه هفتم غیرعملیاتی است

معاون وزیر راه‌وشهرسـازی، با بیان اینکه سال گذشته با تأمین ۴۷ هزار هکتار اراضی شـهری و روستایی، ۷۲ درصد هدف‌گذاری برنامه هفتم پیشـرفت محقق شده است، تأکید کرد: افزایش دودهم درصد به ظرفیت سـکونتگاهی کشـور از نظر وزارت راه‌وشهرسـازی بـرای پنج سـال برنامه هفتم پیشـرفت به دلایل علمـی غیرعملیاتی اسـت. بـه گزارش مناقصه‌مزایـده به نقـل از وزارت راه‌وشهرسـازی، غلامرضا کاظمیـان؛ درخصـوص پیشـنهاد وزارت راه در اصـلاح تبصره یک مـاده ۵۰ قانون برنامـه هفتم پیشـرفت، با بیان اینکه طبـق تبصره یـک مـاده ۵۰ برنامه هفتم پیشـرفت، افزایـش دودهم درصـد به ظرفیت سـکونتگاهی بـا تراکم ۶۰ نفر در هکتار در روسـتاها، شـهرهای کوچـک و میانی، مناطـق مـرزی و شهرک‌سـازی با رعایـت سـند آمایش سـرزمینی، قانون حفظ کاربری اراضی زراعـی و باغ‌ها مورد تأکید اسـت، افزود: بـا توجه بـه ملاحظات قانونـی این بند قانون در ممنوعیت الحـاق اراضی کشـاورزی درجه یک و ۲ و اراضـی دارای مخاطرات طبیعی، به همیـن جهت افزایش دودهم درصد به ظرفیت سـکونتگاهی کشـور با رعایت همه ملاحظـات از نظـر وزارت راه‌وشهرسـازی برای پنج سـال برنامه هفتم پیشـرفت به دلایل علمی، غیرعملیاتی اسـت. وی با تأکید بر اینکه وزارت راه‌وشهرسـازی خـود را ملزم به رعایت و اجـرای قانـون می‌داند، توضیـح داد: طبـق آمار، هم‌اکنون موجودی مسـکن بیشـتر از تعداد خانوارهاسـت. اما مشـکل در توزیع جغرافیایی و در دسترس‌پذیری مسکن بـرای خانوارهاسـت. کاظمیان؛ با بیـان اینکـه تبصره یک ماده ۵۰ در دل خود یکسـری ناسـازگاری‌ها و تعارض‌هایی دارد، توضیح داد: براسـاس سـند ملی آمایش سـرزمینی، پیش‌بینـی افزایش جمعیت ایـران برای افـق ۱۴۱۵، ۱۰۶ میلیون نفر است. این در حالی است که طبق این ماده قانونی، تمام این جمعیت باید در طی برنامه هفتم پیشـرفت، تأمین زمین شوند. بنابراین، این مورد نیز یکی از تعارض‌هایی است که از این تبصره ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم پیشـرفت نمایان شده است. معاون وزیر راه‌وشهرسـازی، گفت: در نظر داشته باشیم که برای تأمین زمین مسـیرهای مختلفی وجود دارد که الزاماً الحاق نیسـت، بلکه الحاق بخشـی از آن اسـت. به گفته وی، فرآیند استفاده از سـکونتگاه‌های موجود، افزایش محدوده، الحاق به محدوده شهرها، الحاق به محدوده روستا، ایجاد سکونتگاه‌های جدید، شهرهای جدید، شهرک‌سازی و افزایش بهره‌وری زمین در سـکونتگاه‌ها، انواع مختلف تأمین زمین و مسیرهای مختلفی است که برای تأمین زمین وجود دارد. وی تصریـح کرد: وزارت راه‌وشهرسـازی خـود را ملزم به رعایت قانون می‌دانـد و مطلقاً مخالـف تأمین زمین برای اجرای طرح‌های مسـکن نیست. وی با اشـاره به اینکه سال گذشـته با تأمین ۴۷ هزار هکتار اراضی شـهری و روستایی ۷۲ درصد هدف گذاری برنامه هفتم پیشـرفت محقق شـده است، گفت: وزارت راه‌وشهرسـازی همه تلاش خود را کرده اسـت تا زمین تأمین کند و مکلف به اجرای قانون است. این مقام مسـئول، ادامه داد: در نیمه نخسـت ۱۴۰۴ نیز برآورد اولیه حاکی از تأمیـن حدود ۲۱ هزار هکتار زمین اسـت. در مجموع اراضـی تأمین شـده در سـال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ تاکنون ۶۸ هزار هکتار است. کاظمیان؛ با تأکید بر اینکه طبق سند آمایش سرزمین و اسناد کلی نظام، رشد کلانشهرها باید کنترل شـود، افزود: از مقدار اراضی تأمین شـده ۷,۴ درصد در کلانشـهرها و ۹۲,۵ درصد در شـهرهای میانی، کوچک و شهرک‌ها تأمین زمین شده است. وی با تأکید بر اینکه تأمین زمین به‌طور مسـتقیم به معنـای صاحب‌خانه شـدن افراد نیست، گفت: ۷۰ هزار سـکونتگاه غیررسمی در کشور وجود دارد که باید بازآفرینی شود و در این اراضی الزاماً نیاز به تأمین زمین وجود ندارد، بلکه تأمین مسـکن در همان اراضی انجام خواهد شد.

مناقصه عمومی
نوبت دوم | یک مرحله‌ای

موسسه فاطر – پروژه انجام عملیات اجرایی پروژه‌های هفتگانه(سـبد شـماره یک) در نظر دارد نسـبت به برگزاری مناقصه عمومی عملیـات اجرا حفاری و لوله‌رانی به قطر ۱۸۰۰ میلی‌متر (به روش هندشـیلد) و احداث شـفت و منهول کارگاه لوله رانی تونل C به مقدار: ۲۲۰۰ متر طول حفاری و لوله‌رانی و احداث ۱۲ عدد شـفت و منهول و به مدت ۸ ماه شمسـی واقع در تهران، تهرانپارس، اتوبان شهید زین‌الدین، حدفاصل خیابان الله اکبر، شهید زهدی و خیابان اسفندانی، کارگاه لوله‌رانی تونل C اقدام نماید. لـذا از کلیه مناقصه گران مجرب و مرتبط با موضوع مناقصه دعوت می‌شـود با ارائه معرفی نامه معتبر، نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
مدت اجرای کار: ۸ ماه شمسی
مبلغ و نوع تضمین شـرکت در مناقصه: مبلغ ۱۳,۱۳۱,۲۵۰,۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد به حساب جاری شـماره ۵۱۵۱۷۱۸۰۳۹۰۱۰ بانک سپه شـعبه تهرانسـر به نام قرارگاه سـازندگی خاتم‌الانبیا (ص) واحد اجرایی موسسه فاطر.
مهلت دریافت اسناد مناقصه:
در ساعت‌های اداری ۰۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات: تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲
تاریخ گشایش پاکت‌ها: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳
محل دریافت اسناد مناقصه: آدرس: تهران، اتوبان شـهید لشـگری غرب، جاده اندیشـه، بعد از پـل کفش ملی، نبش خیابان اسنا خودرو ستاد پروژه انجام عملیات اجرایی پروژه‌های هفتگانه(سبد شماره یک)، موسسه فاطر
تلفن: ۳۲۷۲۵۱۴۳-۰۲۶
تحویل دهنده: مدیریت فنی و مهندسی-امورقراردادها
مبلغ اسناد مناقصه: به صورت رایگان می‌باشد.
سایر توضیحات:
- پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط و مخدوش از مناقصه حذف خواهند شد.
- پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مهلت تعیین شده در اسناد واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

کلیه هزینه‌های مربوط درج آگهی به عهده مناقصه‌گران برنده می‌باشد.

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عمومی
نوبت دوم | یک مرحله‌ای

موسسه فاطر – پروژه انجام عملیات اجرایی پروژه‌های هفتگانه(سـبد شـماره یک) در نظر دارد نسـبت به برگزاری مناقصه عمومی عملیـات اجرا حفاری و لوله‌رانی به قطر ۲۸۰۰ میلی‌متر (به روش هندشـیلد) و احداث شـفت و منهول کارگاه لوله رانی اصفهانک به مقدار: ۲۴۰ متر طول حفـاری و لوله‌رانی و احداث ۴ عدد شـفت و منهول و به مدت ۴ ماه شمسـی واقع در تهران، خیابان پیروزی، خیابان آیت‌اله شـاه آبادی، کارگاه لوله‌رانی اصفهانک اقدام نماید. لذا از کلیه مناقصه گران مجرب و مرتبـط با موضوع مناقصه دعوت می‌شـود با ارائه معرفی نامه معتبر، نسـبت به دریافت اسـناد مناقصه اقدام نمایند.
مدت اجرای کار: ۴ ماه شمسی
مبلغ و نوع تضمین شـرکت در مناقصه: مبلغ ۴,۳۸۱,۲۵۰,۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامـه بانکی یا واریز وجه نقد به حساب جاری شـماره ۵۱۵۱۷۱۸۰۳۹۰۱۰ بانک سپه شـعبه تهرانسـر به نام قرارگاه سـازندگی خاتم‌الانبیا (ص) واحد اجرایی موسسه فاطر.
مهلت دریافت اسناد مناقصه: در سـاعت‌های اداری ۰۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ از روز دوشـنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات: تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲
تاریخ گشایش پاکت‌ها: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳
محل دریافت اسناد مناقصه: آدرس: تهران، اتوبان شـهید لشـگری غرب، جاده اندیشـه، بعد از پـل کفش ملی، نبش خیابان اسنا خودرو ستاد پروژه انجام عملیات اجرایی پروژه‌های هفتگانه(سبد شماره یک)، موسسه فاطر
تلفن: ۳۲۷۲۵۱۴۳-۰۲۶
تحویل دهنده: مدیریت فنی و مهندسی-امورقراردادها
مبلغ اسناد مناقصه: به صورت رایگان می‌باشد.
سایر توضیحات:
- پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط و مخدوش از مناقصه حذف خواهند شد.
- پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مهلت تعیین شده در اسناد واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

کلیه هزینه‌های مربوط درج آگهی به عهده مناقصه‌گران برنده می‌باشد.

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۰۸/۳۷
نوبت اول

مناقصه گزار: قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)- هلدینگ تخصصی دریایی- موسسه مکین
مناقصه شماره: ۱۴۰۴/۰۸/۳۷
موضوع فراخوان: موسسـه مکین در نظر دارد جهت پروژه اجرای فاز دوم اراضی ۶۰۰ هکتاری بندر امام خمینی (ره) تهیه، بارگیری - حمل و تخلیه حدود ۱۷۰,۰۰۰ تن ماسـه بادی را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید.
مهلـت دریافـت اسـناد مناقصـه: متقاضیـان دارای تجربـه و سـابقه مرتبـط می‌تواننـد از روز چهارشـنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ تا پایان وقت اداری روز پنج‌شـنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ با در دست داشتن معرفی نامه رسمی، به یکی از آدرس های ذیل مراجعه فرمایند.
۱- تهران: خیابان شـریعتی، خیابـان خواجه عبدالله انصـاری، خیابان تیسـفون، نبش ایروان، پلاک ۷۵، واحد فنی
تلفن تماس جهت اخذ اطلاعات بیشتر: ۲۲۸۷۳۵۰۳-۰۲۱ – داخلی ۵۳۵۳ و ۵۳۳۱
۲- استان خوزسـتان: سربندر، نرسیده به مجتمع بندر امام خمینی(ره)، کارگاه احداث اراضی فاز دوم ۶۰۰ هکتاری بندر امام خمینی(ره)، موسسه مکین
تلفن های تماس: ۰۹۳۳۹۲۱۸۷۰۵ - ۰۹۱۷۰۷۹۴۱۳۲
مهلت تحویل اسـناد: تـا پایـان وقـت اداری روز دوشـنبه مـورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ در محل آدرس‌های فوق می‌باشد. موسسه مکین در پذیرش و یا رد پیشنهادها مختار می‌باشد.
- هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۰۳۵
نوبت دوم | یک مرحله‌ای

موسسـه ریل‌گسـتر در نظر دارد خریـد یک دسـتگاه لکوموتیو کشـنده بـا ظرفیت ۹۰ تن را از طریق مناقصـه عمومی به بخش خصوصـی واگذار نماید. بدینوسـیله از کلیه شـرکت‌های واجد شـرایط دعوت بعمل می‌آید جهت اخذ اسناد و شـرکت در مناقصه از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ لغایـت ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ به آدرس: شـیراز، بلوار مـدرس، بلوار رازی، جنب امداد خودرو، موسسه ریل گستر مراجعه نمایند.
۱. مبلـغ سـپرده شـرکت در مناقصـه ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشـد کـه به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا واریز نقدی به حساب شماره ۵۱۵۱۷۱۸۱۶۱۰۰۴ نزد بانک سپه شعبه دانشگاه شیراز به نام مؤسسه ریل گستر انجام پذیرد.
۲. آخرین مهلت تحویل پیشنهادات:
ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ خواهد بود.
۳. مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
۴. هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

ضمناً در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شماره تلفن ۲-۳۷۲۵۶۵۶۱-۰۷۱ داخلی ۱۸۷ و شماره‌های همراه ۰۹۳۷۸۰۱۲۴۷۴ و ۰۹۱۷۷۰۷۶۸۰۳ آماده پاسخگویی می‌باشد.

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عمومی
نوبت دوم

موسسه عمران ساحل در نظر دارد تامین یک دستگاه Industrial AC UPS بـه ظرفیـت 30KVA مربـوط بـه پـروژه اسـکله نفتـی ۵۰,۰۰۰ تنـی بندر شهید بهشتی چابهار را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.
لذا از داوطلبان حائز شـرایط شـرکت در مناقصه فوق دعوت می‌شـود از مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ لغایت مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ برای دریافت اسـناد و مدارک اولیه مناقصه (اسـناد ارزیابی کیفی)، نامه رسـمی اعلام آمادگی شرکت در مناقصه خود را به آدرس ایمیل smh.oiljetty@gmail.com ارسال نمایند.
حضور در لیست سازندگان مورد تایید شرکت ملی نفت الزامی می‌باشد.
شماره تماس واحد تامین کالای برق – موسسه عمران ساحل
آقای سید مهدی حسینی داخلی (۴۴۴۷)
۱۳-۳۳۲۱۹۲۱۲-۰۲۱ جهت کسب اطلاعات بیشتر
لطفاً از مراجعه حضوری خودداری نمایید

ضمناً هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی شناسایی و ارزیابی فنی
موسسه جهان ارتباط فجر

قرارگاه سـازندگی خاتـم الانبیـا (ص) – موسسـه جهـان ارتباط فجر جهـت خرید «بسـته‌های street lighting و flexible hose & hose connection پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس» از اشـخاص حقوقی صاحب صلاحیـت دعوت به عمل مـی‌آورد. متقاضیان واجد شـرایط می‌توانند روزهای سه شنبه و چهارشـنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ و ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ تصویر معرفی‌نامه رسـمی و فیش واریزی به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به شـماره حسـاب جاری شـماره ۵۱۵۱۷۱۸۰۳۸۰۰۵ (شـماره شـبا IR۰۷۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰۵۱۵۱۷۱۸۰۳۸۰۰۵) بانک سـپه شـعبه پیامبر شـرقی کد ۸۰۱۸ به نام قرارگاه خاتـم الانبیـاء(ص)- واحد اجرایی موسسـه جهان ارتباط فجـر را به پسـت الکترونیـک contract@jefins.com ارسـال و جهت دریافت اسناد با تلفن ۴۴۲۲۶۰۸۲ داخلی ۲۰۵ هماهنگی نمایند.
مهلت تحویل اسناد به موسسه جهان ارتباط فجر:
تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ واقع در بلوار مرزداران، خیابان شهید پورجعفری، انتهای خیابان مالک، پلاک ۲۸ می‌باشد.
- موسسه جهان ارتباط فجر در پذیرش و یا رد پیشنهادها مختار است.
- ارسال اسناد و مدارک به صورت نسخه کاغذی باشد. لذا از ارسال لوح فشرده خودداری شود.
- هزینه آگهی، به عهده برنده نهایی می‌باشد.
- صرف خرید اسناد و ارسال مدارک هیچ حقی برای شرکت‌کنندگان ایجاد نمی‌کند.

مؤسسه جهان ارتباط فجر

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عمومی بازسازی ساختمان
آبان ۱۴۰۴-۰۱-۰۴۰۸

شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل در نظر دارد **بازسازی ساختمان خدماتی** خود در کرج را به پیمانکاران توانمند و دارای صلاحیت واگذار کند.

جزئیات بیشتر و ثبت‌نام در مناقصه:
sourcing.irancell.ir

ارتباط با ما:
hamidreza.fad@mtnirancell.ir
۰۲۱-۲۳۱۹۴۵۹۰

مهلت ارسال اسناد مناقصه:
تا ۲۰ آبان ۱۴۰۴

ایرانسل MTN

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

طلب بیش از ۱۰۰ همتی قطعه‌سازان از خودروسازان

مهدی قره‌داغلی | مناقصه مزایده

طلب قطعه‌سازان خودرو از خودروسازان طی چندین ماه گذشته، همواره روبه افزایش بوده و همین امر سبب شده صنعت قطعه‌سازی که از صنایع مادر در صنعت خودروسازی به حساب می آید دچار بحران شود. در همین خصوص، دبیر انجمن خودروسازان ایران، بیان کرد: خودروسازان بیش از ۱۰۰ همت به قطعه‌سازان بدهکار هستند. به گزارش مناقصه‌مزایده، احمد نعمت‌بخش؛ در آیین افتتاح و آغاز به‌کار خط تولید خودروی پارس‌نوآ، اظهار داشت: قطعه‌سازان همواره در کنار خودروسازان بوده و به کمک خطوط تولید آمده‌اند. این خودرو برگرفته از طراحی ال ۹۰ و شرکت فرانسوی است که توسط مهندسان داخلی بومی‌سازی شده و اقدامی بسیار ارزشمند به شمار می‌رود. وی ادامه داد: از زمانی که تحریم‌ها در حوزه خودرو شدت گرفت، بسیاری از قالب‌های تولیدی بلااستفاده مانده بود، اما امروز شاهد ارتقای دانش خودروسازی و دستیابی به تولید انبوه هستیم. امیدواریم این خودرو با قیمتی مناسب به بازار عرضه شود. نعمت‌بخش؛ با اشاره به سخت‌گیری‌های سازمان ملی استاندارد، گفت: استانداردها برای واردات خودرو آسان گرفته می‌شود و حتی استاندارد چین نیز مورد پذیرش است، اما برای خودروهای داخلی و قطعات، آنچنان سختگیرانه عمل می‌شود که روند تولید را مختل می کند. وی افزود: شایسته بود مدیران سازمان استاندارد در این مراسم حضور می‌داشتند تا از نزدیک مسائل و مشکلات تولیدکنندگان را بشنوند. دبیر انجمن خودروسازان ایران، تأکید کرد: انتظار می‌رود از صنعت خودروسازی داخلی نیز به اندازه واردات خودرو حمایت شود. همان گونه که در مجلس شورای اسلامی نسبت به واردات آسان گیری می‌شود، باید در قبال خودروسازان داخلی نیز سهل گیری مشابهی وجود داشته باشد. نعمت‌بخش؛ در ادامه از کمیسیون صنایع و معادن مجلس درخواست کرد تا جلسه‌ای با حضور انجمن خودروسازان برگزار کند تا مسائل مختلف این صنعت بررسی شود. وی گفت: با وجود اینکه خودروسازان بیش از ۱۰۰ همت به قطعه‌سازان بدهکار هستند، همچنان شاهد همراهی و تأمین قطعات از سوی آنان هستیم. در ادامه آرش محبی‌نژاد؛ دبیر انجمن صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور، گفت: از روزی که فرانسوی‌ها به علت تحریم‌ها صنعت خودروسازی کشور را رها کردند و رفتند تا امروز توانستیم در داخلی‌سازی بسیاری از قطعات خودکفا شویم و این در حالی است که در سال‌های اخیر کشوری مثل روسیه که در بخش نظامی و تکنولوژی از کشورهای قدرتمند جهان است اما به خاطر جنگ در تحریم است در حوزه خودرو نتوانسته قد علم کند، اما صنعت خودروسازی در کشور ما قابل مقایسه با روسیه نیست و نسبت به آن‌ها در جایگاه بالاتری قرار دارد. وی در مراسم آغاز به‌کار خط تولید پارس‌نوآ، خاطرنشان کرد: تا زمانی که فرانسوی‌ها در ایران حضور داشتند خودروی ال ۹۰ حدود ۵۵ درصد ساخت داخل شد و امروز عمق ساخت داخل این خودرو پیشرفت بسیاری کرده و محصول جدید که بر پایه پلتفرم خودروی ال ۹۰ است با استانداردهای جدیدتر و به عمق بالاتری رسیده و به جرأت می‌توان گفت؛ بیشتر از ۸۰ درصد قطعات این محصول ساخت قطعه‌سازان داخلی و محصولی ۸۰ درصد ایرانی است.

آینده‌فروشی یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب به صنعت خودرو

تأخیر در تحویل خودروهای ثبت‌نامی و عدم نظارت وزارت صمت بر این موضوع، خریداران را ماه‌ها در انتظار گذاشته و موجب زیان مالی، استرس و بی‌اعتمادی عمومی به صنعت خودرو شده است. به گزارش مهر، تأخیر در تحویل خودروهای ثبت‌نامی، همچنان یکی از معضلات اصلی بازار خودروی ایران است؛ مشکلی که نه‌تنها خریداران را با زیان‌های مالی و روانی مواجه می کند، بلکه اعتماد عمومی به صنعت خودرو و سیاست‌گذاران را نیز به شدت تضعیف کرده است. براساس گزارش‌های متعدد، بسیاری از مشتریان خودروهای داخلی و مونتاژی ماه‌ها پس از موعد مقرر، خودروهای خود را تحویل گرفته‌اند و این تأخیرها اغلب بدون اطلاع‌رسانی شفاف یا عذرخواهی رسمی از سوی خودروسازان اتفاق می‌افتد. مشتریان به دلیل نبود سامانه‌های متمرکز و شفاف برای پیگیری شکایات، با روندهای طولانی و فرسایشی روبه‌رو هستند و امکان دریافت جریمه دیرکرد طبق قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو (مصوب ۱۳۸۶) با موانع جدی مواجه است. در این رابطه برخی از متقاضیان دریافت خودرو به‌خصوص در بخش پیش‌فروش با تأخیرهای طولانی مدت در تحویل خودرو مواجه شده‌اند؛ یکی از خریداران خودروی داخلی، عنوان کرد: آذر پارسال ۲۲۵ میلیون تومان به‌عنوان پیش پرداخت برای خرید خودرو به حساب خودروساز واریز کردم. مابقی مبلغ که ۲۱۰ میلیون تومان بود را در مردادماه امسال به‌عنوان تکمیل وجه و تحویلی خودرو پرداختم. او می‌افزاید: بر همین اساس نیز قرار بود مرداد و نهایت تا شهریورماه خودرو تحویل شود با این حال تاکنون هیچ خبری از تحویل خودرو نشده است. حتی خودروساز اطلاعی هم نداده که خودرو چه زمانی تحویل می‌شود. بر این اساس کارشناسان حقوقی معتقدند که بخشی از مشکل به قراردادهای یک‌طرفه خودروسازان بازمی‌گردد. بسیاری از قراردادهای فروش، خریدار را ملزم می کند که تأخیرهای تحویل را به شرایط خارج از کنترل مانند تحریم‌ها یا مشکلات تأمین قطعات نسبت دهد و در نتیجه خودروساز از مسئولیت معاف می‌شود. این در حالی است که مشتریان به دلیل انحصار بازار چاره‌ای جز امضای چنین قراردادهایی ندارند. اما به هرحال آن‌طور که پیگیری‌ها نشان می‌دهد، عمده دلیل تأخیر در تحویل خودرو به مشکلات مالی خودروسازان باز می‌گردد، چراکه پرداخت نکردن بدهی‌ها به قطعه‌سازان و محدودیت نقدینگی باعث کاهش سرعت تولید شده است. همچنین کمبود قطعات، از دیگر چالش‌ها عنوان شده است؛ کسری قطعات، تولید برخی خودروها را متوقف کرده و باعث عقب‌افتادگی در تحویل‌ها شده است. برای مثال، آن‌طور که اعلام می‌شود توقف یک روزه تولید معادل تأخیر سه هزار خودرو است. ناترازی انرژی و جنگ ۱۲ روزه نیز از دیگر دلایل تأخیر در تحویل خودرو اعلام شده، چراکه این مسائل تأثیر مستقیم بر روند تولید خودرو داشته است. مانی حدادی؛ کارشناس صنعت خودرو، در این خصوص می گوید: خالی‌فروشی و فروش خارج از ضوابط حواله خودرو، موضوعی است که در دو حوزه متفاوت معنا پیدا می کند و طی چهار تا پنج سال اخیر در خودروسازی‌های بزرگ کشور به وضوح مشاهده شده است. او می‌افزاید: خالی‌فروشی یا آینده‌فروشی از مهم‌ترین آسیب‌های صنعت خودرو محسوب می‌شود که موجب زیان انباشته در این بخش شده است. متأسفانه هر دو خودروساز بزرگ کشور همچنان این روش را به کار می گیرند. حدادی؛ با اشاره به شیوه خالی‌فروشی، می گوید: برای مثال، برخی شرکت‌های خودروسازی حجم بالایی از خودرو را برای سال آینده پیش‌فروش می کنند، در حالی که میزان تولید آن‌ها حتی کفاف تعهدات امسال را نمی‌دهد. این یک تکنیک قدیمی و منسوخ است که برای تقویت جریان نقدینگی مورد استفاده قرار می گیرد. این روش نه امروز و دیروز، بلکه سال‌هاست که در خودروسازان بزرگ کشور اجرا می‌شود. نکته قابل تأمل آنکه تأخیر در تحویل خودرو، پیامدهای مالی و روانی گسترده‌ای برای خریداران دارد؛ ارزش پول پرداخت‌شده در اثر تورم کاهش یافته، هزینه‌های جانبی مانند استفاده از تاکسی‌های اینترنتی و خودروهای اجاره‌ای افزایش یافته و اضطراب و استرس ناشی از انتظار طولانی، به تجربه‌ای فراگیر در میان مشتریان تبدیل شده است. از سوی دیگر، ادامه این روند باعث ایجاد بازارهای غیررسمی و افزایش قیمت خودرو در بازار آزاد شده است. همچنین اگرچه قانون جریمه‌های تأخیر را پیش‌بینی کرده، اما ضمانت اجرایی آن ضعیف است و نرخ جریمه با زیان واقعی مشتریان هماهنگ نیست. کارشناسان معتقدند ضعف نظارت وزارت صمت و نبود اراده جدی برای اجرای تعهدات شرکت‌ها، علت اصلی استمرار این مشکل است. صدور مجوزهای فروش جدید بدون کنترل تحویل خودروهای قبلی، باعث تشدید بحران شده است. کارشناسان تأکید دارند که الزام خودروسازان به تکمیل تعهدات گذشته پیش از صدور مجوز فروش جدید، برنامه‌ریزی فروش متناسب با ظرفیت واقعی تولید و واردات، ایجاد سامانه‌های شفاف و یکپارچه برای ثبت و پیگیری شکایات و اصلاح قراردادهای یک‌طرفه و تضمین جبران خسارت واقعی برای مشتریان از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به حل این معضل کمک کند. باید توجه داشت که بحران تأخیر در تحویل خودرو بیش از آنکه یک مشکل مقطعی باشد، نشان‌دهنده چالش‌های ساختاری در صنعت خودروی ایران است.

صنف نمایشگاه‌داران اتومبیل مرجع مشخصی برای تعیین نرخ مصوب خودرو ندارد

در سال‌های اخیر، بازار خودرو در ایران بیش از هر زمان دیگری با نوسان، بی‌ثباتی و تغییرات ناگهانی قیمت مواجه شده است. بازاری که تحت‌تأثیر سیاست‌های متغیر خودروسازان، کمبود عرضه، هزینه‌های جانبی بالا و نبود شفافیت قیمتی، به بستری پرالتهاب برای خریداران و فروشندگان تبدیل شده است. به گزارش ایرنا، فعالیت بی‌ضابطه و فزاینده سایت‌های فروش خودرو، به یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید این آشفتگی بدل شده که این بسترها در ابتدا با هدف تسهیل معاملات و حذف واسطه‌ها ایجاد شده بودند، اما اکنون خود به محلی برای شکل‌گیری قیمت‌های غیرواقعی و دامن زدن به سفته‌بازی تبدیل شده‌اند. به گفته فعالان صنف نمایشگاه‌داران، قیمت‌هایی که در این سایت‌ها درج می‌شود اغلب پایه کارشناسی ندارد و صرفاً براساس منافع شخصی و گمانه‌زنی تعیین می‌شود؛ مسئله‌ای که مستقیماً به افزایش انتظارات تورمی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به بازار رسمی دامن زده است. فریدون عابدین‌نژاد؛ رئیس اتحادیه نمایشگاه‌داران اتومبیل البرز، با بیان اینکه ساماندهی این وضعیت نیازمند ورود جدی نهادهای نظارتی است، گفت: فعالیت بی‌قاعده این سایت‌ها نه‌تنها نظم بازار را بر هم زده، بلکه باعث زیان مردم و کاهش اعتبار فعالان صنفی شده است. وی اظهار کرد: وجود سایت‌های خرید و فروش خودرو به معضلی بزرگ برای بازار تبدیل شده و در راستای حل این مشکل تاکنون اقدام مؤثری صورت نگرفته است. وی افزود: طی نامه‌نگاری‌های متعدد، از مسئولان ذی‌ربط خواسته شده تا برای ساماندهی این وضعیت اقدام کنند. وی گفت: این سایت‌ها بدون قاعده و ضابطه قیمت‌ها را تعیین می‌کنند و این مسئله در ناآرامی بازار خودرو در مقاطع مختلف زمانی بسیار مؤثر بوده است. رئیس اتحادیه نمایشگاه‌داران البرز، افزود: مدتی پیش یک مرکز فروش خودرو به دستور دادستانی کرج جمع‌آوری شد، اما متأسفانه برخی از همان افرادی که پیش‌تر در آن محل به سودجویی و کلاهبرداری از شهروندان می‌پرداختند، مجدد در برخی نمایشگاه‌ها مشغول به کار شدند و مشکلات را افزایش دادند. وی با اشاره به مشکلات اقتصادی این صنف، گفت: روند افزایشی مداوم رهن و اجاره واحدهای صنفی یکی دیگر از دغدغه‌های جدی نمایشگاه‌داران است و این موضوع در تعطیلی، ابطال پروانه‌های کسب و حتی ورشکستگی واحدهای صنفی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. عابدین‌نژاد؛ در بخش دیگری از سخنان خود به طرح‌های فروش خودروسازان اشاره کرد و گفت: فرآیند ثبت‌نام خودرو توسط شرکت‌های خودروسازی و اجرای طرح‌های متعدد در زمان‌های مختلف، موجب نوسان در بازار و ایجاد چالش برای فعالان صنفی می‌شود. این روند باید با دقت و کارشناسی بیشتری دنبال شود، زیرا ادامه این وضعیت می‌تواند به ضرر کسبه و حتی شهروندان منجر شود. وی خاطرنشان کرد: متأسفانه صنف نمایشگاه‌داران اتومبیل مرجع مشخصی برای تعیین نرخ مصوب خودرو ندارد و به همین دلیل، اتحادیه نمی‌تواند اعضا را به رعایت نرخ مشخص ملزم کند. این مسئله خود یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی در بازار است. رئیس اتحادیه نمایشگاه‌داران البرز، از مردم خواست در خرید و فروش خودرو تنها به نمایشگاه‌هایی مراجعه کنند که دارای پروانه معتبر کسب هستند تا در صورت بروز هرگونه مشکل، امکان پیگیری از طریق اتحادیه، اتاق اصناف یا سازمان صمت وجود داشته باشد.

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس
Persian Gulf Petrochemical Industries Co
PGPIC
شرکت پتروشیمی اروند

نوبت اول
یک مرحله‌ای

فراخوان مزایده عمومی
به شماره ۶/۱۴۰۴/۰۱۲

شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به عنوان مزایده گزار در نظر دارد اجرای عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را از طریق برگزاری مزایده عمومی یک مرحله ای به یکی از اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح	واحد	قیمت ریال	مقدار	قیمت کل ریال
۱	E-PVC-6834OFF1	کیلوگرم	۴۷۰,۵۴۳	۱,۰۲۰,۰۸۰	۴۸۰,۳۳۰,۲۹۴,۴۰۰
۲	E-PVC7044OFF1	کیلوگرم	۴۶۴,۸۴۰	۱۵۴,۰۰۰	۷۱,۵۸۵,۳۶۰,۰۰۰
۳	E-PVC7244OFF1	کیلوگرم	۴۶۱,۰۳۶	۴۸,۰۰۰	۲۲,۱۲۹,۷۲۸,۰۰۰

۱- موضوع مزایده: فروش ۳ گرید محصول E-PVC OFF1 شرکت پتروشیمی اروند
۲- مدت زمان اجرای مزایده: ۳ ماه شمسی
۳- زمان و نحوه توزیع اسناد مزایده:
۳,۱. متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست به سایت پتروشیمی اروند به نشانی الکترونیکی www.arvandpvc.ir بخش کمیسیون معاملات یا به نشانی مستقیم Tender.arvandpvc.ir:5661 مراجعه و پس از بارگذاری اطلاعات مربوطه نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.
۳,۲. مدت زمان مراجعه به سایت الکترونیکی جهت ثبت نام و دریافت اسناد مزایده از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ لغایت ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ اعلام می گردد.
۳,۴. انجام عملیات پاکسازی و همچنین پرداخت هزینه های گمرکی، مالیات و عوارض دولتی و مسئولیت عملیات اجرائی آن از هر نظر بر عهده و هزینه برنده مزایده می باشد.
۴- میزان سپرده و نوع تضمین شرکت در مزایده: میزان سپرده شرکت در مزایده به مبلغ ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت (ضمانتنامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز وجه نقد) به شماره حساب ۶۰۹۴۲۰۰۰۳۰ عهده بانک تجارت – شعبه شرکت پتروشیمی اروند.
۵- جلسه توجیهی: به صورت حضوری در تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ ساعت ۱۰:۰۰ به نشانی استان خوزستان، بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۳، شرکت پتروشیمی اروند برگزار می گردد.
۶- زمان و نحوه تحویل پاکات مزایده: مزایده گران می‌بایست پاکات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ به صورت حضوری به آدرس استان خوزستان، بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۳، شرکت پتروشیمی اروند، کمیسیون معاملات تحویل نمایند.
۷- قیمت پایه: ۵۷۴,۰۴۵,۳۸۲,۴۰۰ ریال
۸- گشایش پاکات: متاقباً اعلام می گردد.
۹- مدت اعتبار پیشنهادات: سه ماه از تاریخ تحویل پاکات می باشد.
متقاضیان شرکت در مزایده در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، می توانند با شماره تلفن: ۵۲۱۲۶۴۷۶-۰۶۱ و ۵۲۱۲۶۴۷۷-۰۶۱ تماس و همچنین آگهی فوق را از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir ملاحظه نمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس
Persian Gulf Petrochemical Industries Co
PGPIC
شرکت پتروشیمی اروند

نوبت اول
یک مرحله‌ای

فراخوان مزایده عمومی
به شماره ۶/۱۴۰۴/۰۱۱

شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به عنوان مزایده گزار در نظر دارد اجرای عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را از طریق برگزاری مزایده عمومی یک مرحله ای به یکی از اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح	واحد	قیمت ریال	مقدار	قیمت کل ریال
۱	E-PVC-6834OFF2	کیلوگرم	۲۹۴,۰۹۰	۵۶۷,۰۷۰	۱۶۶,۷۶۹,۶۱۶,۳۰۰
۲	E-PVC7244OFF2	کیلوگرم	۲۸۸,۱۴۸	۱۷۰,۸۰۹	۴۹,۲۱۸,۲۷۱,۷۳۲
۳	E-PVC6644OFF2	کیلوگرم	۲۷۶,۴۲۰	۱۰۵,۹۷۴	۲۹,۲۹۳,۳۳۳,۰۸۰
۴	E-PVC7544OFF2	کیلوگرم	۲۸۵,۵۴۰	۱۰۶,۲۴۷	۳۰,۳۳۷,۷۶۸,۳۸۰

۱- موضوع مزایده: فروش ۴ گرید محصول E-PVC OFF2 شرکت پتروشیمی اروند هر ردیف به مزایده گری که بیشترین قیمت را ارائه نماید واگذار می گردد.
۲- مدت زمان اجرای مزایده: ۳ ماه شمسی
۳- زمان و نحوه توزیع اسناد مزایده:
۳,۱. متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست به سایت پتروشیمی اروند به نشانی الکترونیکی www.arvandpvc.ir بخش کمیسیون معاملات یا به نشانی مستقیم Tender.arvandpvc.ir:5661 مراجعه و پس از بارگذاری اطلاعات مربوطه نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.
۳,۲. مدت زمان مراجعه به سایت الکترونیکی جهت ثبت نام و دریافت اسناد مزایده از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ لغایت ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ اعلام می گردد.
۳,۳. انجام عملیات پاکسازی و همچنین پرداخت هزینه های گمرکی، مالیات و عوارض دولتی و مسئولیت عملیات اجرائی آن از هر نظر بر عهده و هزینه برنده مزایده می باشد.
۴- میزان سپرده و نوع تضمین شرکت در مزایده: میزان سپرده شرکت در مزایده به مبلغ ۵,۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت (ضمانتنامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز وجه نقد) به شماره حساب ۶۰۹۴۲۰۰۰۳۰ عهده بانک تجارت- شعبه شرکت پتروشیمی اروند.
۵- جلسه توجیهی: به صورت حضوری در تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ ساعت ۱۰:۰۰ به نشانی استان خوزستان، بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۳، شرکت پتروشیمی اروند برگزار می گردد.
۶- زمان و نحوه تحویل پاکات مزایده: مزایده گران می‌بایست پاکات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ به صورت حضوری به آدرس استان خوزستان، بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۳، شرکت پتروشیمی اروند، کمیسیون معاملات تحویل نمایند.
۷- قیمت پایه: ۲۷۵,۶۱۸,۹۸۹,۴۹۲ ریال
۸- گشایش پاکات: متاقباً اعلام می گردد.
۹- مدت اعتبار پیشنهادات: سه ماه از تاریخ تحویل پاکات می باشد.
متقاضیان شرکت در مزایده در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، می توانند با شماره تلفن: ۵۲۱۲۶۴۷۶-۰۶۱ و ۵۲۱۲۶۴۷۷-۰۶۱ تماس و همچنین آگهی فوق را از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir ملاحظه نمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس
Persian Gulf Petrochemical Industries Co
PGPIC
شرکت پتروشیمی اروند

نوبت اول
یک مرحله‌ای

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
با ارزیابی کیفی به شماره ۱/۱۴۰۴/۰۸۰

شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به عنوان مناقصه گزار در نظر دارد اجرای عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای با ارزیابی کیفی و فنی غیرهمزمان به یکی از اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱- موضوع و مدت مناقصه: اجرای عملیات ایاب و ذهاب شرکت پتروشیمی اروند (خودروهای سنگین و نیمه سنگین – ناحیه ۱)- ۲۴ ماه خورشیدی.
۲- میزان برآورد مناقصه: برآورد مناقصه مبلغ ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد،
۳- زمان و نحوه توزیع اسناد مناقصه:
۳,۱. متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه می‌بایست به سایت پتروشیمی اروند به نشانی الکترونیکی www.arvandpvc.ir بخش کمیسیون معاملات یا به نشانی مستقیم Tender.arvandpvc.ir:5661 مراجعه و پس از ثبت نام و تکمیل و تایید ثبت نام خود نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه اقدام نمایند.
۳,۲. کلیه اطلاع رسانی ها، بارگزاری اسناد، ارسال دعوت نامه ها و غیره درخصوص مناقصه فوق الذکر از طریق پنل کاربری ثبت نام شده صورت می پذیرد و متقاضیان می‌بایست با مراجعه و کنترل روزانه پنل مربوط به خود در سامانه کمیسیون معاملات پتروشیمی اروند و همچنین شماره موبایل درج شده توسط مناقصه گر نسبت به بررسی روزانه، پیامک ها و اطلاع رسانی ها را دریافت و اقدام نمایند. کارفرما هیچ تعهدی درخصوص عدم مراجعه و یا هر ادعای مناقصه گر جهت مراجعه به پنل کاربری و یا عدم دریافت پیامک های اطلاع‌رسانی مناقصه ندارد.
۳,۳. مدت زمان مراجعه به سایت الکترونیکی جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ ساعت ۱۶:۰۰ اعلام می گردد.
۳,۵. مناقصه گرانی که در سال های گذشته، با این شرکت قرارداد مشابه موضوع مناقصه داشته اند در صورت عدم ارائه گواهی حسن انجام کار از شرکت پتروشیمی اروند، مدارک ارزیابی کیفی آنها بررسی نشده و از فرایند مناقصه کنار گذاشته می شوند.
۳,۶. در صورتیکه مناقصه گری دادخواستی علیه پتروشیمی اروند در محاکم قضائی طرح کرده باشد یا پتروشیمی اروند علیه آن مناقصه گر دادخواستی صادر کرده که در زمان برگزاری مناقصه تعیین تکلیف نشده باشد مناقصه گر فقط در صورت ایفای تعهدات یا ایجاد رضایت کارفرما و ارائه ترک ادعای محضری می تواند در مناقصه شرکت نماید.
۴ مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: هنگام توزیع اسناد اعلام می گردد
۵- پیش نیاز ارزیابی کیفی متقاضیان:
۵,۱. حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی: امتیاز ۵۰ می باشد.
۵,۲. اساسنامه مرتبط با موضوع مناقصه- گواهینامه صلاحیت پیمانکاری- ارائه حداقل یک قرارداد / مفاصا حساب مشابه موضوع مناقصه – تکمیل و ارائه فرم حفظ محرمانگی اطلاعات- ارائه گواهی حسن انجام کار در صورت داشتن قرارداد با پتروشیمی اروند
۵,۳. مناقصه گران می بایست اسناد ارزیابی کیفی خود را مطابق برنامه زمانبندی تعیین شده (بند شماره ۶) به صورت فایل PDF و منطبق بر فرم‌های ارزیابی کیفی بر روی سامانه مناقصات بارگزاری و ارسال نمایند (تحویل فیزیکی اسناد نداریم). به شرکت هایی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند، اسناد مناقصه و برنامه زمانبندی تحویل پاکات (الف-ب و ج) از طریق دعوتنامه سیستمی ارسال می گردد.
۵,۴. در صورتیکه مناقصه گری قراردادی با پتروشیمی اروند داشته و در صورت وضعیت نهایی را پس از اتمام پیمان در زمان مجاز درج شده در قرارداد ارائه ننماید، نمی تواند در مناقصه شرکت نماید.
۶- زمان و نحوه بارگزاری مدارک ارزیابی کیفی مناقصه گران:
مناقصه‌گران می‌بایست مدارک ارزیابی کیفی خود را حداکثر تا ساعت ۱۷:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ با مراجعه به پنل کاربری خود در زمان مذکور و به صورت فایل PDF بارگزاری نمایند.
۶,۱. چنانچه مناقصه گری مدارک پیشنهادی خود را عمداً یا سهواً و به هر دلیل به محل دیگری به غیر از نشانی مندرج در بند ۶، بارگزاری نماید، مدارک پیشنهادی وی تحویل نشده تلقی خواهد شد و هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص متوجه مناقصه گزار نخواهد بود.
۷- تعدیل: دارد
۸- پیش پرداخت: ۱۰ درصد مبلغ سال اول قرارداد در قبال ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر
متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، می توانند با شماره تلفن: ۵۲۱۲۶۶۷۷-۰۶۱ و ۵۲۱۲۶۴۷۶-۰۶۱ تماس و همچنین آگهی فوق را از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir ملاحظه نمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس
Persian Gulf Petrochemical Industries Co
PGPIC
شرکت پتروشیمی اروند

نوبت اول
یک مرحله‌ای

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
با ارزیابی کیفی به شماره ۱/۱۴۰۴/۰۸۱

شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به عنوان مناقصه گزار در نظر دارد اجرای عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای با ارزیابی کیفی و فنی غیرهمزمان به یکی از اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱- موضوع و مدت مناقصه: اجرای عملیات ایاب و ذهاب شرکت پتروشیمی اروند (خودروهای سنگین و نیمه سنگین – ناحیه ۲)- ۲۴ ماه خورشیدی.
۲- میزان برآورد مناقصه: برآورد مناقصه مبلغ ۳,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.
۳- زمان و نحوه توزیع اسناد مناقصه:
۳,۱. متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه می‌بایست به سایت پتروشیمی اروند به نشانی الکترونیکی www.arvandpvc.ir بخش کمیسیون معاملات یا به نشانی مستقیم Tender.arvandpvc.ir:5661 مراجعه و پس از ثبت نام و تکمیل و تایید ثبت نام خود نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه اقدام نمایند.
۳,۲. کلیه اطلاع رسانی ها، بارگزاری اسناد، ارسال دعوت نامه ها و غیره درخصوص مناقصه فوق الذکر از طریق پنل کاربری ثبت نام شده صورت می پذیرد و متقاضیان می بایست با مراجعه و کنترل روزانه پنل مربوط به خود در سامانه کمیسیون معاملات پتروشیمی اروند و همچنین شماره موبایل درج شده توسط مناقصه گر نسبت به بررسی روزانه، پیامک ها و اطلاع رسانی ها را دریافت و اقدام نمایند. کارفرما هیچ تعهدی درخصوص عدم مراجعه و یا هر ادعای مناقصه گر جهت مراجعه به پنل کاربری و یا عدم دریافت پیامک های اطلاع‌رسانی مناقصه ندارد.
۳,۳. مدت زمان مراجعه به سایت الکترونیکی جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ ساعت ۱۶:۰۰ اعلام می گردد.
۳,۵. مناقصه گرانی که در سال های گذشته، با این شرکت قرارداد مشابه موضوع مناقصه داشته اند در صورت عدم ارائه گواهی حسن انجام کار از شرکت پتروشیمی اروند، مدارک ارزیابی کیفی آنها بررسی نشده و از فرایند مناقصه کنار گذاشته می شوند.
۳,۶. در صورتیکه مناقصه گری دادخواستی علیه پتروشیمی اروند در محاکم قضائی طرح کرده باشد یا پتروشیمی اروند علیه آن مناقصه گر دادخواستی صادر کرده که در زمان برگزاری مناقصه تعیین تکلیف نشده باشد مناقصه گر فقط در صورت ایفای تعهدات یا ایجاد رضایت کارفرما و ارائه ترک ادعای محضری می تواند در مناقصه شرکت نماید.
۴ مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: هنگام توزیع اسناد اعلام می گردد
۵- پیش نیاز ارزیابی کیفی متقاضیان:
۵,۱. حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی: امتیاز ۵۰ می باشد.
۵,۲. اساسنامه مرتبط با موضوع مناقصه – گواهینامه صلاحیت پیمانکاری – ارائه حداقل یک قرارداد / مفاصا حساب مشابه موضوع مناقصه – تکمیل و ارائه فرم حفظ محرمانگی اطلاعات – ارائه گواهی حسن انجام کار در صورت داشتن قرارداد با پتروشیمی اروند
۵,۳. مناقصه گران می بایست اسناد ارزیابی کیفی خود را مطابق برنامه زمانبندی تعیین شده (بند شماره ۶) به صورت فایل PDF و منطبق بر فرمهای ارزیابی کیفی بر روی سامانه مناقصات بارگزاری و ارسال نمایند (تحویل فیزیکی اسناد نداریم). به شرکت هایی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند، اسناد مناقصه و برنامه زمانبندی تحویل پاکات (الف-ب و ج) از طریق دعوتنامه سیستمی ارسال می گردد.
۵,۴. در صورتیکه مناقصه گری قراردادی با پتروشیمی اروند داشته و در صورت وضعیت نهایی را پس از اتمام پیمان در زمان مجاز درج شده در قرارداد ارائه ننماید، نمی تواند در مناقصه شرکت نماید.
۶- زمان و نحوه بارگزاری مدارک ارزیابی کیفی مناقصه گران:
مناقصه‌گران می‌بایست مدارک ارزیابی کیفی خود را حداکثر تا ساعت ۱۷:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ با مراجعه به پنل کاربری خود در زمان مذکور و به صورت فایل PDF بارگزاری نمایند.
۶,۱. چنانچه مناقصه گری مدارک پیشنهادی خود را عمداً یا سهواً و به هر دلیل به محل دیگری به غیر از نشانی مندرج در بند ۶، بارگزاری نماید، مدارک پیشنهادی وی تحویل نشده تلقی خواهد شد و هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص متوجه مناقصه گزار نخواهد بود.
۷- تعدیل: دارد
۸- پیش پرداخت: ۱۰ درصد مبلغ سال اول قرارداد در قبال ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر
متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، می توانند با شماره تلفن: ۵۲۱۲۶۶۷۷-۰۶۱ و ۵۲۱۲۶۴۷۶-۰۶۱ تماس و همچنین آگهی فوق را از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir ملاحظه نمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند

روزنامه مناقصه مزایده - ۴

عدم رشد زیرساخت‌ها به موازات سرمایه‌گذاری‌ها علت آشفتگی صنعت فولاد است

رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، گفت: متأسفانه دولت به موازات رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای افزایش تولید فولاد، زیرساخت‌های مورد نیاز را تقویت نکرد و حاصل این ناهماهنگی شرایطی است که امروز صنعت فولاد ایران با آن روبه‌رو شده است. به گزارش مناقصه‌مزایده، بهرام سبحانی؛ با بیان اینکه صنعت فولاد با اینکه بیش‌ترین بار اقتصادی کشور را بر دوش می‌کشد، متأسفانه توسط افرادی، آگاهانه یا ناآگاهانه مورد جفا قرار می‌گیرد و اتهامات غیرواقعی به ویژه در مصرف انرژی به آن وارد می‌شود، اظهار داشت: به‌طور مثال یک اقتصاددان و استاد دانشگاه اظهار کرده به تولید هر تن فولاد ۸۳۰میلیون دلار سوبسید اختصاص داده می‌شود در حالی که به هیچ‌وجه مشخص نیست ایشان این رقم را چگونه محاسبه کرده و به صنعت فولاد نسبت داده است؟ وی با اشاره به اینکه کل زنجیره فولاد از سنگ‌آهن تا محصول نهایی کمتر از ۶۰۰۰ مگاوات برق مصرف می‌کند در حالی که تولید برق کشور ۸۰هزار مگاوات است، گفت: روزانه ۸۵۰میلیون مترمکعب گاز به شبکه سراسری کشور تزریق می‌شود و مصرف روزانه کل صنعت فولاد ۴۰میلیون مترمکعب است ضمن اینکه صنعت فولاد پنج‌درصد از کل گاز کشور را مصرف می‌کند اما در مقابل ۳۱درصد بودجه گاز را تأمین می‌کند و به عبارتی دیگر می‌توان گفت؛ صنعت فولاد به دیگر مصرف‌کنندگان گاز کشور سوبسید تخصیص می‌دهد. رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، ادامه داد: افزون بر این‌ها فولاد بیش‌ترین اشتغالزایی را برای ایران دارد، جایگاه این صنعت در جی‌دی‌پی کشور پررنگ است و در ارزآوری و توسعه صادرات غیرنفتی سهم چشمگیری را به خود اختصاص داده است. سبحانی؛ با اشاره به اینکه در مورد مصرف آب هم صنعت فولاد مورد اجحاف قرار گرفته، گفت: به‌طور مثال در شرکت فولادمبارکه به‌عنوان شرکتی که زنجیره فولاد به‌طور کامل در آن برقرار است با تولید نزدیک به ۱۰میلیون تن فولاد در سال، سالانه حدود ۱۷میلیون مترمکعب آب مصرف می‌کند، این یعنی در تولید هر میلیون تن فولاد کمتر از حدود دومیلیون مترمکعب آب مصرف می‌شود و تمام آبی که در فرآیند تولید مصرف می‌شود نیز تسویه و در صنعت بازچرخانی می‌شود. رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، با اشاره به مصرف حدود ۴۰۰۰ مگاوات از ۶۰۰۰ مگاوات برقی که در زنجیره فولاد که محصول نیروگاه‌هایی است که شرکت‌های فولادی احداث کرده‌اند تصریح کرد اما با این وجود حتی شرکت‌هایی که خود نیروگاه برپا کرده‌اند باز هم در تأمین برق با محدودیت روبه‌رو هستند و نمی‌توانند تمام برقی را که تولید می‌کنند در اختیار داشته باشند، این محرومیت انگیزه شرکت‌ها را در تولید برق خودتأمین از بین می‌برد. سبحانی؛ افزود: کشور به تزریق ۲۵۰۰۰ مگاوات برق جدید نیاز دارد و تا وقتی مشکل ناترازی انرژی در کشور حل نشود این مسائل ادامه دارد حتی امروز به صنعت فولاد گفته می‌شود در گاز هم خودتأمین شود در حالی که فولاد هیچ ارتباطی به حفاری میادین نفتی و تولید گاز ندارد. رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، ادامه داد: آنچه شرایط نامطلوب کنونی را برای صنعت فولاد رقم زده ریشه در سیاستی دارد که دو دهه پیش اتخاذ شد؛ در سال ۱۳۸۴ گفته شد که ایران در افق ۱۴۰۴، ۵۵میلیون تن فولاد تولید خواهد کرد و این ۵۵میلیون تن با این تصور برآورد شد که جمعیت ایران در ۱۴۰۴ به ۹۰ میلیون نفر می‌رسد و رشد اقتصادی هشت‌درصد در سال محقق می‌شود در نتیجه با این جمعیت سرانه مصرف به حدود ۳۵ کیلوگرم خواهد رسید و این برابر با ۳۰میلیون تن مصرف داخلی و در ادامه ۲۵میلیون تن صادرات است با این حال هیچ یک از آنچه برای سال ۱۴۰۴ از رشد جمعیت تا رشد اقتصادی پیش‌بینی شده بود محقق نشد، با این تفاسیر اما سرمایه‌گذاران بخش‌خصوصی پیروی برنامه یادشده بر صنعت فولاد سرمایه‌گذاری کردند و در پی سرمایه‌گذاری آن‌ها امروز ظرفیت تولید ۵۵میلیون تن فولاد در کشور ایجاد شده است.

معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزیر صمت

بدون مدل توسعه، تحقق توسعه ممکن نیست

گروه زمین و معدن | مناقصه مزایده

معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزیر صنعت، معدن و تجارت، گفت: تا زمانی که مدلی برای توسعه تدوین نکنیم، در تحقق توسعه موفق نخواهیم بود. به گزارش مناقصه‌مزایده، حامد عاملی؛ در نشست آسیب‌شناسی قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی و حمایت از کالای ایرانی در اتاق بازرگانی ایران، اظهار کرد: تا زمانی که مدلی برای توسعه تدوین نکنیم، در تحقق توسعه موفق نخواهیم بود. برای طراحی این مدل هم به اجماع و هماهنگی نیاز داریم. وی درباره هیئت نظارت موضوع قانون حداکثر استفاده از توان تولید، تأکید کرد: ساختار این قانون ایراد دارد، وظیفه‌ای به دوش وزارت صنعت، معدن و تجارت گذاشته‌اند که ابزاری برای اجرای آن ندارد. پس ساختار تعریف شده باید مورد بازنگری قرار گیرد. مسیر درست اجرای این قانون تسری بخش نظارتی آن به همه بخش‌هاست. عاملی؛ تصریح کرد: امروز این امکان وجود دارد که پروژه‌ای بدون بررسی و دریافت مجوز از هیئت نظارت، اجرایی شود، یعنی قانون دقیق و مانع نیست. معاون وزیر صمت، همچنین به سامانه توانیران اشاره کرد و ادامه داد: متولی سامانه توانیران مشخص نبوده، به‌روز نشده و ضعف‌های جدی دارد؛ البته چند ماهی است که سامانه را مورد توجه قرار دادیم و در حال اصلاح سامانه هستیم. به گفته او، از سال ۹۸ تا انتهای ۱۴۰۳ بالغ‌بر ۱۶ هزار میلیارد یورو پرونده بررسی شده و از این بین پنج هزار میلیارد یورو مجوز واردات و تأمین از خارج داده شده است. همچنین در این نشست حمیدرضا فولادگر؛ رئیس شورای راهبری بهبود محیط کسب‌وکار اتاق ایران، گفت: اصلاحات قانون حداکثر استفاده از توان تولید در سطح و هدف قابل قبولی صورت گرفت و توانست امضاهای طلایی را حذف کند و سامانه‌ای جایگزین شود. از طرفی دستگاه‌های مشمول قانون افزایش یافتند که این مهم یکی از دستاوردهای اصلاحات انجام شده، محسوب می‌شود. همچنین در چارچوب اصلاحات صورت گرفته توانستیم نظام نظارتی قانون را قوی‌تر کنیم. او ادامه داد: قانون حداکثر استفاده از توان تولید در قالب طرح وارد مجلس شد و بر این اساس شاهد هستیم که در اجرا مورد اقبال قرار نگرفت و همچنان درباره برخی مواد آن آیین‌نامه‌های اجرایی تصویب نشده است. فولادگر؛ یکی از مطالبات جدی در مسیر اجرای قانون حداکثر توان تولید را سند استراتژی توسعه صنعتی دانست که طی ۲۰ سال گذشته مغفول مانده و به تازگی سندی از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت در این حوزه تهیه و منتشر شده است. او با توجه به ایرادات شکلی و محتوایی قانون، خاطرنشان کرد: حمایت از تولید داخل باید با دو شاخص کیفی و کمی همراه شود. رقابت‌پذیری و کیفیت محصولات در حوزه کیفی و امکان تولید به تعداد موردنیاز از منظر کمی در قانون حداکثر استفاده از توان تولید دیده شده است. محمد زائری؛ رئیس مرکز بهبود کسب‌وکار اتاق ایران نیز، در این نشست با بیان اینکه قرار بود با تدوین و تصویب قانون حداکثر استفاده از توان تولید، دستگاه‌های تولیدی و حاکمیتی به استفاده از تولید داخل سوق بیابند، اظهار کرد: چون دولت قانون را به درستی اجرا نکرده است، تنها بخش خصوصی را با تکیه بر عدم ثبت سفارش و عدم تأمین و تخصیص ارز و سایر موضوعات به استفاده از ساخت داخل، اجبار کردیم. بنابراین شاهد دور شدن قانون از اهداف اولیه‌اش هستیم. او تأکید کرد: به نظر بخش‌خصوصی، قانون موردنظر در پروسه اجرا دچار آسیب شده است و از طریق شورای گفتگو این نواقص را دنبال خواهیم کرد. گفتنی است؛ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی و حمایت از کالای ایرانی و اصلاح آن در سال ۹۸ تصویب شد.

مدیر اکتشاف سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع‌معدنی

نخستین سکوی ملی داده‌محور اکتشافی رونمایی می‌شود

مدیر اکتشاف سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع‌معدنی، گفت: سامانه ملی هوشمند «تلفیق لایه‌های اطلاعات اکتشافی» با هدف هوشمندسازی پردازش داده‌های اکتشافی ایمیدرو به بهره‌برداری می‌رسد. به گزارش مناقصه‌مزایده به نقل از ایمیدرو، احمد فتاحی‌مجلج؛ اظهار داشت: طرح ایجاد سامانه هوشمند پردازش داده‌های اکتشافی ایمیدرو (ماینیدسو) در راستای توسعه فناورانه فرآیند اکتشاف با محوریت مدیریت اکتشاف، همکاری مدیریت پژوهش و فناوری و نیز نظارت مدیریت هوشمندسازی ایمیدرو توسط یک شرکت دانش‌بنیان داخلی از سال ۱۴۰۳ آغاز شد. احمد فتاحی‌مجلج؛ افزود: در این سامانه بر پایه هوش‌مصنوعی، همه داده‌های اکتشافی توسط الگوریتم‌های هوشمندسازی، با سرعت و کارایی مناسب، «پیش پردازش» و «پردازش» و در نهایت لایه‌های اطلاعات اکتشافی تولید می‌شود. پس از آماده‌سازی لایه‌های اطلاعاتی، تلفیق آن‌ها با یکدیگر در سامانه مذکور انجام و خروجی آن، به صورت نقشه‌های دوبعدی یا سه‌بعدی ارائه می‌شود. مدیر اکتشاف ایمیدرو، تصریح کرد: خروجی مورد نظر در دسترس کاربر قرار می‌گیرد به‌طوری که قبل از مرحله اکتشافی جدید، لایه‌های اطلاعاتی تلفیق‌شده، با تفسیر و تحلیل هوشمند به کمک کارشناس آمده و نقشه‌راه اکتشاف پهنه‌ها و محدوده‌ها را مشخص خواهد کرد. فتاحی‌مجلج؛ با اشاره به اینکه در اجرای طرح هوشمندسازی فرآیند اکتشاف، نخستین مرحله، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات پیشین، استانداردسازی و مطالعه و بررسی آن‌ها برای ایجاد دید جامع از منطقه مورد مطالعه است، اظهار داشت: بر این اساس، تلاش شده لایه‌های اطلاعاتی مورد نیاز سامانه این سامانه (ماینیدسو) شامل عکس‌های هوایی، تصاویر ماهواره‌ای و نقشه‌های زمین‌شناسی- توپوگرافی تهیه شده در مقیاس‌های مختلف فراهم شود. وی ادامه داد: از دیگر اطلاعات مورد نیاز سامانه مذکور، نقشه‌های مطالعات دورسنجی، نقشه‌های مطالعات ژئوفیزیک، مطالعات ژئوشیمی، دگرسانی‌ها، اطلاعات و نتایج بازدیدهای صحرایی نظیر مختصات جغرافیایی برداشت نمونه، تصاویر صحرایی تهیه شده و اطلاعات مربوط به برداشت‌های ساختاری منطقه است. مدیر اکتشاف ایمیدرو، خاطرنشان کرد: اطلاعات و نتایج حاصل از کلیه حفریات اکتشافی مانند ترانشه‌ها، چاهک‌ها، گمانه‌ها و تونل‌های اکتشافی از دیگر اطلاعات قابل بارگذاری در سامانه یاد شده است.

آگهی فراخوان شناسایی
شرکت‌های تولید کننده نمک خام ۱۰/۱۴۰۴/۰۰۸

نوبت دوم

شرکت پتروشیمی اروند

شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) در نظر دارد از طریق این آگهی نسبت به فرآخوان و شناسایی شرکت‌های تولید کننده نمک خام حداقل به میزان ۳۰۰/۰۰۰ تن، مطابق با مشخصات ذیل اقدام نماید:

SPECIFICATION	WASHED SALT	UNIT
SO4	0.09	%by wt
Ca	0.13	%by wt
Mg	0.04	%by wt
Mo	<1	ppm w/w
V	<1	ppm w/w
Al	2	ppm w/w
Ni	<1	ppm w/w
Co	<1	ppm w/w
Cr	<1	ppm w/w
Fe	1	ppm w/w
I	<1	ppm w/w
Sr	61	ppm w/w
Ba	<1	ppm w/w
Si	16	ppm w/w
Mn	<1	ppm w/w
Pb	<1	ppm w/w
Cd	<0.1	ppm w/w
B	5	ppm w/w
F	<1	ppm w/w
Insoluble	0.09	%by wt

لذا از شرکت‌های فعال در این زمینه دعوت می‌شود اسناد و مدارک ذیل را حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ به نشانی استان خوزستان، بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۳، کد پستی: ۶۳۵۶۱۷۸۷۳۴ امور حقوقی و پیمان‌ها شرکت پتروشیمی اروند تحویل نمایند:

الف- اساسنامه، آگهی تاسیس، پروانه فعالیت

ب- معرفی معدن یا دپو نمک

ج- سوابق اجرایی کار مشابه یا مرتبط با ذکر مبلغ قرارداد

د- رزومه علمی و فنی

ه- سوابق گواهی حسن انجام کار مشابه یا مرتبط با کار

و- معرفی نفر فنی (رابط) به همراه شماره تماس (موبایل)

۱) بر روی پاکت ارسال مدارک، موضوع و شماره فراخوان مندرج گردد.

۲) به پاکت‌های ارسالی که پس از تاریخ مندرج در آگهی تحویل گردد؛ ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳) متقاضیان در صورت نیاز به اطلاعات فنی بیشتر می‌توانند با شماره تلفن‌های: ۸۰-۵۲۱۲۷۲۷۹-۰۶۱ اداره عملیات کالا و انبارها و اطلاعات حقوقی با تلفن: ۵۲۱۲۶۴۷۲-۰۶۱ تماس حاصل نمایند.

۴) تصویرآگهی به همراه اطلاعات فنی از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir قابل ملاحظه می‌باشد.

شایان ذکر است این فراخوان صرفاً جهت شناسایی می‌باشد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۲

نوبت دوم

وزارت تعاون، رفاه اجتماعی و امنیت غذایی - صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر

صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان روستاییان و عشایر در نظر دارد مناقصه‌عمومی دو مرحله‌ای با موضوع واگذاری امور خدمات تنظیفات، اداره امور آبدارخانه، جابه جایی و بارگیری کلیه وسایل اداری و اجناس متفرقه و حمل و جابه جایی و غیره در ستاد مرکزی و ساختمان‌های اداری واقع در استان‌ها را به شماره ۲۰۰۴۰۹۳۲۰۹۰۰۰۰۰۲ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و گشایش پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس (WWW.Setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه:
روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ و سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:
تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

پایان مهلت ارائه پیشنهادات: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۲

زمان گشایش پاکت‌ها: ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تضمین شرکت در مناقصه: معادل ۱۷,۵۱۱,۲۷۵,۱۷۸ ریال می باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف:

آدرس: میدان هفت تیر، ابتدای خیابان بهار شیراز، جنب اداره پست سینا، پلاک ۱۷۰

تلفن تماس: ۸۴۶۸۰۰۰۰-۰۲۱ (داخلی‌های ۲۳۱۰،۲۱۶۱،۲۳۱۱،۲۳۲۶،۲۳۹۳)

اداره کل پشتیبانی (آقای پولادوند و جعفرپور)

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

EICO
مجتمع صنعتی اسفراین

نوبت اول

دبیر خانه کمیسیون معاملات مجتمع صنعتی اسفراین	
نوع فرآیند مناقصه: عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای	
شرح کلی موضوع مناقصه:	خرید ۸۰۰ تن کک صنعتی گرانوله (یکپارچه)
شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد ایران:	۲۰۰۴۰۰۱۴۶۹۰۰۰۰۱۷
آدرس سایت جهت برداشت متن اسناد مناقصه:	WWW.SETADIRAN.IR
آدرس سایت جهت مشارکت در مناقصه:	WWW.SETADIRAN.IR
مهلت زمانی برداشت اسناد مناقصه:	از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ ساعت ۱۷:۳۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ ساعت ۱۹:۰۰
مهلت زمانی ارسال پاسخ پیشنهادی:	از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ ساعت ۰۷:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ ساعت ۱۹:۰۰
تاریخ و ساعت گشایش پاکات پیشنهادی:	مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ ساعت ۰۹:۰۰
اعتبار پیشنهاد قیمت:	مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۱ ساعت ۱۹:۰۰
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:	۶,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال
شماره تماس جهت دریافت اطلاعات بیشتر:	۰۹۱۵۳۷۲۹۳۲۶-۳۷۲۱۷۴۳۷-۰۵۸ رئیس دبیرخانه کمیسیون معاملات جناب آقای مهدی کاوسی کوشکی
شماره تماس سامانه ستاد ایران (پشتیبانی):	۱۴۵۶-۰۲۱

پرداخت هزینه چاپ کلیه آگهی‌های مناقصه، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
توجه: مناقصه‌گرانی که قبلاً اسناد مناقصه را از طریق سامانه مذکور در موعد مقرر، برداشت کرده باشند.
می‌توانند پاسخ پیشنهادی خود را در سامانه ستاد ایران بارگذاری و در مناقصه مشارکت نمایند.

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی فراخوان مزایده عمومی

نوبت اول

سازمان جهاد کشاورزی استان تهران

سازمان جهاد کشاورزی استان تهران در نظر دارد ملکی با مشخصات ذیل را طبق مفاد اسناد این مزایده به اشخاص واجد شرایط از طریق اجاره واگذار نماید.

(مبالغ به ریال)

ردیف	عنوان پروژه	مبلغ برآورد پایه(ریال)	مدت اجرا	مبلغ تضمین(ریال)
۱	اجاره ۴ باب سوله واقع در شهرستان ورامین	۹,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲ ماه	۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰

محل و مهلت توزیع اسناد مزایده:
از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ لغایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ (شرح در پیوست اسناد ارائه شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت)

محل و مهلت دریافت پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد ایران: ساعت ۱۹:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰
در سامانه ستاد (شرح در پیوست اسناد ارائه شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت)

محل و تاریخ گشایش مزایده: ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ سالن جلسات شماره (۲) سازمان جهادکشاورزی استان تهران (شرح در پیوست اسناد ارائه شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت)

- تضمین معتبر مطابق آئین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲

تلفن دبیرخانه کمیسیون معاملات: ۸۱۱۲۲۵۲۵ و ۸۱۱۲۲۶۳۶

دبیرخانه کمیسیون معاملات سازمان جهاد کشاورزی استان تهران

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی مناقصه عمومی
همراه با ارزیابی کیفی
یک مرحله‌ای

نوبت اول

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران در نظر دارد مناقصات ذیل را با توجه به شرایط مندرج در اسناد از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	موضوع	شماره سامانه	میزان ضمانتنامه شرکت در مناقصه (ریال)
۱۴۰۴/۱۵۸	تامین نیروی انسانی حوزه مهندسی	۲۰۰۴۰۹۰۱۸۱۰۰۰۲۴۲	۱۸,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۴۰۴/۱۵۹	ارائه خدمات مشاور نظارت بر پروژه‌های سرمایه ای	۲۰۰۴۰۹۰۱۸۱۰۰۰۲۴۳	۹,۰۲۰,۰۰۰,۰۰۰

لذا از شرکت‌هایی که دارای صلاحیت به شرح اسناد می‌باشند دعوت به عمل می‌آید، از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ به شرح ذیل و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.

دریافت اسناد: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

تاریخ تحویل (عودت) اسناد:
مناقصه‌گران اسناد مناقصه را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ در سامانه ستاد بارگزاری و به صورت فیزیکی نیز به شرح اسناد تحویل دبیرخانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران (به نشانی تهران، میدان شهدا، خیابان ۱۷ شهریور شمالی، جنب مترو) تحویل نمایند.

تلفن های تماس: ۳۵۰۸۱۳۴۲- ۳۳۳۱۸۵۹۱ و نمابر ۳۳۳۴۹۰۴۸

تاریخ گشایش پاکت‌های پیشنهادی به منظور ارسال به کمیته فنی جهت ارزیابی کیفی:
ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ می‌باشد.

- به پیشنهادهای فاقد سپرده، مشروط، مخدوش، تحویل اسناد بعد از انقضای مدت، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- هزینه درج آگهی به عهده شرکت توزیع نیروی برق استان تهران می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

اطلاعات مناقصه از طریق پایگاه اطلاع رسانی مناقصات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به نشانی: HTTP://IETS.MPORG.IR/TENDERS.ASPX و پایگاه اطلاع رسانی شرکت توانیر به نشانی: HTTP://wamp.tavanir.org.ir/tender/main در دسترس می باشد.

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی تجدید مزایده

واحد شیراز

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز در نظر دارد آهن آلات مازاد بر نیاز که شامل بادبند و درب و پنجره قدیمی باشد را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

شرایط اختصاصی و اطلاعات کامل شرکت در مزایده:

۱- زمان تحویل مدارک و شرکت در مزایده:
از زمان درج آگهی در روزنامه به مدت هفت روز کاری

۲- آدرس محل بازدید اقلام مورد مزایده:
شیراز، خیابان قآانی شمالی؛ نبش منوچهری

۳- محل دریافت فرم و سایر اسناد شرکت در مزایده:
کیلومتر ۵ جاده شهر صدرا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ساختمان مرکزی، طبقه اول اداره اموال

۴- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره موبایل ۰۹۳۰۱۷۶۱۰۵۳ تماس بگیرید.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

روزنامه مناقصه مزایده - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

از بانک آینده تا آینده بانکداری در ایران

در اقتصادهای نوظهور، انحلال یک بانک معمولاً پایان یک داستان است. اما در ایران، انحلال بانک آینده آغاز روایتی جدید شد، روایتی که در آن، جامعه بلوغ خود را نشان داد، نهادهای نظارتی اقتدار خود را به اثبات رساندند و اعتمادی که سال‌ها فرسوده شده بود، بازسازی شد. به گزارش مهر، سعید سیفی؛ استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل راهبردی در یادداشت ارسالی، به رمزگشایی از پیام‌های راهبردی این رویداد تاریخی در نظام بانکی ایران و الزامات پایداری دستاوردهای مثبت آن پرداخته است.

سکوتی که فریاد زد؛ انحلال بانک آینده و نمایش بلوغ اقتصادی ایران

اول آبان سال ۱۴۰۴، به‌عنوان روزی خاص و تاریخی در نظام بانکی ایران ثبت شد. در این روز، محمدرضا فرزین؛ رئیس کل بانک‌مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در اظهاراتی کوتاه اما به یادماندنی، اعلام کرد که «بانک آینده دیگر وجود ندارد». این جمله به‌ظاهر ساده، پایان‌بخش فصلی از ناترازی‌های بانکی بود که سال‌ها سیستم مالی کشور را تحت فشار قرار داده بود. آنچه این رویداد را از سایر تجارب تاریخی بانکی ایران متمایز می‌کند، نه صرفاً خود اقدام انحلال و ادغام، بلکه واکنش عمومی به آن بود. برخلاف بحران‌های پیشین در نظام پولی بانکی ایران که با صف‌های طولانی سپرده‌گذاران نگران، تجمعات اعتراضی و حتی بسیج نیروهای انتظامی امنیتی همراه بود، این بار «آب از آب تکان نخورد». این سکوت، پیام‌های راهبردی‌ای دارد که می‌تواند مسیر آینده نظام پولی بانکی ایران را بازتعریف کند.

نخستین پیام؛ تکامل فرهنگ اقتصادی و بلوغ نهادی جامعه

واکنش آرام و منطقی شهروندان ایرانی به انحلال بانک آینده، روایت‌گر تحولی بنیادین است که اقتصاددانان نهادگرا از آن به‌عنوان «سرمایه اجتماعی اقتصادی» یاد می‌کنند. جامعه‌شناسان اقتصادی همچون رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که توسعه پایدار اقتصادی، نه‌تنها متکی بر نهادهای رسمی، بلکه مرهون فرهنگ اعتماد، عقلانیت جمعی و پذیرش قواعد بازی اقتصادی در سطح جامعه است. آنچه در واکنش به انحلال بانک آینده مشاهده کردیم، نشانه‌های بارزی از رشد و بلوغ نهادی جامعه ایرانی است. در واقع، انحلال بانک آینده، سکوتی بود که فریاد زد و بلوغ اقتصادی ایران را به نمایش گذاشت.

دومین پیام؛ بازیافت مشروعیت نهادی بانک‌مرکزی و حاکمیت پولی

یکی از چالش‌های جدی که نظام‌های بانکی در اقتصادهای در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند، خلأ مشروعیت نهادی است. بانک‌های مرکزی در این کشورها، اغلب با بحران اعتماد مواجه هستند؛ چراکه ذی‌نفعان اقتصادی، بارها شاهد ناتوانی این نهادها در اعمال نظارت مؤثر، جلوگیری از سوءاستفاده‌های بانکی و مدیریت بحران‌ها بوده‌اند. در ادبیات بانکداری مرکزی، این پدیده را فرسایش اعتبار نهادی می‌نامند که می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین موانع در مسیر اصلاحات ساختاری تبدیل شود. انحلال موفق بانک آینده بدون هیچ‌گونه بحران اجتماعی یا اقتصادی، در واقع نشانه‌ای از «بازیابی مشروعیت نهادی» بانک‌مرکزی است. این اقدام، سه پیام کلیدی را به بازیگران اقتصادی منتقل کرد. نخست، بانک‌مرکزی قادر است تصمیمات سخت اما ضروری را اتخاذ کند. دوم، این نهاد از ظرفیت فنی و اجرایی لازم برای مدیریت بحران‌های پیچیده بانکی برخوردار است و سوم، حمایت از سپرده‌گذاران و حفظ ثبات مالی، در رأس اولویت‌های سیاست‌گذاری پولی قرار دارد.

سومین پیام؛ اثبات امکان‌پذیری اصلاحات ساختاری با همراهی اجتماعی

یکی از مهم‌ترین معضلات اقتصاد سیاسی اصلاحات، پارادوکس «بهبود بلندمدت در برابر هزینه‌های کوتاه‌مدت» است. بسیاری از اصلاحات ساختاری که در بلندمدت به نفع اقتصاد و جامعه هستند، در کوتاه‌مدت ممکن است برای گروه‌هایی از ذی‌نفعان، هزینه‌های قابل‌توجهی به همراه داشته باشند. این امر، اغلب مقاومت‌های اجتماعی و سیاسی را برمی‌انگیزد که به شکست اصلاحات منجر می‌شود. رویداد انحلال بانک آینده، یک «اثبات مفهومی» برای امکان‌پذیری اصلاحات سخت در اقتصاد ایران است. این رویداد نشان داد که با فراهم‌سازی شرایط مناسب، اطلاع‌رسانی شفاف و تضمین حقوق ذی‌نفعان، می‌توان اصلاحاتی را که سال‌ها به دلیل ترس از واکنش‌های منفی به تعویق افتاده، به اجرا درآورد.

چهارمین پیام؛ بازتعریف رابطه دولت و نظام بانکی در مدیریت بحران‌ها

یکی از چالش‌های جدی که سال‌هاست نظام بانکی ایران را تهدید می‌کند، تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز و این سؤال است که آیا باید آن‌ها را با پول دولت نجات داد یا اجازه داد ورشکست شوند؟ این معضل در جهان با عنوان «بزرگ‌تر از آنکه ورشکست شود» شناخته می‌شود؛ یعنی زمانی که یک بانک آن‌قدر بزرگ است که ورشکستگی آن می‌تواند کل اقتصاد را به بحران بکشد، مسئولان ناچار می‌شوند با پول مردم آن را نجات دهند. تجربه جهانی نشان داده، سیاست «نجات همیشگی» عواقب خطرناکی دارد. وقتی بانک‌ها بدانند در هر شرایطی دولت به کمکشان می‌آید، دیگر انگیزه‌ای برای مدیریت درست و محتاطانه ندارند و به راحتی ریسک‌های غیرمنطقی می‌کنند. این پدیده را در علم اقتصاد «مخاطره اخلاقی» می‌نامند. بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ نیز دقیقاً از همین مسیر شکل گرفت.

ادغام در بانک ملی؛ محدودیت‌ها و الزامات

البته باید صادقانه اذعان کرد که تصمیم ادغام بانک آینده در بانک ملی، از سوی برخی کارشناسان و فعالان بازار سرمایه با تردید و حتی انتقاد مواجه شده است. این گروه معتقدند که ادغام یک بانک ورشکسته در یک بانک دولتی سالم، در واقع انتقال بار ناترازی به دوش دولت و در نهایت مردم است و راه‌حل بهتر این بود که بانک آینده به‌طور کامل منحل شود، دارایی‌هایش تصفیه گردد، و فقط، سپرده‌ها از طریق صندوق تضمین پرداخت شود. این نقد، از منظر تئوریک کاملاً وجاهت دارد. در نظام‌های بانکی پیشرفته، معمولاً بانک‌های ورشکسته وارد فرآیند «تصفیه نظام‌مند» می‌شوند؛ یعنی دارایی‌هایشان فروخته می‌شود، بدهی‌ها تا حد امکان تسویه می‌گردد، و مابقی از محل صندوق بیمه سپرده‌ها پوشش داده می‌شود. این رویکرد، از بروز مخاطره اخلاقی جلوگیری می‌کند و پیام روشنی را به بازار می‌فرست، «ورشکستگی عواقب واقعی دارد».

پنجمین پیام، تقویت برند «قابل اتکاء بودن» نظام پولی ایران در عرصه خارجی

در دنیای امروز، نظام‌های پولی و بانکی نه‌تنها در سطح داخلی، بلکه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز رقابت می‌کنند. برند ملی یک نظام بانکی، نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل تجارت بین‌المللی و ایجاد اعتماد در بازارهای مالی منطقه‌ای دارد. از منظر راهبردی، انحلال موفق بانک آینده می‌تواند به یکی از پشتوانه‌های دیپلماسی اقتصادی ایران تبدیل شود. در شرایطی که کشور در حال بازتعریف روابط اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود می‌باشد، نشان دادن توانمندی در مدیریت بحران‌های داخلی، می‌تواند به افزایش اعتماد شرکای تجاری و سرمایه‌گذاران منطقه‌ای کمک کند.

ششمین پیام، الگوی جدید همکاری میان‌بخشی در مدیریت بحران

یکی دیگر از پیام‌های مهم انحلال بانک آینده، نقش «همکاری میان‌نهادی» در موفقیت این عملیات است. مدیریت موفق یک بحران بانکی، نیازمند هماهنگی دقیق میان بانک‌مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان بورس، صندوق تضمین سپرده‌ها و سایر نهادهای ذی‌ربط است. در بسیاری از تجربه‌های قبلی، فقدان هماهنگی میان‌نهادی، به یکی از موانع اصلی در مدیریت بحران‌های بانکی تبدیل شده بود. اما در مورد بانک آینده، به نظر می‌رسد یک پروتکل همکاری مؤثر میان نهادهای مختلف شکل گرفته بود که امکان انجام سریع، هماهنگ و بی‌دردسر عملیات را فراهم کرد. این الگو می‌تواند برای مدیریت سایر بحران‌های احتمالی در نظام مالی، الگویی قابل تکرار باشد. از منظر تئوری مدیریت بحران، وجود یک دستورالعمل استاندارد برای مواجهه با بانک‌های ناتراز، می‌تواند به کاهش زمان واکنش، افزایش اثربخشی تصمیمات و کاهش هزینه‌های اجتماعی بحران، کمک کند.

هفتمین پیام، گذر از رویکرد «اجتناب از درد» به «مدیریت هوشمند تحول»

یکی از مشکلات مزمن اقتصاد ایران، گرفتار شدن در دام «اجتناب از تصمیمات دشوار» بوده است. سیاست‌گذاران، به دلیل ترس از واکنش‌های منفی اجتماعی یا سیاسی، اغلب از انجام اصلاحات ساختاری لازم طفره می‌رفتند و این امر به انباشت مشکلات و بحران‌های عمیق‌تر منجر می‌شد. انحلال بانک آینده، نشان‌دهنده تغییر رویکرد از «اجتناب از درد» به «مدیریت هوشمند تحول» است. سیاست‌گذاران دریافته‌اند که تعویق در مواجهه با بانک‌های ناتراز، تنها به افزایش هزینه‌های آتی منجر می‌شود. این درک، می‌تواند به تغییر پارادایم در سیاست‌گذاری اقتصادی منجر شود.

چشم‌انداز راهبردی؛ از رویداد تا سیاست

انحلال بانک آینده، فراتر از یک رویداد مدیریتی، یک آزمایش اجتماعی اقتصادی بود که نتایج آن می‌تواند سرفصل جدیدی در سیاست‌گذاری پولی و بانکی ایران بگشاید. اما برای اینکه این موفقیت موقتی به یک تحول پایدار تبدیل شود، مسئولان نظام پولی و بانکی کشور باید اقداماتی راهبردی را در دستور کار قرار دهند.

هشداری ضروری؛ نقد نهادی را با نفی بخش خصوصی اشتباه نگیریم

در پایان این بحث، لازم است به یک نکته حساس و راهبردی نیز اشاره کنیم که ممکن است در سایه تحلیل‌های فنی و نقدهای کارشناسی، مغفول بماند. نقد عملکرد و اصلاح ساختار بانک آینده با همه ابهامات و کاستی‌هایش، یک ضرورت حرفه‌ای و قانونی است که هیچ کارشناس و سیاست‌گذار مسئولی نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند اما نباید اجازه دهیم از دل این نقد مشروع، پیامی علیه اصل بانکداری خصوصی و مشارکت بخش‌خصوصی در نظام مالی کشور بیرون بیاید. انحلال بانک آینده، بیش از آنکه پایان یک داستان باشد، آغاز یک روایت جدید است. این رویداد، آیینه‌ای بود که چهره جدید جامعه ایرانی را نشان داد، جامعه‌ای که از تجربیات تلخ گذشته آموخته، عقلانیت اقتصادی را درونی کرده و آمادگی همراهی با اصلاحات ضروری را دارد. از سوی دیگر، این رویداد، ظرفیت بالقوه نهادهای نظارتی کشور را برای اتخاذ تصمیمات شجاعانه و مدیریت هوشمند بحران‌ها به نمایش گذاشت. برای جلوگیری از این تفسیر نادرست، سیاست‌گذاران باید چند اقدام راهبردی انجام دهند؛

اولاً، در تمام بیانیه‌ها و گزارش‌های رسمی، تأکید شود که مشکل بانک آینده، نه ناشی از خصوصی بودن، بلکه ناشی از ضعف در حاکمیت شرکتی، نظارت ناکافی و عدم رعایت استانداردها بوده است. این تفکیک، بسیار حیاتی است.

ثانیاً، به‌موازات برخورد با بانک‌های ناتراز، باید از بانک‌ها و مؤسسات مالی خصوصی سالم و موفق تقدیر و حمایت شود. رسانه‌ها باید نمونه‌های موفق بانکداری خصوصی را نیز به نمایش بگذارند تا تصویر متعادلی از این بخش ارائه شود.

ثالثاً، در اصلاحات آتی، باید مسیر ورود جدی و حرفه‌ای بخش خصوصی به بانکداری هموارتر شود. ایجاد الزامات سخت‌گیرانه برای صدور مجوز، نظارت مستمر و حرفه‌ای و در عین حال، حمایت از بانک‌هایی که استانداردها را رعایت می‌کنند، می‌تواند کیفیت کلی بانکداری خصوصی را ارتقا دهد.

رابعاً، باید فرهنگ "پاسخگویی" جایگزین فرهنگ "مداخله و سرکوب" شود. زمانی که یک بانک خصوصی با مشکل مواجه می‌شود، مدیران و سهامداران اصلی باید پاسخگو باشند، نه اینکه به سادگی، بانک متخلف، دولتی شود و همه مسائل و چالش‌های ایجاد شده فراموش شود. پیگرد قانونی متخلفان، نه تنها عدالت را برقرار می‌کند، بلکه بازدارنده‌ای برای آیندگان است.

خامساً، در گفتمان عمومی و رسانه‌ای، باید مراقب بود که انحلال بانک آینده به یک ضدیت با بخش خصوصی تبدیل نشود. اصلاح‌طلبان اقتصادی و رسانه‌های مستقل، نقش مهمی در شکل‌دهی به این گفتمان دارند و باید با دقت و مسئولیت، مرز میان نقد مشروع و تخریب بخش خصوصی را حفظ کنند.

جمعبندی؛ از لحظه تاریخی تا تحول پایدار

انحلال بانک آینده، بیش از آنکه پایان یک داستان باشد، آغاز یک روایت جدید است. این رویداد، آیینه‌ای بود که چهره جدید جامعه ایرانی را نشان داد، جامعه‌ای که از تجربیات تلخ گذشته آموخته، عقلانیت اقتصادی را درونی کرده و آمادگی همراهی با اصلاحات ضروری را دارد. از سوی دیگر، این رویداد، ظرفیت بالقوه نهادهای نظارتی کشور را برای اتخاذ تصمیمات شجاعانه و مدیریت هوشمند بحران‌ها به نمایش گذاشت. اما چالش اصلی، تبدیل این موفقیت موقت به یک الگوی پایدار است. تاریخ پر است از لحظات امیدبخش که به دلیل فقدان پیگیری، نهادینه‌سازی و توسعه ظرفیت‌ها، به فرصت‌های از دست رفته تبدیل شده‌اند. اکنون زمان آن رسیده که مسئولان نظام پولی و بانکی ایران با درک عمیق پیام‌های این رویداد خاص و به یاد ماندنی، برنامه‌ای جامع و بلندمدت برای تحول بنیادین نظام بانکی کشور تدوین و اجرا کنند. در این مسیر، سه اصل باید همواره مدنظر باشد، "شفافیت" به عنوان پایه اعتماد، "کارشناسی" به عنوان راهنمای تصمیم‌گیری و "پاسخگویی" به عنوان تضمین‌کننده تداوم اصلاحات. اگر این سه اصل در کانون سیاست‌گذاری‌های آتی قرار گیرد، انحلال بانک آینده نه به عنوان یک رویداد خاص و تکرار نشدنی، بلکه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ نظام پولی و بانکی ایران به یاد خواهد ماند. از نگاه راهبردی می‌توان گفت، جامعه ایران نشان داد که آماده تحول است و نهادهای نظارتی نیز نشان دادند که توان اجرای اصلاحات را دارند. اکنون نوبت تبدیل این همگرایی موقت به یک همراهی پایدار است که بتواند نظام بانکی ایران را از وضعیت فعلی به جایگاهی شایسته و بایسته در منطقه و جهان ارتقا دهد. مسیر دشوار است، اما همان‌طور که تجربه بانک آینده نشان داد، غیرممکن نیست و تنها نیازمند اراده، برنامه‌ریزی دقیق و همراهی همه ذی‌نفعان است.

شاخص بورس وارد کانال ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار واحد شد

شاخص کل بورس در نیمه نخست معاملات دیروز (دوشنبه)، با رشد ۲۴ هزار واحدی از تراز سه‌میلیون و ۱۰۰ هزار واحد عبور کرد. به گزارش ایرنا، شاخص کل بورس تهران در نیمه نخست معاملات دوشنبه پنجم آبان رشد ۲۴ هزار واحدی داشت و به تراز سه‌میلیون و ۱۰۸ هزار واحد رسید؛ بعضی کارشناسان بازارسرمایه معتقدند عواملی چون ثبات در نرخ ارز در بازارهای غیررسمی و پیش‌بینی تداوم ثبات آن و نیز کاهش قیمت انس جهانی طلا و ادامه نزولی بودن آن در برخی پیش‌بینی‌های جهانی زمینه‌ساز این رشد بوده است. همچنین صدور مجوز عرضه ارز برگشت از صادرات برخی شرکت‌های بورسی فلزی و فرآورده‌های نفتی در تالار دوم مرکز مبادله و بازدهی مناسب مهر ماه بازارسرمایه نسبت به سایر بازارها، عامل اقبال سهامداران حقیقی به خرید و فروش سهام و سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه به‌شمار می‌رود هرچند گلدمن‌ساکس همچنان بر تداوم رشد قیمت جهانی طلا اصرار دارد. نمادهای با بیش‌ترین حجم معاملات شامل وبملت، خودرو، خساپا، فملی، شستا، فولاد و ذوب است. نمادهای وبملت، خودرو و خساپا به تدریج سمت فروش سهام آن‌ها از «خرید» در حال پیشی گرفتن از سمت «فروش» بوده و ارزش سهام این نمادها با افت اندک همراه است. شاخص فرابورس نیز با رشد ۹۵ واحدی به تراز ۲۷ هزار و ۳۷۴ واحد رسید.

۳۷ هزار میلیارد تومان مبادله اوراق بهادار و کالا در ۴ بورس ایران

داده‌های مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد؛ در روز یک‌شنبه ۴ آبان ۱۴۰۴ مجموع ارزش معاملات بورس تهران و فرابورس شامل: سهام و حق تقدم، صندوق‌های سهامی و مختلط، اختیار معامله و صندوق‌های طلای بورس کالا و هم‌چنین مبادلات انجام شده در بازارهای فیزیکی بورس‌های کالا و انرژی به ۳۷ هزار و ۳۹۸ میلیارد تومان رسید. به گزارش سنا، براساس داده‌های مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار در روز یک‌شنبه ۴ آبان شاخص کل بورس ۰.۸ درصد، شاخص کل(هم‌وزن) ۰.۸ درصد، شاخص قیمت ۰.۸ درصد و شاخص کل فرابورس ۰.۸ درصد رشد داشتند.

ارزش معاملات

داده‌های مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد؛ مجموع ارزش معاملات سهام و حق تقدم بورس تهران و فرابورس در روز یک‌شنبه به ۹ هزار و ۵۱ میلیارد تومان رسید. در این روز مجموع ارزش معاملات صندوق سهامی و مختلط در بازارهای مزبور یک‌هزار و ۱۱۰ میلیارد تومان و ارزش مبادلات اختیار معامله هم ۷۴۸ میلیارد تومان بود. مجموع ارزش معاملات صندوق‌های طلای بورس کالا نیز به ۵ هزار و ۴۱۶ میلیارد تومان رسید.

ورود و خروج پول حقیقی

بر پایه این گزارش ورود پول به صندوق درآمد ثابت یک هزار میلیارد تومان، سهام ۹۲۷ میلیارد تومان و اختیار ۴۳ میلیارد تومان بود. هم‌چنین خروج پول از، صندوق سهامی و مختلط ۳۰۳ میلیارد تومان و صندوق‌های طلا ۴۰۶ میلیارد تومان بود.

افزایش سرمایه ۹۷ درصدی بانک ملت به ثبت رسید

بانک ملت از ثبت افزایش سرمایه ۹۷ درصدی این بانک در مرجع ثبت شرکت‌ها خبر داد. به گزارش مناقصه‌مزایده به نقل از روابط‌عمومی بانک ملت، افزایش سرمایه این بانک از ۱,۲۱۰ هزار میلیارد ریال به ۲,۳۷۸ هزار میلیارد ریال در تاریخ دوشنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۴ در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت رسید. این گزارش حاکی است، افزایش سرمایه ۹۷ درصدی بانک ملت به مبلغ ۱,۱۶۸ هزار میلیارد ریال از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها پیش از این در مجمع عمومی فوق‌العاده این بانک در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۴۰۴ به تصویب سهامداران رسیده بود.

آگهی حراج فروش

ماشین‌های اسقاطی

اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران در نظر دارد حراج فروش ماشین‌های اسقاطی در انبار مهرآباد (براساس تعداد و شرایط مندرج در اسناد) را از طریق برگزاری حراج آنلاین با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir با شماره حراج ۳۰۰۳۰۰۳۰۷۹۰۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی واگذار نماید.

زمان انتشار در سایت: مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ ساعت ۰۸:۳۰

تاریخ بازدید: مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ از ساعت ۰۸:۰۰ تا ساعت ۱۵:۰۰

زمان برگزاری: مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ از ساعت ۰۸:۰۰ تا ساعت ۱۲:۰۰

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می‌باشد:

۱- برگزاری حراج صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد.

۲- کلیه اطلاعات موارد حراج شامل مشخصات مورد حراج در برد اعلان عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.

۳- علاقمندان به شرکت در حراج می بایست جهت ثبت نام با شماره ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه ستاد ایران: ۱۴۵۶

اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

تجدید مناقصه عمومی

تامین یک دستگاه دیزل ژنراتور KVA275 با برند COMMINS، به شرح مندرج در اسناد مناقصه

گروه صنایع سیمان کرمان (شرکت سهامی عام) در نظر دارد نسبت به تامین یک دستگاه دیزل ژنراتور KVA275 با برند COMMINS، به شرح مندرج در اسناد مناقصه و از طریق برگزاری تجدید مناقصه‌عمومی اقدام نماید.

لذا از کلیه اشخاص حقوقی محترم که دارای صلاحیت و امکانات لازم می‌باشند دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد و فرم شرایط شرکت در مناقصه، به سایت سیمان کرمان به نشانی www.kcig.ir مراجعه و پاکات مربوطه را تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ در پاکات دربسته در ساعت اداری به واحد تدارکات کرمان و یا دفتر تهران تحویل نمایند.

آدرس دفتر تهران: خیابان آفریقا، کوچه فرزان شرقی، پلاک ۳

شماره تماس: ۸۸۸۷۹۴۲۱-۰۲۱ داخلی ۱۳۹

آدرس کارخانه: کرمان، کیلومتر ۱۷ جاده تهران

گروه صنایع سیمان کرمان (سهامی عام)

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عمومی

نوبت اول

با اخذ سپرده

شرکت پالایش نفت بندرعباس سهامی عام

درخواست شماره:

RHP -7302505644 -T26

موضوع آگهی:

ساخت EXPANSION JOINT

برای کسب اطلاعات بیشتر به‌سایت این شرکت

WWW.BAORCO.IR

مراجعه نمایید.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عمومی

نوبت اول

با اخذ سپرده

شرکت پالایش نفت بندرعباس سهامی عام

درخواست شماره:

RHP- 0022105019 -T29

موضوع آگهی:

ساخت BOX Burner

برای کسب اطلاعات بیشتر به‌سایت این شرکت

WWW.BAORCO.IR

مراجعه نمایید.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی

(ارزیابی کیفی – به صورت یک مرحله‌ای)

نوبت اول

شرکت فاضلاب تهران

شرکت فاضلاب تهران در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرح زیر را از محل اعتبارات جاری و با رعایت آئین نامه معاملات شرکت‌های آب و فاضلاب از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت فاضلاب تهران، تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان اندیشه، نبش اندیشه ششم، **تلفن:** ۸۸۴۳۵۹۶۱-۰۲۱ و **فکس:** ۸۸۴۰۹۱۹۴-۰۲۱

ردیف	عنوان مناقصه	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	شماره مناقصه	مهلت دریافت اسناد ساعت ۱۰:۰۰	مهلت ارائه پیشنهاد ساعت ۱۰:۰۰	تاریخ گشایش پاکات ساعت ۱۱:۰۰
۱	برونسپاری نیروی انسانی مورد نیاز جهت بهره برداری از تصفیه خانه‌های فاضلاب و خطوط اصلی انتقال فاضلاب شرکت فاضلاب تهران	۲۱,۵۴۳,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۰۴۰۰۵۴۲۰۰۰۰۰۷۲	۱۴۰۴/۰۸/۱۳	۱۴۰۴/۰۸/۱۳	۱۴۰۴/۰۸/۲۷

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:

شرکت کننده می‌بایستی تضمین شرکت در مناقصه خود را به صورت ضمانتنامه بانکی و یا به صورت فیش نقدی در وجه شرکت فاضلاب تهران به شماره حساب ۱۲۲۹۹۴۸۰۷۲ نزد بانک ملت شعبه شریعتی کد ۶۸۲۹۶ واریز نماید و بایستی اصل تضمین (پاکت الف) در پاکت دربسته در مهلت مقرر به دبیرخانه شرکت فاضلاب تهران تسلیم گردد. یا از طریق مطالبات قطعی تایید شده در امور مالی (به استناد مجوز شماره ۹۷/۱۰۰/۲۵۸۴۳ مورخ ۹۷/۱۲/۱۱ مدیریت عامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور)

■ به پیشنهادات فاقد مهر و امضاء ،مشروط ،مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

■ ضمناً هزینه چاپ آگهی به عهده کارفرما می‌باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی http://iets.mporg.ir – www.setadiran.ir – http://ts.tpww.ir مراجعه نمایند.

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

مناقصه عام

شرکت مخابرات ایران منطقه سیستان و بلوچستان (سهامی عام)

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ تضمین (به ریال)
۱	۱۴۰۴/۰۲	ارائه خدمات نگهداری و پشتیبانی فنی امور شبکه میدانی زاهدان و شهرستان‌ها تابعه استان و توابع آنها، شامل (شبکه کابل هوائی فیبر نوری ftth تلفن همگانی -MDF–واگذاری خطوط –مراکز کم ظرفیت و امور تاسیسات) مطابق با آئین نامه ها و دستورالعمل‌های فنی و استانداردهای اجرای شرکت مخابرات ایران	۳۵,۱۷۹,۰۰۰,۰۰۰

مهلت تهیه اسناد: از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۴

گشایش پاکات: ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تضمین: شرکت در مناقصه به شرح فوق و به صورت ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده و یا واریز نقدی به حساب شبا ۳۶۰۱۲۱۳۰۰۲۸۶۹۲۹۹۷۴۰۱ نزد پست بانک ایران به نام مخابرات ایران – منطقه سیستان و بلوچستان

شرط تهیه اسناد: کلیه شرکت‌های واجد شرایط با واریز به مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای هر مناقصه به حساب جاری شماره ۳۶۰۱۲۱۳۰۰۲۸۶۹۲۹۹۷۴۰۱ نزد پست بانک واریز و درمناقصه شرکت نمائید.

محل تهیه اسناد: زاهدان، خیابان دانشگاه، میدان پاسداران، مخابرات منطقه سیستان و بلوچستان، اداره پشتیبانی و تدارکات،

فکس: ۳۱۱۱۸۷۳۱-۰۵۴ ، **تلفن تماس:** ۳۱۱۱۸۰۸۸-۰۵۴

مخابرات منطقه سیستان و بلوچستان

روزنامه مناقصه - ۴۴۸۰ - ۰۴/۰۸/۰۶

روزنامه مناقصه مزایده
■ امتیاز روزنامه در طرح رتبه‌بندی، ۴۸ ■

صاحب امتیاز: مؤسسه روزنامه مناقصه مزایده
مدیر مسؤول: جلیل قنادزاده ■ سردبیر و مدیر عامل: علی قره‌داغلی
نشانی: تهران، خیابان کریم‌خان‌زند، خیابان ایرانشهر شمالی، روبه‌روی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، پلاک ۲۳۴، طبقه ۲، واحد ۴، تلفن: ۲-۸۸۴۷۵۷۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۰۹۰۲۲۵۴۲۴۳۸ ، ۰۹۰۲۸۸۴۷۵۷۹
لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه صمیم (جاده مخصوص کرج، کیلومتر ۱۶)، توزیع: شرکت نشر گستر امروز نوین

چاپ مقالات و نظرات در این نشریه به معنای تأیید یا رد آن مطالب نبوده و «مناقصه‌مزایده» دارای مشی مستقل خود می‌باشد.

■ رایانگار سردبیر: mozayedeh@gmail.com ■ رایانگار تحریریه: emonaqeseh1@gmail.com ■ رایانگار سازمان آگهی‌ها: emonaqeseh5@gmail.com ■ رایانگار مدیر اجرایی: emonaqeseh@gmail.com

فصلنامه قانون‌نامه
خرید اشتراک ویژه در سایت
Qanoonnameh.ir
شما به راحتی می‌توانید در این نشریات موضوعات مورد نظر خود را جستجو کنید

مدیرعامل شرکت ملی گاز

۹۰ درصد از مشترکان به هیچ‌وجه تحت‌تأثیر افزایش قیمت قرار نخواهند گرفت

گروه انرژی | مناقصه مزایده

مدیرعامل شرکت ملی گاز، با بیان اینکه هدف اصلی از اصلاح تعرفه‌ها افزایش درآمد نیست، بلکه بازتوزیع منطقی مصرف و کاهش ناترازی انرژی در بخش خانگی است، گفت: ۹۰ درصد از مشترکان کشور به هیچ‌وجه تحت‌تأثیر افزایش قیمت قرار نخواهند گرفت. به گزارش مناقصه‌مزایده، سعید توکلی؛ در جمع خبرنگاران، درخصوص نحوه اعمال تعرفه‌های اصلاح‌شده گاز، افزود: اجرای کامل بسته عدالت‌محور اصلاح تعرفه‌ها که تمرکزش نه بر درآمد دولت، بلکه بر مهار شدت مصرف انرژی و هدایت منابع به سمت اقشار آسیب‌پذیر است. وی یادآور شد: هدف اصلی از اصلاح تعرفه‌ها افزایش درآمد نیست، بلکه بازتوزیع منطقی مصرف و کاهش ناترازی انرژی در بخش خانگی است. توکلی؛ توضیح داد: ۸۸ تا ۹۰ درصد از مشترکان کشور به هیچ‌وجه تحت‌تأثیر افزایش قیمت قرار نخواهند گرفت، چون مصرف‌شان در الگوی استاندارد تعریف‌شده می‌گنجد. حتی براساس قبض‌های مهرماه، ۷۶ درصد مردم کمتر از ۱۰ هزار تومان هزینه گاز پرداخت کرده‌اند. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، یکی از مهم‌ترین بخش‌های مصوبه را کاهش پلکان‌های مصرف از ۱۲ پله به چهار پله استاندارد جهانی دانست؛ مدلی که موجب می‌شود رفتار مصرف‌کننده شفاف‌تر و قابل اندازه‌گیری باشد و گفت: در این تغییر، دودرصد از جمعیت کشور که در پله چهارم قرار دارند مصرف‌کنندگان پرمصرف و دارای زیرساخت‌های با مصرف بسیار بالا، مشمول پرداخت بیشتری خواهند بود. وی خاطرنشان کرد: این افراد اغلب خانه‌های دوم دارند، اقامتگاه‌های کاری یا شخصی موقت و حتی استخر و تجهیزات گرمایی خارج از مقررات مبحث ۱۹ ساختمان. توکلی؛ با بیان اینکه در بخش اقلیم نیز یک بازنگری جدی اتفاق افتاده است؛ اعلام کرد: تعداد اقلیم‌ها که پیش‌تر پنج منطقه کلی بود، اکنون به یک‌هزار و ۳۰۰ منطقه حرارتی مستقل افزایش یافته است. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، گفت: پنج اقلیم برای کشوری با تنوع آب‌وهوایی ایران بی‌عدالتی بود. حالا هر شهر براساس میانگین درجه حرارت چند سال اخیر خودش ضریب مصرف و تعرفه مخصوص دارد. وی ادامه داد: مصوبه اصلاح الگوی مصرف مصوبه هیئت وزیران، دستگاه‌های دولتی را موظف کرده است تا حداقل ۲۰ درصد کاهش مصرف نسبت به سال ۱۴۰۱ ثبت کنند. همچنین رعایت دمای ۲۰ درجه سانتی‌گراد در فصل سرد به‌عنوان دستورالعمل ثابت ابلاغ شده است. توکلی؛ تأکید کرد: اگر شهروندان احساس کنند دمای اداره‌ای از حد مجاز بالاتر رفته، می‌توانند از طریق شماره ۱۹۴ مرکز تماس شرکت ملی گاز ایران موضوع را گزارش دهند تا مورد پیگیری قرار گیرد. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، درباره اینکه آیا اصلاح تعرفه‌ها، درآمدی برای دولت یا شرکت ملی گاز ایجاد می‌کند، اذعان داشت: هیچ‌یک از این اصلاحات برای افزایش درآمد دولت طراحی نشده است. طبق قانون، تمام درآمد حاصل از این تغییرات به نزدیک به ۵۰۰ هزار خانوار تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد اختصاص می‌یابد. وی توضیح داد: شرکت ملی گاز به‌عنوان مجری مصوبه عمل می‌کند و وجوه مربوط به هدفمندی و ناشی از صرفه‌جویی و مدیریت مصرف، به‌طور مستقیم در بودجه‌های حمایتی ثبت می‌شود، نه در تراز شرکت. توکلی؛ با اشاره به برنامه‌های در دست اجرا برای بهینه‌سازی مصرف و بهره‌وری انرژی، یادآور شد: تاکنون ۶۸ طرح مرتبط در حوزه هوشمندسازی و اصلاح ساختار مصرف گاز تعریف شده است. وی افزود: یکی از چالش‌های جدی ما، فقدان تحلیل داده دقیق و سیستماتیک در این حوزه است که در بسته جامع جدید شرکت ملی گاز برای رفع آن برنامه‌ریزی کرده‌ایم. مدیرعامل شرکت ملی گاز، اعلام کرد: در برنامه هفتم توسعه، ۴۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های بخش انرژی پیش‌بینی شده است. تلاش کرده‌ایم ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش داده و تقسیم کنیم تا جذابیت و اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ایجاد شود. مدیرعامل شرکت ملی گاز، از تأمین و آماده‌سازی یک‌میلیون و ۷۲۵ هزار بخاری جدید برای جایگزینی با بخاری‌های فرسوده خبر داد و گفت: این اقدام بخشی از برنامه‌های نوسازی و بهینه‌سازی مصرف در بخش خانگی است. توکلی؛ خاطر نشان کرد: در بخش اداری، حدود ۱۱۱ هزار موتورخانه عمومی اصلاح و بهینه‌سازی شده‌اند تا مصرف انرژی در دستگاه‌های دولتی کاهش یابد. بسته اصلاح تعرفه‌ها نیز در گام نخست، خود دولت را هدف قرار داده تا از درون ساختار اجرایی کشور صرفه‌جویی آغاز شود. وی با اشاره به جایگاه ایران در تولید گاز، اضافه کرد: ما سومین تولیدکننده گاز دنیا هستیم، اما متأسفانه از بدمصرف‌ترین کشورهای جهان نیز محسوب می‌شویم. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، میزان مصرف گاز را در بخش‌های مختلف چنین برشمرد و توضیح داد: بین ۳۰ تا ۳۶ درصد در صنایع، ۲۵ درصد در بخش خانگی، هفت‌درصد در حمل‌ونقل و ۳۰ تا ۳۵ درصد در پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها. وی ادامه داد: هر میزان صرفه‌جویی در بخش خانگی، موجب انتقال سهم بیشتری از گاز به بخش‌های صنعتی و پتروشیمی می‌شود و در نتیجه بهره‌وری اقتصادی افزایش می‌یابد. مدیرعامل شرکت ملی گاز، همچنین از وضعیت مناسب ذخایر سوخت خبر داد و گفت: ذخیره‌سازی گاز در مخازن سراجه و شوریجه در بهترین شرایط تاریخی قرار دارد. علاوه بر آن، ذخایر سوخت مایع نیز در سطحی استثنایی است. این نتیجه مدیریت مصرف، کاهش زمان تعمیرات نیروگاه‌ها و همکاری میان شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت است. وی تأکید کرد: هدف اصلی شرکت ملی گاز در سال جاری جبران ناترازی انرژی از مسیر صرفه‌جویی و هدایت گاز بیشتر به صنایع مولد است؛ همان مسیری که می‌تواند امنیت انرژی ایران را پایدارتر سازد و پشتیبان رشد تولید صنعتی باشد. توکلی؛ در بخش سیاست خارجی انرژی، اعلام کرد: هیچ‌گاه مذاکرات انرژی با کشورهایی چون ترکمنستان و روسیه قطع نشده است و در حوزه دیپلماسی انرژی، استمرار اصل کار است. ما در حال مذاکره مستمر برای واردات و صادرات و ایجاد هم‌افزایی منطقه‌ای هستیم؛ چون نگاه مشترکی در امنیت گازی منطقه وجود دارد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی عنوان کرد

ظرفیت بالای صنعت پتروشیمی در جذب سرمایه‌گذاری

معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، گفت: صنعت پتروشیمی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ایجاد ارزش‌افزوده در کشور است و ظرفیت بالایی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی دارد. به گزارش مناقصه‌مزایده، حسن عباس‌زاده؛ در دومین همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، گفت: صنعت پتروشیمی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ایجاد ارزش‌افزوده در کشور است و ظرفیت بالایی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی دارد. وی افزود: از ابتدای توسعه این صنعت تاکنون، حدود ۹۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام شده و ظرفیت نصب‌شده کشور در بخش پتروشیمی به حدود ۱۰۰ میلیون تن رسیده است. در برنامه هفتم توسعه هدف‌گذاری شده این ظرفیت به ۱۳۱ میلیون تن افزایش یابد. معاون وزیر نفت، با اشاره به ضرورت اصلاح فرآیندهای سرمایه‌گذاری، گفت: چند موضوع می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی کمک کند. نخست، طولانی بودن فرآیندهای اداری و دریافت مجوزهاست. بخش‌خصوصی واقعی تمایل دارد سرمایه خود را در جایی به‌کار گیرد که بازگشت سرمایه در زمان کوتاه‌تری اتفاق بیفتد، اما طولانی بودن روند صدور مجوزها در دستگاه‌های مرتبط، موجب بی‌میلی سرمایه‌گذاران به حضور در این بخش می‌شود و آن‌ها را به سمت حوزه‌های دیگر مانند ساختمان سوق می‌دهد. وی افزود: دومین موضوع، ثبات قوانین و مقررات است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید به‌گونه‌ای تصمیم‌گیری کنند که قوانین از پایداری کافی برای بازگشت سرمایه برخوردار باشند. همچنین در برخی موارد نیاز به اصلاح یا بازنگری در قوانین فعلی وجود دارد و اگر مجلس در این زمینه از سرمایه‌گذاران حمایت کند، می‌تواند بسیار اثربخش باشد. عباس‌زاده؛ با تأکید بر اهمیت افزایش سهم بخش‌خصوصی، گفت: از حدود ۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این بخش، تنها ۱۵ درصد آن سرمایه‌گذاری واقعی بوده است. برای تسریع در پیشرفت طرح‌ها، باید حضور بخش‌خصوصی واقعی در صنعت پتروشیمی افزایش یابد. وی در پایان، خاطرنشان کرد: در افق ۱۰ ساله، ۴۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای اجرای ۴۶ طرح جدید پتروشیمی پیش‌بینی شده است. مجوزهای لازم از جمله آمایش سرزمین، محیط‌زیست، زمین و سرمایه‌گذار آماده است و با تحقق این طرح‌ها، جهش تازه‌ای در صنعت پتروشیمی کشور رقم خواهد خورد.

رئیس مجلس

اصلاحات اقتصادی بدون اصلاحات انرژی ممکن نیست

رئیس مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت اصلاحات انرژی قبل از اصلاحات اقتصادی، گفت: قیمت‌ها باید واقعی شود، اما افزایش بدون برنامه درست نیست. اصلاح قیمت تنها راه یا نخستین گام نیست و در این مسیر منافع مردم باید مدنظر قرار گیرد. به گزارش مناقصه‌مزایده، محمدباقر قالیباف؛ در همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در صنعت، نفت، گاز و پتروشیمی، اظهار کرد: ما در آغاز مجلس یازدهم بر یک موضوع تأکید داشتیم و گفتیم که برنامه ما، فراهم کردن بسترهای قانونی لازم برای یک خیزش اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مردمی است. بر همین اساس نقشه‌راهی روشن و مشخص تدوین کردیم و امروز که در خدمت شما هستیم، اعلام می‌کنیم تاکنون پیگیری و تصویب ۲۱ قانون اساسی و مورد نیاز برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور در دستور کار مجلس یازدهم قرار گرفته است. وی با بیان اینکه با انباشت قانون‌گذاری و تورم در قانون مواجه هستیم، افزود: قوانین متضاد و منسوخ‌شده وجود دارد که در این دوره مجلس از ۱۲ هزار و ۵۲۴ قانونی که وجود دارد، نزدیک به دوسوم آن را از رده خارج خواهیم کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی، اظهار کرد: در اصلاحات انرژی، دو طرف مصرف‌کننده و تولیدکننده وجود دارند که دو روی یک سکه‌اند، اما اولویت با اصلاحات در بخش مصرف‌کننده است. قالیباف؛ اصلاح قیمت را نه آخرین و نه نخستین راهکار دانست و با تأکید بر اینکه این مسیر باید طوری پیش برود که نخستین منفعت آن به‌صورت مستقیم به مردم برسد، افزود: فرصت‌های پیش رو به دو نوع با ریسک و بدون ریسک تقسیم می‌شوند و در اصلاحات انرژی، مصرف یک فرصت با ریسک است، بنابراین باید با خرد جمعی و مشارکت مستقیم مردم به‌درستی اجرا شود. وی با بیان اینکه اصلاح در بخش انرژی بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری و تحول است که در حال از دست دادن آن هستیم، بیان کرد: امروز خام‌سوزی، اگر از خام‌فروشی کمتر نباشد، به همان اندازه زیان‌آور است. پنج سال پیش سهم دولت از معادن ۶ همت بود، اما مابه‌التفاوت گازوئیلی که به معادن می‌دادیم، ۴۰ همت می‌شد. این گونه مدیریت نیاز به مهارت خاص ندارد و اگر اجازه دهیم کارها به حال خود رها شود، نتیجه به‌مراتب بهتر خواهد بود. رئیس مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: پیش از ناترازی در انرژی، ناترازی در مدیریت وجود دارد و باید تلاش کنیم اقتصاد مصرف‌محور را به اقتصاد آینده‌محور تبدیل کنیم. مهم‌ترین ویژگی برنامه هفتم توسعه، حرکت مسئله‌محور است؛ تا مشکلات را به مسئله تبدیل نکنیم و به رسمیت نشناسیم، قادر به حل آن‌ها نخواهیم بود. قالیباف؛ با تأکید بر دقت برنامه هفتم توسعه، گفت: اگر در قانون‌گذاری اشتباهی رخ داده یا پیشنهاد دقیق‌تری مطرح شود، برنامه را در مجلس اصلاح خواهیم کرد. ممکن است برخی موضوعات مربوط به سال اول را بازبینی و برخی موارد را برای سال دوم متوقف کنیم، اما از دولت درباره اقدام‌های زمین‌مانده توضیح خواهیم خواست، زیرا برنامه هفتم تنها سند و میثاق ملی ماست. وی با بیان اینکه بازار سرمایه کشور نمی‌تواند مشکل سرمایه‌گذاری در بخش نفت، گاز و پتروشیمی را حل‌وفصل کند، زیرا کل وزن بازار سرمایه ما حداکثر ۱۰۰ میلیارد دلار است، افزود: نقدینگی ما بیش از ۱۱ هزار همت است و روزانه نیز هشت همت به آن افزوده می‌شود، اما چه سهمی از این نقدینگی را به سمت سرمایه‌گذاری برده‌ایم؟ به عبارتی هیچ‌گاه نتوانستیم این نقدینگی را به سمت سرمایه‌گذاری ببریم. این از مشکلاتی است که باید برطرف شود. رئیس مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه در ماده پنجم برنامه هفتم توسعه بر اقتصاد مردمی تأکید شده است، افزود: برای حضور بخش‌خصوصی در همه میدان‌های جدید در حوزه نفت و گاز براساس بند ب ماده ۱۵ این فرصت ایجاد شده و باید در بالادست و پایین‌دست به این موضوع توجه شود. قالیباف؛ با بیان اینکه بخش‌خصوصی آمادگی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت را دارد، اما درگیر بوروکراسی و کندی تصمیم‌گیری‌هاست، تأکید کرد: باید این موانع برطرف شود تا بخش‌خصوصی بتواند در تولید و توسعه کشور نقش‌آفرینی کند. براساس برنامه هفتم توسعه، ۵ درصد از تولید نفت و ۱۰ درصد از تولید گاز باید از سوی بخش‌خصوصی انجام شود. اگر بپذیریم که ریشه مشکلات اقتصادی کشور در دولتی بودن آن است، بسیاری از چالش‌ها برطرف می‌شود.

کیوسک اخبار

عدم استخراج ۷۰ درصد نفت و ۸۰ درصد گاز باقیمانده در مخازن با تداوم روند کنونی

مدیر سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار شرکت ملی نفت ایران، با بیان اینکه اگر ریل سیاست‌گذاری و تأمین مالی در صنعت نفت اصلاح نشود، بخش قابل توجهی از منابع زیرزمینی کشور هرگز استخراج نمی‌شود، گفت: با تداوم روند کنونی، حدود ۷۰ درصد نفت و ۸۰ درصد گاز باقیمانده در مخازن کشور هرگز تولید نخواهد شد و زیر زمین باقی می‌ماند. به گزارش مناقصه‌مزایده، امیر مقیسه؛ در دومین همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، اظهار کرد: نفت ستون فقرات اقتصاد و امنیت ملی ماست، اما متأسفانه عمر آن زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌کردیم رو به پایان است. براساس برآوردهای بین‌المللی، دوره نفت حداکثر تا سه تا چهار دهه آینده خاتمه خواهد یافت. وی افزود: این به‌معنای آن است که با تداوم روند کنونی، حدود ۷۰ درصد نفت و ۸۰ درصد گاز باقیمانده در مخازن کشور هرگز تولید نخواهد شد و زیر زمین باقی می‌ماند. اگر امروز اقدام نکنیم، نسل‌های آینده ما حتی فرصت بهره‌مندی از این ثروت را نخواهند داشت. مدیر سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار شرکت ملی نفت ایران، با اشاره به عملکرد کشورهای منطقه، گفت: روزی لوگوی شرکت ملی نفت ایران مایه افتخار و حسرت کشورهای نفتی بود، اما اکنون فاصله ما با بازیگران بزرگ انرژی از جمله آرامکو و ادنوک افزایش یافته است. آرامکو چند سال پیش تنها با عرضه پنج درصد از سهام خود در بورس‌های بین‌المللی بیش از ۲۵ میلیارد دلار جذب سرمایه کرد و دولت عربستان نیز تضمین سود سالانه ۷۵ میلیارد دلاری برای سهامداران داد. مقیسه؛ تأکید کرد: در حالی که شرکت‌های بزرگ جهان مسیر جذب سرمایه و تنوع‌بخشی به منابع مالی را طی کرده‌اند، ما همچنان درگیر ساختارهای پیچیده و بروکراسی‌های بازدارنده هستیم. وی با بیان اینکه طبق آمار بانک‌مرکزی، بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ بیش از ۱۷۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده است، افزود: تنها در نیمه نخست سال ۱۴۰۲ نیز حدود ۱۲ میلیارد دلار خروج سرمایه داشته‌ایم، در حالی که حجم نقدینگی کشور به بیش از ۱۱ هزارهزار میلیارد تومان رسیده، این منابع به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت نمی‌شوند.

مدیران نفتی زیر فشار ۱۳ دستگاه نظارتی

مدیر سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار شرکت ملی نفت ایران، با تأکید بر اینکه مشکل ما کمبود پول نیست، مشکل بی‌اعتمادی است، گفت: دولت و قانون‌گذاران باید با ایجاد سازوکارهای شفاف و مطمئن، مردم را به مشارکت در پروژه‌های ملی ترغیب کنند. دانشگاه‌ها و دستگاه‌های توسعه‌ای نیز باید نقش تضمین‌کننده و اعتباربخش ایفا کنند. مقیسه؛ با اشاره به تعدد نهادهای نظارتی، گفت: امروز عملکرد مدیران نفتی زیر سایه ۱۳ دستگاه نظارتی بررسی می‌شود. در چنین شرایطی، مدیران نمی‌توانند شجاعانه تصمیم بگیرند و بیشتر از رضایت دستگاه‌های نظارتی، نگران تصمیم برای منافع ملی‌اند. در هیچ شرکت بزرگی مثل آرامکو، ادنوک یا توتال چنین فضای تصمیم‌گیری سنگینی وجود ندارد. وی با بیان اینکه اگر می‌خواهیم صنعت نفت و گاز کشور دوباره نقش پیشران خود را بازیابد، باید این ریل را تغییر دهیم. مجلس، دولت و نهادهای نظارتی باید هم‌زمان بپذیرند که فرصت اندکی برای اصلاح مسیر باقی مانده است، گفت: نباید بگذاریم منابع ملی ما زیر زمین بماند و فرصت‌های تاریخی از دست برود. اگر امروز تصمیم نگیریم، فردا دیر خواهد بود. باید با همدلی و اصلاح نگرش، اعتماد عمومی را بازسازی و صنعت نفت را به جایگاه واقعی خود باز گردانیم.

چند درصد از شبکه انتقال و فوق توزیع برق کشور بالای ۳۰ سال عمر دارند؟

مدیرعامل شرکت توانیر، گفت: ۳۴ درصد از شبکه انتقال و فوق توزیع برق کشور بالای ۳۰ سال عمر دارند. به گزارش مناقصه‌مزایده، مصطفی رجبی‌مشهدی؛ اظهار داشت: استفاده بیشتر از ظرفیت خطوط فشارقوی برق با استفاده از حفاظت‌های ویژه در شبکه سراسری برق ایران، کاری بی‌سابقه در جهان است و به این ترتیب تا حد زیادی از کسری منابع سرمایه‌گذاری در شبکه برق از طریق حفاظت و اتوماسیون جبران و موجب شد بتوانیم از آنچه داریم به بهترین شکل استفاده کنیم. مدیرعامل توانیر، استفاده مؤثرتر از ظرفیت واقعی خطوط شبکه برق را همچنان امکان‌پذیر و مستلزم بازنگری در حد بارگذاری خطوط فشار قوی براساس محاسبات علمی و متناسب با شرایط کشور دانست که با توجه به محدودیت‌های توسعه شبکه انتقال از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. رجبی‌مشهدی؛ درخصوص فرسودگی شبکه، حدود ۳۴ درصد شبکه انتقال و فوق توزیع برق کشور را با عمر بالای ۳۰ سال ذکر کرد و افزود: عمر مفید شبکه در برخی از نقاط کشور که با آلایندگی و تنش‌های مختلف سروکار دارد از ۳۰ سال کمتر و در برخی نقاط بیشتر است بنابراین عمر مفید یکسان ۳۰ سال برای طراحی خطوط انتقال برق در همه ایران گاهی کفایت نمی‌کند و می‌توان در این خصوص با اجرای طرح‌های بهبود و ارتقای شبکه به منطق قابل قبولی دست یافت. مدیرعامل توانیر، تغییر طراحی و ارتقای شبکه موجود از سطوح ولتاژ پایین به ولتاژ بالاتر را از دیگر راهکارهای حل مسائل سرمایه‌گذاری و توسعه شبکه عنوان کرد که مسبوق به سابقه بوده و با توجه به محدودیت‌های توسعه شبکه، لازم است این رویکرد در دستور کار قرار بگیرد.

ahlekhalvat
منم، زنی از خاکِ خوزستان
با چادر خاکی، با دلِ طوفان
در کوچه‌های آتش و آوار
با لالاییِ گلوله، بیدار
پسرم را با دعا روانه کردم
با اشک، با قرآن، با دلِ دردم
همسرم رفت، با لبخندِ بی‌پایان
و من ماندم، با قابِ عکس و ایمان
هفته‌ای مقدس، پر از خاطره
از سنگر و خون، از بغض و حنجره
شهدا، ستاره‌های شبِ تار
در دلِ زن، جاودانه، بیدار
من زنم، اما سنگرم تنم بود
با صبر، با عشق، با دلِ کبود
در دفاع مقدس، من هم شهیدم
با هر آه، با هر اشک، با هر ندیدم
آزیتا خدری‌کیارسی
برای دیدن صفحه اینستاگرام «اهل خلوت» بارکد را اسکن کنید
کانال تلگرامی اهل خلوت ahllekhalvat